

خبرنامه



سال یازدهم، شماره نود و نهم، تیر و مرداد ماه ۱۴۰۲

بزرگ‌ترین دشمن ما؛ جهل، ناامیدی و سطحی‌نگری است





فهرست

- ۳ * بزرگ‌ترین دشمن ما؛ جهل، ناامیدی و سطحی‌نگری است.....
- ۵ * تسلط بر تاریخ برتری می‌آورد.....
- ۱۰ * نظام سیاسی و «مردم» بر سر منافع ملی چگونه به اتفاق نظر می‌رسند؟.....
- ۲۰ * مؤلفه‌های شکل‌گیری هویت ملی ایرانیان.....
- ۳۳ * اهمیت برنامه‌ریزی برای انجام پژوهش‌های دانشجویی در زمینه عناصر مختلف هویت ملی.....
- ۳۵ * تصویب طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری.....
- ۳۶ * تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه.....
- ۳۹ * تمدید تفاهم‌نامه همکاری پژوهشگاه علوم انسانی با مؤسسه تولیت شمس تبریزی و مفاخر خوی.....

نشست‌ها و سخنرانی‌ها:

- ۴۰ * بررسی علل و ریشه‌های تورم در ایران.....
- ۴۴ * تعادل، نگاهی متفاوت به سلامت روان.....
- ۴۶ * نگاهی به تاریخ نهاد دانشگاهی علوم قرآن و حدیث و وضعیت دانش‌آموختگان.....
- ۴۷ * مطالبات اجتماعی زنان پس از مشروطه؛ تأملی بر نشریه عالم بانوان.....
- ۴۸ * جت طایفه‌ای در شرق هرمزگان؛ خوانشی قوم‌نگاری از منظر تاریخ اجتماعی.....
- ۵۷ * خشونت زبانی سیال در سپهر ارتباطی نوجوان امروز.....
- ۶۰ * سیاست‌گذاری زیست در فضای مجازی.....
- ۶۲ * بازنگری معنای واژه «دین» در قرآن با لحاظ بستر تاریخی پیدایش اسلام.....
- ۶۳ * فهم اقتصادی و فلسفه برای کودکان و نوجوانان.....
- ۶۴ * معرفت‌شناسی برهان‌های عملی بر خداباوری.....
- ۶۶ * نقد و بررسی کتاب «افسانه روشنایی».....
- ۷۰ * کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و تحولات نوین در نظم بین‌المللی؛ پیامدها و سیاست‌ها.....
- ۷۲ * میراث جهانی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی.....
- ۷۶ * جایگاه عریضه‌ها در تحولات اجتماعی ایران طی دوران مشروطه.....
- ۷۹ * روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی.....
- ۹۱ * معرفی مقیاس‌های ارزیابی وضعیت سلامت یک زبان و اهمیت آن در میراث زبانی آسیا.....



بیانات مقام معظم رهبری

در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران

انصافاً در معرفی شهدا و استفاده از ظرفیت‌های حادثه هفتم تیر، کم‌کاری شده است. جوانان در جناح فرهنگی مؤمن، انقلابی و خودجوش باید با زبان تصویر و با ابزارهای جدید، از این شخصیت‌های برجسته چهره‌نگاری هنرمندانه بکنند.



پرو، شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

در دیدار با دانش‌آموزان نخبه شهر قم مطرح شد:

بزرگ‌ترین دشمن ما؛ جهل، ناامیدی و سطحی‌نگری است

نخستین گردهمایی باشگاه دانش‌آموزی، توسط مرکز نوآوری و توسعه فناوری با همکاری خانه خلاق و نوآوری علوم انسانی و فرهنگ برگزار شد.

این گردهمایی با عنوان «مدرسه تابستانی علوم انسانی» با حضور دانش‌آموزان نخبه شهر قم، ششم تیرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد و دانش‌آموزان با ظرفیت‌ها و توانمندی‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آشنا شدند و در کارگاه‌های مهارت‌افزایی علوم انسانی شرکت کردند. دیدار با دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پایان بخش این رویداد بود.



دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی طی سخنانی در حضور دانش‌آموزان نخبه شهر قم، گفت: از حضور شما جوانان عزیز در این مجموعه پژوهشی و فرهنگی خوشحال هستیم و با وجود و حضور شماهاست که رخوت و سستی از بین می‌رود، ضمن اینکه ما بیشتر از شما به حضور نسل جوان در جمع خودمان نیاز داریم و از شماها انرژی دریافت می‌کنیم.

دکتر نجفی ادامه داد: وجود شماها از طرفی برای ما خیلی خوب و غنیمت است اما از طرفی دیگر نگران آینده شماها هستیم چون شماها مورد طمع دشمنان هستید. شما نسل خیلی خوب و باهوشی هستید اما دشمن روی شما زوم کرده و من این مورد را کاملاً می‌بینم. در این خصوص مثال «مرغ ماهی‌خوار» را به‌عنوان نمونه مطرح می‌کنم که هم قصه آن را شنیده‌اید و هم کارتون آن را دیده‌اید که ماهی‌ها می‌گفتند، برکه ما برکه خوبی نیست و یک مرغ ماهی‌خوار به این ماهی‌ها طمع کرد و گفت، من یک برکه بزرگتری می‌شناسم و وعده داد آنها را به برکه جدید منتقل کند و یکی یکی ماهی‌ها را می‌خورد و ...

وی تأکید کرد: به‌نظر من در وضعیت کنونی شما جوانان مثال ماهی‌هایی هستید که اجانب و دشمنان به شماها وعده و وعیدهای دروغ می‌دهند و به شما برکه‌ای را نشان می‌دهند که وجود ندارد. باور کنید آن‌طور که ما شماها را دوست داریم، بیگانگان به فکر شما نیستند. شما بچه‌های ما هستید و اجانب دروغ می‌گویند و به منابع کشور ما نظر دارند. من خودم مورخ هستم و تاکنون ۴۵ کتاب نوشته‌ام و رشته‌ام را هم که علوم سیاسی بود را تغییر دادم و رشته تاریخ را انتخاب کردم.

دکتر نجفی با اشاره به برخی خاطرات دوران دبیرستان خود خطاب به دانش‌آموزان جوان تأکید کرد: قدر موقعیت و امکاناتی را که دارید بدانید. به‌طور مثال در سال ۵۷ ما جوانان اصفهانی حق نداشتیم از پیاده‌روی مقابل هتل عباسی رد شویم و یک پاسبان آنجا حضور داشت و فقط خارجی‌ها حق داشتند از آنجا عبور کنند که امروز علاوه بر امکانات، کشور ما صاحب استقلال هم شده است و این موضوع مهمی است. اوایل انقلاب بهترین سوغاتی مکه برای مردم نوشابه پرسی بود! اما برخی به شماها که گذشته را ندیده‌اید تصویر رنگینی از گذشته و غرب نشان می‌دهند که واقعیت ندارد.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه به دانش‌آموزان توصیه کرد: ضمن خواندن فلسفه، تاریخ را هم خوب بخوانند و از موزه ایران باستان حتماً بازدید کنند که ایرانیان تا چه اندازه به تمدن بشری خدمت کرده‌اند. وی گفت: از کشورهای قدیمی ایران، چین و مصر سه کشور متمدن هستند که ایرانیان خیلی متمدن‌تر هستند و به این دلیل بود که خودشان با انتخاب تاریخی‌شان تشیع و حضرت علی (ع) را انتخاب کردند که نیاز است شما جوانان این قبیل موارد تاریخی را خوب مطالعه کنید. برخی می‌گویند ما مرده‌پرست هستیم اما احترام گذاشتن به گذشتگان و مردگان نشانه تمدن است که در این خصوص اروپایی‌ها هم به قبرستان‌هایشان توجه ویژه‌ای دارند و گورستان‌هایشان مثل باغ گل است اما در کشوری مثل عربستان که تمدن ندارد، این‌طور نیست. دکتر نجفی تصریح کرد: شما جوانان خودتان را دست‌کم نگیرید چون با گنجینه‌ای که شماها دارید می‌توانید



احساس سرافرازی کنید و با افتخار بگوئید، من ایرانی و شیعه هستم. ایرانی‌ها هم عظمت دارند (تخت جمشید)، هم اهل عشق و عرفانند (حافظ) و هم اهل قداست هستند (حضرت رضا (ع)) که بین این سه نسبتی برقرار است و روح ایرانی بین این سه مورد است. اول امام رضا (ع) که بر مزارش دست می‌کشیم و صورتمان را با آن متبرک می‌سازیم، حافظیه هم مملو از عشق، عرفان و لطافت است ضمن اینکه تخت جمشید هم عظمت دارد. ما وارث اینها هستیم و علاوه بر این ما صاحب انقلاب عظیمی هم هستیم که مشابه انقلاب فرانسه بود (دکتر در این بخش از سخنان خود به کتاب «نظم جهانی» کسینجر اشاره و خواندن آن را به جوانان توصیه کرد که در آن تأکید شده انقلاب اسلامی نظمی را در جهان برهم زده که هیچ حکومتی نتوانسته است آن را برهم بزند. حتی کمونیست‌ها، تزارها، چین و ...) و شماها واقعاً در موقعیت خوبی قرار دارید و می‌توانید از فلسفه، تاریخ و عظمت انقلاب و دیگر داشته‌هایمان دفاع کنید و نگذارید این موارد کم‌رنگ شود. ما در میراثمان خیلی چیزها داریم و باید بتوانیم با امید و خوشبینی این نقاط قوت را بالفعل کنیم. ما از نظر تاریخی هم بسیار غنی هستیم و قهرمانان و اسطوره‌های واقعی زیادی داریم. از سردار سلیمانی در دوران حاضر گرفته تا امیرکبیر در حدود ۱۵۰ سال قبل که مقابل زیاده‌خواهی‌های انگلیس و روسیه ایستادگی می‌کرد. باید از این بزرگان درس بگیریم که بزرگ‌ترین دشمن ما؛ جهل، ناامیدی و سطحی‌نگری است.

در این نشست دانش‌آموزان حاضر نیز دغدغه‌ها و نقطه‌نظراتشان را در مورد مسائل علوم انسانی مطرح کردند و خواهان ترویج سبک آموزش فیک در سایر مدارس حتی در آموزش و پرورش کشور شدند.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در گفت‌وگو با روزنامه جام جم مطرح کرد:

تسلط بر تاریخ برتری می‌آورد

روزنامه جام جم در شماره روز سه‌شنبه، ۱۳ تیر ماه، متن گفت‌وگوی دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را با مدیران ارشد صداوسیما منتشر کرد که دکتر نجفی نظرات و دیدگاه‌هایش را در مورد برخی مسائلی و نکات تاریخی و مقتضیات تمدن نوین ایرانی-اسلامی مطرح کرده است و... متن این مصاحبه عیناً از نظر شما مخاطبان گرامی می‌گذرد:



موسی نجفی، صاحب «نظریه تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان» در کرسی‌های نظریه‌پردازی، تاکنون در مسئولیت‌هایی چون مدیر گروه اندیشه سیاسی دانشکده الهیات و فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، رئیس پژوهشکده فرهنگ، انقلاب و تمدن اسلامی، رئیس گروه نظریه‌پردازی انقلاب اسلامی و مدیر گروه دوره دکتری علوم سیاسی با گرایش مسائل ایران در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و کرسی استادی دانشگاه علوم اسلامی رضوی فعال بوده‌است.

نجفی، سال ۸۲ برای تألیف کتاب «مراتب ظهور فلسفه سیاست در تمدن اسلامی» جایزه بهترین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را از آن خود کرد. استاد پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی، در نشستی با مدیران ارشد صداوسیما در موضوع تحول محتوایی رسانه معتقد است که در تمدن نوین اسلامی باید جایگاه عقلانیت، فقه، فلسفه و عرفان نیز دیده شود چون همه از منشاء اسلام هستند و تأکید می‌کند در مواجهه با هژمونی تمدن غربی، صداوسیما باید به بازشناسی این میراث تمدنی به جامعه خصوصاً نسل جوان بپردازد. مشروح کامل سخنان او پیش روی شماست.

در بحث نظریه‌پردازی انقلاب، شما را ارجاع می‌دهم به کتاب «انسان دویست و پنجاه ساله» رهبری. آقا نکته‌ای دارند راجع به دشمنان پیامبر (ص) در مدینه که چندین گروه بودند؛ از جمله یهودی‌ها که چون عقبه فکری‌شان برمی‌گشت به تورات به جهت آن سابقه چندصدساله، نسبت به کفار برتری فرهنگی داشتند؛ آنها وقتی با آن سابقه فرهنگی نزد پیامبر (ص) احتجاج می‌کردند، پیامبر (ص) نیز باید در مقابل‌شان برتری نشان می‌دادند. گروه دیگر کسانی بودند که با پیامبر (ص) بودند، ولی رشد مدنی جامعه اسلامی را نمی‌توانستند درک کنند. رشد جامعه مدنی به مسئله غدیر و ولایت امیرالمؤمنین ختم می‌شود. آنها در عین اینکه در جنگ‌های بدر و احد شرکت داشتند

و از صحابه پیامبر بودند ولی با این رشد همراه نبودند. امروز این موضوع باید برای ما درس شود. یعنی وقتی وارد دهه چهارم و پنجم انقلاب می‌شویم، باید مقتضیات این دهه‌ها را هم قبول کنیم. وقتی رهبر معظم انقلاب می‌فرماید، «تمدن نوین اسلامی»، ما همچنان حواس مان به مرحله نهضت است. مانند همان گروهی از صحابه که در سال دهم هجرت در مدینه نوع نگاهشان از جنسی بود که در سال‌های اولیه در مکه داشتند. این نوع نگاه یعنی این که در کار ما اشکال وجود دارد.

به دنبال نظریه‌ای منسجم

امروز عده‌ای سرنگونی نظام شاهنشاهی را علت انقلاب اسلامی می‌دانند در حالی که سقوط نظام شاهنشاهی، معلول انقلاب اسلامی است و نه علت آن؛ مثلاً آیا ما می‌توانیم بگوییم سرنگونی جاهلیت علت مبعث است؟ مبعثی که حرف آسمانی الهی است اصلاً مربوط به مردم عربستان نمی‌شود. آن زمان پیامبر با جاهلیت و امثال ابوسفیان درگیر شده اما اینها علت و معلول که نیستند. فقط در یک زمان با یکدیگر مقارن شده‌اند. در مورد پیروزی انقلاب اسلامی هم همین طور است. انقلاب اسلامی که از دل نظام شاهنشاهی درنیامده‌است، به‌نظرم در قسمت علت و معلول، ما باید برعکس عمل کنیم. سقوط نظام شاهنشاهی معلول انقلاب اسلامی است، نه علت آن. ما این دو مطلب را یکی گرفتیم و این باعث بسیاری از اشتباهات شده‌است و از این‌رو این نگاه وجود دارد که رژیم‌های رفته و رژیم‌های به جای آن آمده‌است. اینجا سؤالی پیش می‌آید؛ این که اساساً ما در چه وضعیتی هستیم و به لحاظ تاریخی کجا ایستاده‌ایم؟

به‌نظر می‌آید که ما درباره «انقلاب» نظریه درستی نداریم؛ یعنی یا به طرف مارکسیست‌ها متمایل می‌شویم یا به سمت لیبرال‌ها. اتفاقی که امروز برای جماعتی افتاده‌است. باید فرهنگ سیاسی مردم‌مان را از مارکسیسم و لیبرالیسم جدا کنیم. هر دو برای ما باطل است. ما باید انقلاب را با نگاه خودمان جلو ببریم. از این جنبه داشتن یک نظریه درست بومی راجع به انقلاب اسلامی باید در پس ذهن ما باشد. جریاناتی قائل به یک نوع تجدیدنظرطلبی هستند، یا برخی دوستان توبه‌کرده اصولگرا که الان فعال شده‌اند به‌نوعی گرایش‌های نوحجّیه‌ای از خودشان نشان می‌دهند. اینها اصلاً اصل قضیه را زیر سؤال می‌برند. یا در همین سمیناری که سال گذشته با موضوع ۱۰۰ سالگی حوزه برگزار شد، این مسئله مطرح شد که باوجود همه مشکلاتی که هست، حوزه باید به همان زمان مرحوم شیخ عبدالکریم حائری برگردد و کاری به سیاست نداشته باشد. آیا واقعاً شیخ عبدالکریم حائری کاری به سیاست نداشته؟ یعنی ما نمی‌توانیم نظریه‌ای داشته باشیم که در آن مرحوم شیخ عبدالکریم حائری و انقلاب را در کنار هم ببینیم. فقدان این نظریات باعث می‌شود که آقایان مدام متلاطم شوند. ما معمولاً این مسائل را در وادی نفسانیات، مسائل اخلاقی و قدرت‌طلبانه می‌بینیم، در حالی که به بعد تئوریک قضیه برمی‌گردد. اینها در پس ذهن‌شان یک نظریه درست و دقیق از انقلاب ندارند تا بتوانند از آن دفاع کنند. اگر هم داشته باشند ممکن است همچنان اوایل مدینه را ببینند در حالی که ما باید یک نظریه منسجم از انقلاب داشته باشیم.

نگاه شهید مطهری در سیر تفکرات انقلابی

به‌نظریه‌ای از مرحوم استاد مطهری اشاره می‌کنم. ایشان در کتاب «نهضت‌های اسلامی در ۱۰۰ سال اخیر»، واژه اصلاحات را جزو واژه‌های زوج قرآنی می‌دانند و می‌گویند: «اصلاح» ضدش افساد و «مصلح» ضدش مفسد است و این واژه‌ها باید با ضدش شناخته شود. بعد می‌گویند این که جامعه به اصلاح توجه کند خیلی برکت دارد، اما می‌ترسم که به یک افراطی برود و شخصیت‌ها و بزرگان‌مان را فقط با ملاک «اصلاح» بسنجد. ایشان این نگاه را یک زنگ خطر می‌دانند چون باعث می‌شود جامعه خیلی از شخصیت‌ها را از دست بدهد و استدلال درستی هم هست. ایشان یک تقسیم‌بندی سه‌گانه دارد. می‌گویند با این نگاه ما اول باید افراد صالح داشته باشیم. خوب این ملاک را در بین روحانیون می‌بینید، مثلاً روحانی‌ای که پیش‌نماز مسجد است، درحالی که ممکن است انقلابی نباشد، اشکالی هم ندارد، در همین حد که صالح است و پاسخ‌گوی مسائل شرعی مردم، خوب است. حالا اگر دیدیم این صالح توانش را دارد که کار اجتماعی انجام دهد، مصلح اجتماعی می‌شود. ایشان از آیت‌ا... بروجردی و مرحوم شیخ عباس قمی، صاحب مفاتیح به‌عنوان مصلح اجتماعی نام می‌برد، یعنی می‌توانیم در سیر انقلابی و تفکر دینی‌مان نظریه‌ای داشته باشیم که در آن آقا شیخ عباس قمی هم دیده شود. شاید عجیب به‌نظر آید که چرا آقای مطهری در بحث مصلح اجتماعی از ایشان نام می‌برد. مطمئناً نتیجه جمع‌آوری و تدوین مفاتیح برای شیعیان آن‌قدر برکت داشته که سازمان امنیت عراق هر که را با مفاتیح می‌دید، اعدام می‌کرد. خاطریم هست دم مرز که می‌رسیدیم مأموران امنیتی، مفاتیح‌ها را از ما می‌گرفتند تا به قیمت گزافی به شیعیان بفروشند.

رضاشاه هم مخالف مفاتیح بود، مطمئناً خواندن آن تأثیری بر جامعه داشته که به مذاق دیکتاتورها خوش نمی‌آمده است اما مصلح سوم از نظر ایشان مصلح سیاسی مثل امام است که در رأس قرار دارد و از آن بالاتر، حضرت حجت بن الحسن (عج).

نظریه دوم شهید مطهری این است که می‌گویند، امام خمینی (ره)، من متعالی جامعه را برانگیخت و مردم با این من متعالی حرکت کردند که یک جریان عجیبی است. در صورتی که ما بعضی وقت‌ها مثلاً در زمان انتخابات روی چیزهای غیر متعالی جامعه دست می‌گذاریم برای این که رأی بیاوریم — مردم یکدفعه با این من متعالی حرکت کردند و این خودش یک نکته عجیبی است، کار امام هم نیست. فرقی که رهبران انقلاب الهی مثل امام خمینی با امثال لینن، گاندی و کاسترو دارند این است که آنها مثل ناخدا عمل می‌کنند. این رهبران الهی جهت و سرعت باد را به‌خوبی می‌توانند تشخیص دهند بعد فقط بادبان‌ها را به جهت مناسب تغییر وضعیت می‌دهند، یعنی خود آنها نمی‌توانند علت باشند. امام (ره) هم به این نکته اشاره کرده‌بودند اما ما فکر می‌کردیم تعارف است.

موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی عنوان کرد:

تسلط بر تاریخ برتری می‌آورد

موسی نجفی، صاحب «نظریه تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان» در کرسی‌های نظریه‌پردازی، تاکنون در مسئولیت‌هایی چون مدیر گروه اندیشه سیاسی دانشکده الهیات و فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، رئیس پژوهشکده فرهنگ، انقلاب و تمدن اسلامی، رئیس گروه نظریه‌پردازی انقلاب اسلامی و مدیر گروه دوره دکتری علوم سیاسی با گرایش مسائل ایران در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و کرسی استادی دانشگاه علوم اسلامی رضوی فعال بوده است.

نجفی، سال ۸۲ برای تألیف کتاب «مراتب ظهور فلسفه سیاست در تمدن اسلامی» جایزه بهترین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را از آن خود کرد. استاد پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی، در نشست با مدیران ارشد صداوسیما در موضوع تحول محتوایی رسانه معتقد است که در تمدن نوین اسلامی باید جایگاه عقلانیت، فقه، فلسفه و عرفان نیز دیده شود چون همه از منشا اسلام هستند و تأکید می‌کند در مواجهه با هژمونی تمدن غربی، صداوسیما باید به بازشناسی این میراث تمدنی به جامعه خصوصاً نسل جوان بپردازد. مشروع کامل سخنان او پیش روی شماست.



امام در وصیت‌نامه‌شان می‌گویند، این انقلاب، یک انقلاب الهی است و ما در آن دخیل نبودیم. یک انقلاب الهی که از عالم غیب، خداوند به ملت ایران ارزانی داشته و رمز بقایش هم ایمان به غیب است. این اعتقاد می‌تواند مبنای تئوریک باشد. اصلاً همین نگاه است که ما را از مارکسیست و لیبرال جدا می‌کند تا انقلاب را سکولار تحلیل نکنیم. از نظرات شهید مطهری و بحث حضرت آقا می‌توان این سؤال را مطرح کرد که انقلاب ما هویتی است یا هویت ما انقلابی است؟ اگر بگوییم هویت ما انقلابی است یعنی به طرف مارکسیست حرکت می‌کنیم یعنی هر چیزی را اول با انقلاب می‌سنجیم، اگر معنی انقلابی نداشت آن را کنار می‌گذاریم. همان خطری که آقای مطهری گوشزد کرد، یعنی همه چیز را فقط با اصلاح اجتماعی و سیاسی بسنجیم که در این استنباط خیلی از بزرگان از جمله مرحوم قاضی و بسیاری از عرفای بزرگ را باید کنار بگذاریم که اگر چنین شود آن وقت در بحث تمدن واقعاً کم می‌آوریم.

پذیرفتن مقتضیات تمدن نوین ایرانی اسلامی

به نظر من هیچ کس نمی تواند در این انقلاب سهم خواهی کند حتی روحانیت، چون خود امام که رهبرش است اعتقاد دیگری دارد؛ بنابراین اگر بگوییم، انقلاب ما هویتی است آن وقت اینجا به حرف حضرت آقا می رسیم؛ یعنی اول با مرحله براندازی روبه رو شدیم و بعد با مرحله اثبات نظام. در مرحله اول درخصوص نظریه انقلاب با مارکسیست ها رقیب بودیم و در مرحله نظام با لیبرال رقیب شدیم اما در مرحله آخر که تمدن است با کل غرب رقیب شدیم. پس الان وقت این نیست که بپردازیم به این که انقلاب درست بود یا نه؟ این یعنی دچار یک حرکت ارتجاعی شدن! نکته ای که متأسفانه در بعضی از برنامه های صداوسیما پررنگ است و این همان چیزی است که دشمن می خواهد؛ در حالی که این نظام تثبیت شده و آقا اعلام می کنند ما وارد مرحله تمدن نوین ایرانی-اسلامی شده ایم. امروز فقط باید مقتضیات این تمدن را رعایت کنیم. اگر واقعاً می خواهیم بنابر اقتضائات تمدن رفتار کنیم باید این سیر تکاملی را در بحث تمدن اسلامی بپذیریم. اگر انقلاب هویتی قلمداد شود همان طور که شیخ عبدالکریم حائری را می توانیم در آن تعریف کنیم، شیخ عباس قمی، علامه حلی، خواجه نصیر و حتی سعدی و حافظ را هم می توانیم در این دایره قرار دهیم. این بزرگان در صداوسیما ما غایبند در حالی که با انقلاب اسلامی نسبت زیادی دارند. گویا انقلابیون روی چند فرد مشخص فریز شده اند. مثلاً از مرحوم نواب به درستی حرف می زنید اما همان قدر که نواب در نهضت ملی هویت دارد، آیتا... بروجردی هم هویت دارد. نه این که بگویید این انقلابی است و آن یکی انقلابی نیست. هر چند مرحوم نواب به نظر انقلابی تر می آید ولی وقتی با ملاک تمدن و انقلاب هویتی به موضوع نگاه می کنیم، می بینیم مرحوم بروجردی، نواب و آقای کاشانی این سه نفر برآیندشان می شود خمینی. در واقع ریشه امام هر سه اینها هستند. اشتباه است که طلبه فاضل پرشوری مثل نواب را فقط در نهضت نفت ریشه بدانیم و بقیه بزرگان را کنار بگذاریم. این رویکرد باعث می شود امروز دستمان خالی شود. وقتی به تمدن نگاه می کنید باید جایگاه عقلانیت، فقه و حقوق، قانون، فلسفه و عرفان دیده شود. باید فیلسوفان و عرفایمان هم دیده شوند. دیگر جنگ فقه و فلسفه و عرفان جایی ندارد. در مقوله تمدن ادبا، عرفا و فقها همه از یک منشأ که اسلام است، دیده می شوند. وقتی تمدن هژمونی غربی جلوی ما قرار گرفته ما باید تمام این میراث را با خودمان داشته باشیم و نشان دهیم؛ امروز فیلسوفان، عرفا و... ما همه در خط مقدم هستند. اگر انقلاب را هویتی ببینید آن وقت ظرفیت عظیمی خواهد داشت. اما وقتی هویت ما را انقلابی تفسیر کنیم آن وقت فقط بعضی ها را می بینید و بقیه را کنار می گذارید. باید بتوانیم این میراث عظیم را در قالب تمدن نوین اسلامی بشناسانیم. انقلاب باعث شد که ما این میراث را بشناسیم و حالا وظیفه صداوسیماست که آن را دوباره برای جامعه بازشناسی کند. اگر انقلاب را هویتی ببینیم آن وقت مراحل تمدن را خواهیم دید و وقتی مراحل تمدن را شناختیم آن وقت با نظریه پیوستگی می توانیم به گذشته برگردیم و آن میراث را به آیندگان منتقل کنیم. این روند می تواند غنای بالایی به فرهنگ اسلامی ما بدهد. این بحث ها، همه برای رفتن از مرحله نظام به طرف تمدن است، حضرت آقا پنج، شش تا فرمول دارند. مثلاً بحث اقتصاد مقاومتی، سبک زندگی اسلامی-ایرانی، تحول در علوم انسانی، بحث الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و...





موضوع تمدن نوین را خود آقا مطرح کردند. البته در آثار مرحوم آقای مطهری هم اشاره شده است. در آثار و حرف‌های امام خمینی (ره) هم ظرفیت تمدنی دیده می‌شود اما امام چون درگیر مرحله نظام شاهنشاهی و نهضت بودند، افکارشان بیشتر معطوف نهضت و نظام است اما آقا یک گام جلوتر می‌روند و نگاه‌شان بین نظام و تمدن متمرکز است.

انقلاب اسلامی باید به نظریه پیوستگی نگاه کند و نه گسستگی

انقلاب اسلامی باید به نظریه پیوستگی نگاه کند و نه گسستگی. تاریخ مشروطه در تاریخ کشور ما گسستگی ایجاد کرد و انقلاب اسلامی ما را دوباره برگرداند و پیوسته کرد، حالا ما باید بتوانیم آن میراث عظیم با هویت را به نسل بعد منتقل کنیم. یعنی همین بحث تمدن نوین اسلامی. کار بزرگ انقلاب اسلامی این بود که ما توانستیم این میراث را ببینیم و حال صداوسیما ما باید در معرفی آن تلاش کند.

هرچه جلوتر می‌رویم، این بعد هویتی خودش را بیشتر نشان می‌دهد و عمیق‌تر می‌شود، ظرفیت‌ها نیز بیشتر آشکار می‌شود. دیگر ما نمی‌توانیم برگردیم به اوایل بعثت. الان رسیدیم به قسمت غدیر. یعنی باید این سیر تکاملی را به طور کامل ببینیم و همه وجوهش را با یکدیگر داشته باشیم. اگر انقلاب را هویتی ببینیم آن وقت آن تمدن و مراحل تمدن را می‌بینیم و وقتی مراحل تمدن را دیدیم آن وقت با یک نظریه پیوستگی برمی‌گردیم به گذشته و می‌توانیم همه آن میراث را به آیندگان منتقل کنیم. به نظر من این رویکرد و توجه می‌تواند یک غنای خیلی قوی به فرهنگ ما بدهد و ما را از این حالت فریزی که فقط روی انقلابیون زوم کنیم و انقلاب را در چند تا شخصیت ببینیم، خارج کند. باید کاملاً از این مرحله عبور کنیم و به عمق فرهنگ اسلامی برسیم و سپس این عمق را برای نسل بعدی تبیین کنیم.

اعترافات یک یهودی مغرض

در فصل سوم کتاب «نظم جهانی» که توسط دکتر محمدتقی حسینی ترجمه شد، «هنری آلفرد کیسینجر» در پرداختن به انقلاب اسلامی، ایران را جزو معدود ملت‌های حقیقی منطقه می‌داند. خیلی حرف درستی است. عراق یا سوریه ملت‌های واقعی نیستند بلکه آنها به مرور در خاورمیانه یا غرب آسیای جدید شکل گرفتند. او معتقد است ایرانیان یک ملت حقیقی کهن هستند که به راحتی نمی‌شود آن را متلاشی کرد. این اعتراف، تعارف نیست. بعد می‌گوید، ایرانی‌ها باید انتخاب کنند که می‌خواهند ملت بمانند یا انقلاب. اینجا یک مقدار بدجنسی یهودی‌اش گل می‌کند. این همان دوگانه‌ای است که زمان دولت قبلی مطرح می‌شد. درحالی‌که انقلاب تمام نشده، بلکه در دل این ملت کهن تکامل پیدا کرده است؛ ملتی که با یک سابقه تمدنی تاریخی ایرانی و ایدئولوژیک کهن تعریف می‌شود. تخت جمشید ما فارغ از هر نگاه ایدئولوژیک در مقابل اهرام مصر و دیوار چین قد علم کرده است. این سابقه تاریخی و تمدنی ماست. داشتن تخت جمشید از یک فهم حکایت می‌کند. تمدن، جمع کردن قسمت‌های مثبت تاریخ است نه قسمت‌های منفی. انقلاب اسلامی، دشمن تمدن گذشته ایرانی نیست. به این نکته اشاره کنم که انقلاب اسلامی ایران نسبت به ایران، شبیه انقلاب فرانسه، برای فرانسه است. انقلاب فرانسه، «فرانسوی» نیست. انقلاب اسلامی هم «ایرانی» نیست. یک انقلاب جهانی است که فعلاً ایرانی‌ها افتخار آن را داشته‌اند که در کشورشان به ثمر برسد. نام فرانسه هم با انقلاب فرانسه جهانی شده، این اعلامیه جهانی حقوق بشر یا لیبرالیسمی که در انقلاب فرانسه آمده، فرانسه را از تمام کشورهای اروپایی جلوتر انداخته است. انقلاب اسلامی هم برای ما همین‌طور است. ما اگر فقط بخواهیم ایرانی باشیم و ایرانی فکر کنیم، در این منطقه اسیر می‌شویم. حاج قاسم اگر چه سرباز وطن بود اما این را خوب فهمید که انقلاب یک بعد جهانی دارد. مکتب حاج قاسم چون از مرزهای انقلاب اسلامی ایران گذشت بنابراین طلیعه دار شد. وقتی انقلاب اسلامی به ایرانی، قدرت بین‌المللی و جهانی می‌دهد، آن وقت حتی دوگانه‌ای که کیسینجر می‌گوید را می‌توانیم حل کنیم و این برای ناسیونالیست ایرانی خوب است و به ایرانی توان جدیدی می‌دهد. چه زمانی ایران آن قدر ارزش داشته که تمام کشورهای جهان بنشینند مقابلش؟ خود این موقعیت ایجادکننده یک هویتی تازه برای ایرانی است. به نظر من از این جنبه انقلاب اسلامی، به ایران یک قوت بین‌المللی داده است و این از جنبه حس ایرانیت بسیار برای ما ارزشمند است.

اما نکته سومی که آقای کیسینجر می‌گوید و فوق‌العاده عجیب است، راجع به قرارداد ۱۶۴۸ «وستفالی» است (پیمانی که بعدها الگو و پایه سازمان ملل متحد شد) ایشان معتقد است تنها چیزی که توانسته چند قرن نظم وستفالی را به چالش بکشد «انقلاب اسلامی» است. خیلی حرف بزرگی است. فهم عجیبی می‌خواهد که درک کنیم چطور یک یهودی مغرضی مثل کیسینجر این را می‌فهمد و به آن اعتراف می‌کند، آن وقت برخی از مسئولان و مدیران ارشد کشور ما این ارزش‌گذاری را نمی‌فهمند. مطمئناً انتقال این موضوع به نسل جوان ما خیلی ارزش می‌دهد؛ ارزشی که به جلد باید فهمیده شود.

برگزاری میزگرد روزنامه ایران با استادان و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی «نظام سیاسی» و «مردم» بر سر منافع ملی چگونه به اتفاق نظر می‌رسند؟

روزنامه سراسری ایران میزگردی با حضور استادان و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تشکیل داد و گزارشی از این میزگرد را در شماره ۲۳ مردادماه منتشر کرد. در ادامه گزارش کامل این نشست از نظر تان می‌گذرد:

ایران
www.iranonline.com

اندیشه
پوشش ۳۳ مرداد ۱۴۰۲ شماره ۲۳

میزگرد «ایران» با حضور موسی نجفی، یحیی فوزی، محمدعلی فتح‌اللهی، سید محمدرحیم ربانی‌زاده و سیدجواد میری

تشخیص «منافع ملی» و تعیین «مصالح فراملی» با کیست؟

«نظام سیاسی» و «مردم» بر سر منافع ملی چگونه به اتفاق نظر می‌رسند؟

اندیشه سیاسی

میزگردی

«منافع ملی» در مصلحت‌عمومی و «خیر عمومی» از اصطلاحات ژئوپولیتیک و ادبیات سیاسی است. چنانکه در ادبیات سیاسی مدرن است چنانکه دولتمردان هر کشوری با ملزم کردن خود به تأمین این مصالح و منافع می‌کوشند رضایت عمومی را جلب کنند. به این اعتبار، بر آن شدیم طی میزگردی «چگونگی تشخیص منافع ملی و مصالح فراملی» را از سه زاویه اندیشه سیاسی، جامعه‌شناسی و تاریخی مورد مذاقه قرار دهیم و پرسش‌هایی از این دست را به بحث بگذاریم: منافع ملی در جامعه ایرانی چه مختصات دارد؟ توسط چه کسی و یا با چه فرایندی تعیین می‌شود؟ چه نهادی می‌تواند آن را نمایندگی کند؟ و چقدر بر سر چپستی آن بین بدنه اجتماع اتفاق نظر وجود دارد؟ دکتر سید محمدرحیم ربانی‌زاده رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر سید محمدرحیم ربانی‌زاده رئیس پژوهشگاه تاریخ ایران، دکتر یحیی فوزی استاد علوم سیاسی، دکتر سیدجواد میری جامعه‌شناس ما را همراهی کردند تا ابعاد «منافع ملی» در ایران را به بحث بگذاریم.

«منافع ملی»، «مصلحت عمومی» و «خیر عمومی» از اصطلاحات پر بسامد در ادبیات سیاسی مدرن است چنانکه دولتمردان هر کشوری با ملزم کردن خود به تأمین این مصالح و منافع می‌کوشند رضایت عمومی را جلب کنند. به این اعتبار، بر آن شدیم طی میزگردی «چگونگی تشخیص منافع ملی و مصالح فراملی» را از سه زاویه اندیشه سیاسی، جامعه‌شناسی و تاریخی مورد مذاقه قرار دهیم و پرسش‌هایی از این دست را به بحث بگذاریم: منافع ملی در جامعه ایرانی چه مختصات دارد؟ توسط چه کسی و یا با چه فرایندی تعیین می‌شود؟ چه نهادی می‌تواند آن را نمایندگی کند؟ و چقدر بر سر چپستی آن بین بدنه اجتماع اتفاق نظر وجود دارد؟ در این میزگرد، دکتر موسی نجفی استاد اندیشه سیاسی و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر سید محمدرحیم ربانی‌زاده رئیس پژوهشگاه تاریخ ایران، دکتر یحیی فوزی استاد علوم سیاسی، دکتر سیدجواد میری جامعه‌شناس ما را همراهی کردند تا ابعاد «منافع ملی» در ایران را به بحث بگذاریم.

«مصلحت عمومی» و «منافع ملی» در علم سیاست چه تعریفی دارند؟

دکتر یحیی فوزی: «مصلحت عمومی» با «منافع ملی» ارتباط نزدیکی دارد. در این خصوص چند بحث می‌توان مطرح کرد؛ نخست، مفهوم‌شناسی مصلحت عمومی است، دوم نسبتی است که مصلحت عمومی با شریعت برقرار می‌کند و سوم چگونگی تعیین مصالح عمومی و اینکه چه کسی و چه مرجعی می‌تواند این مصالح را تعیین کند؟ اما برای شروع بحث نخست به این نکته می‌پردازم که نوع نگاه ما به «عموم» چیست؟ آیا اساساً می‌توان برای جامعه «اصالتی» قائل شد که در ادامه بتوانیم برای آن «مصلحت» قائل شویم؟ یکی از بحث‌های پر مناقشه در حوزه اندیشه سیاسی همین نکته است که بالاخره «جمع» اصالت دارد یا «فرد». در این زمینه دو رویکرد کلان وجود دارد؛ یک دیدگاه، مثل مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها بر اصالت جمع تأکید دارند و معتقدند که انسان در درون جمع می‌تواند هویت خود را شکل داده و به زندگی خود معنا دهد.



دیدگاه دیگر بر «فرد» تأکید می‌گذارد و قائلان به آن، معتقدند «جامعه» معنا و اصالتی ندارد و جامعه در واقع جمع تک‌تک افراد است. بنابراین «مصالح اجتماعی» را باید به گونه دیگری تعریف کنیم.

این دو نگاه در جهان اسلام هم به‌نوعی تسری یافته است؛ به‌عنوان مثال علامه طباطبایی و آیت‌الله مطهری بر اصالت جمع تأکید دارند و در این راستا به آیاتی از قرآن که در آن کلمه «امت» یا «قوم» به کار رفته، تأکید می‌کنند. در مقابل آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله محمدباقر صدر معتقدند که جامعه همان مجموعه افراد است و به‌نوعی به فردگرایی باور دارند. دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) به نگاه شهید مطهری و علامه طباطبایی نزدیک‌تر است و به «اصالت جمع» باور دارند و در این راستا از «ولادت ثانویه بشر» حرف می‌زنند و معتقدند بشر دو نوع تولد دارد؛ نخست «ولادت اولیه» یعنی زمانی که فرد به دنیا می‌آید و دوم «ولادت ثانویه» و آن زمانی است که نظم اجتماعی شکل گرفته و قانون به‌وجود می‌آید. نظم اجتماعی و قانونمندی به مثابه تولد مجدد برای انسان است؛ چراکه هویت جدیدی به انسان می‌دهد.

اگر نگاه دوم را بپذیریم، در اسلام و در بین متفکران مسلمان این نگرش وجود دارد که ما یکسری مصالح فردی و یکسری مصالح اجتماعی داریم که از مصالح فردی گسترده‌تر است و فراتر از این دو «مصالح نظام» است که تأمین‌کننده مصالح ساختار حاکمیت است. بر این اساس، برای شروع بحث می‌توان از این رهگذر ورود کرد که چون «جامعه» اصالت دارد بنابراین می‌توان در خصوص چند و چون «مصلحت عمومی» و «منافع عمومی» هم گفت‌وگو کرد.

الزامات این دو نگاه این است که در صورتی که اصالت با افراد باشد منافع و مصالح ملی همان منافع و مصالح تک‌تک افراد جامعه و ملت است و برای فهم و کشف آن باید به تک‌تک افراد رجوع کرد و بر پایه نظر اکثریت می‌توان به فهمی از منافع جمعی نزدیک شد. بنابراین از طریق آرای عمومی، قانون و قرارداد مورد توافق اکثریت جامعه استخراج می‌شود.

اما نگاه اصالت جمعی مصالح و منافع جامعه را فراتر از مصالح تک‌تک افراد می‌داند و برای فهم و کشف آن به منابع بالاتری که بتوانند درک جامع‌تری از جمع ارائه دهند، نیاز است و لذا به فهم جمعی از نخبگان فکری یا منابع برتر مورد پذیرش عموم ارجاع می‌شود.

منافع ملی ما در ایران چه مؤلفه‌هایی را شامل می‌شود؟

دکتر محمدعلی فتح‌اللهی: «منافع ملی» ترجمه‌ای از «مصلحت عمومی» است و مصلحت عمومی هم مبتنی بر حفظ، تقویت و ارتقای منافع ملی است. البته منافع ملی را به انواع مختلف می‌توان تعریف کرد، بعضاً، می‌توان منافع کاذب ملی و منافع توهمی داشت؛ بدین معنا که از اموری تحت عنوان «منفعت ملی» حرف زد که عملاً منفعت ملی نیست؛ برای مثال، در دنیای امروز که آمریکا بر همه جهان سلطه پیدا کرده است، خیلی از کشورهای وابسته به آمریکا منافع ملی را تحت عنوان منافع ملی تعریف می‌کنند که از اساس در راستای سلطه آمریکا است و عملاً از دید ملی، منفعت محسوب نمی‌شود.

«منفعت ملی» واقعی به تعبیر مقام معظم رهبری، نسبت وثیقی با «هویت ملی» دارد و به‌نوعی، ترجمه هویت ملی است البته نکته‌ای که در این میان نباید از نظر دور داشت این است که نباید هویت ملی را بر اساس منافع ملی تعریف کرد چراکه ممکن است برخی اضلاع کاذب بر آن بار شده باشند و منافعی زودگذر و سطحی به‌عنوان منافع ملی به جامعه القاء شده باشد.

از طرفی، هویت ملی از آنجا که یک امر ریشه‌دار، تاریخی و در عین حال، رو به آینده است، استحکام جامعه را حفظ می‌کند و می‌تواند تکیه‌گاه اصلی منافع ملی باشد. بر این اساس، برای رسیدن به تعریفی در خصوص مؤلفه‌های منافع ملی، نخست باید هویت ملی هر کشوری اعم از جنبه‌های عقیدتی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی را تعریف کرد و بر اساس این مؤلفه‌ها، منافع ملی را تعیین کرد.

از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی «روحیه انقلابی» است و در دنیای امروز به‌عنوان یک ملت انقلابی مستقل که تسلیم نظام سلطه نمی‌شود، شناخته می‌شویم و معیار تعریف و تعیین منافع ملی هم همین روحیه انقلابی است که ریشه در هویت ملی ما دارد. البته مواجهه با منافع ملی باید توأم با انعطاف باشد چراکه ممکن است امروز منافع ملی ما در تعامل با یک کشوری بیشتر محقق شود و ممکن است این منافع در آینده در تعامل با کشورهای دیگری تأمین شود و مواجهه ما با این منافع نباید متصلبانه باشد.

دکتر موسی نجفی: «منافع ملی» امروزه به شعار سیاسی بدل شده است. وقتی از منافع ملی سخن به میان می‌آید، نخست باید مشخص کنیم که از چه منظری می‌خواهیم درباره آن بحث کنیم؛ از منظر اندیشه سیاسی و علوم سیاسی یا از منظر جامعه‌شناسی، تاریخی، فلسفی یا با نگاه شعاری و ژورنالیستی؟ نحوه مواجهه ما با این موضوع اهمیت بسیاری دارد و مسیر بحث را تغییر می‌دهد.

چند دهه است که شاهد چنین اظهارنظرهایی هستیم که «جمهوری اسلامی به منافع ملی توجهی ندارد و ثروت ملی را در کشورهای دیگر هزینه می‌کند و طی آن، مردم کشور ما هر روز فقیرتر می‌شوند» و متأسفانه چنین اظهارنظرهایی در برخی از اذهان ساده‌اندیش و عوامانه هم اثر کرده است.



بنابراین، در تکمیل صحبت‌های دکتر فتح‌اللهی باید بگوییم که مبنای تعریف ما از منافع ملی در کنار «هویت ملی»، «انقلاب اسلامی» است. انقلاب اسلامی یک پروژه و یک پدیده خلق‌الساعه نیست. یک واقعیت تاریخی بسیار عمیق است که ملت ایران، در یک روند طولانی مدت به آن رسیده است. انقلاب اسلامی، امری نیست که در خصوص خواستن یا نخواستن آن اما و اگر کنیم چراکه جزو ذات ملی ماست. انقلاب اسلامی همان کوه یخی است که از دل هویت ملی بیرون آمده

و همچنان ادامه خواهد داشت.

برخی منافع ملی را یکبار با «انقلاب اسلامی» و یکبار بدون آن تعریف می‌کنند، غافل از اینکه اساساً چنین چیزی امکان ندارد، چراکه اینها عمیقاً درهم تنیده شده‌اند. این دقیقاً مثل این است که بگوییم ما تاریخ ایران را بدون مشروطه یا صفویه مطالعه کنیم، صفویه هویت تاریخ ایران است. برخی فکر می‌کنند عناصر تاریخی قابل جابه‌جایی است و از همه جاهل‌تر آنانی هستند که می‌کوشند تاریخ ایران را بدون اسلام بخوانند. انقلاب اسلامی مقطعی از تاریخ ایران است و ملت ایران در مقطعی از تاریخ خود به آن رسیده است و با آن زندگی کرده است. اسلام، تشیع، صفویه، مشروطه، انقلاب اسلامی اینها عین منافع ملی است و دو چیز نیست. منافع ملی مثل سکه‌ای است که چند رو دارد، یک‌رو «منفعت ملی» و یک‌رو «روندهای تاریخی» است.

منافع ملی با استقلال هم ارتباط پیدا می‌کند که نقطه مقابل آن استعمار است. زمانی استعمار کهنه بود، بعد نو شد و امروز سایبری است. استعمار دقیقاً نقطه مقابل منافع ملی ماست. بنابراین، هر جایی که جریان استعمار خواست از امری در جامعه ما دفاع کند، باید شک کنیم. نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت، این است که منفعت ملی تنها اقتصادی نیست، یک قسمتی از منفعت، اقتصادی است، بخشی از آن می‌تواند نفوذ باشد؛ اعم از نفوذ تاریخی، فرهنگی، معنوی و...

آنانی که منافع ملی را به مرزهای ملی محدود می‌کنند، باید به این مهم توجه داشته باشند که وقتی قدرت ملی را کم و یک انقلاب بزرگ را در داخل خودش محصور کنیم، عملاً به هویت ملی ضربه زده‌ایم. بعضی ملت‌ها همچون جامعه ما ذاتاً در درون یک جغرافیا قرار نمی‌گیرند. ایران از زمان هخامنشیان نشان داده، ملتی نیست که درون جغرافیای خودش محصور شود و هر اتفاق بزرگی که در ایران می‌افتد، اغلب منطقه و جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این خصلت ایران است که با انقلاب اسلامی این جایگاه ویژه‌تر شد. البته این عظمت منحصر به انقلاب اسلامی نیست و ما در صفویه و در صدر اسلام هم این عظمت را می‌بینیم. ایرانیان خدمات بزرگی به اسلام کردند و در عمق دادن به اندیشه اسلامی از دیگر ملل جلوتر بودند و در این خصیصه با هیچ ملتی قابل مقایسه نیستند. مسلمان شدن ایرانی‌ها، اثر بسیار بیشتری در تاریخ اسلام گذاشت تا مسلمان شدن دیگر کشورها اعم از آفریقای‌ها، عرب‌ها، ترک‌ها و...

دکتر سیدمحمد رحیم ربانی زاده: این جمله دکتر نجفی را تکمیل کنم که ما ایرانی‌ها این توانایی را داشتیم که «حسن‌های مسلمانان» را با «مزیت‌های ایرانی» ترکیب کنیم و هویت تازه‌ای از خود در جهان امروز ارائه دهیم. می‌خواهم یک سابقه تاریخی از منافع ملی ارائه کنم. «منفعت ملی» یک واژه امروزی و البته غربی است. واقعیت این است که به لحاظ تاریخی ما در ایران منافع ملی به معنای مصطلح امروزی نداشته‌ایم و همواره آنچه که اهمیت داشته «منافع طبقاتی» بوده است و آنچه که در جامعه اهمیت داشت، «حفظ منافع خاندان» بود. بعد از اینکه ایرانیان مسلمان شدند و زیر خلافت عباسیان رفتند، آنجا هم باز منافع دیوان‌سالاران بر منافع شهروندان مقدم بود. برای مثال، وقتی غزنویان مقابل سلجوقیان شکست می‌خورند، کل دیوان‌سالاری غزنویان در خدمت سلجوقیان قرار می‌گیرد و منافع اشخاص مقدم بر منافع ملی می‌شود. در دوره خوارزمشاهیان هم به همین صورت است و به راحتی خاندان جوینی به مغول‌ها می‌پیوندند و به خدمت آنان درمی‌آیند. حتی در دوره کریم‌خان و جانشینان دوره زندیه هم کلانتر فارس به راحتی در مقابل جانشین خاندان زند که لطفعلی‌خان است، موضع می‌گیرد و به آغا محمدخان می‌پیوندد.



بنابراین، در تاریخ ما، همواره آنچه که اهمیت داشت «حفظ منافع دیوان‌سالاری» بود، نه حقوق و منافع شهروندی. اما از زمان مشروطه به بعد «منافع ملی» در ایران مطرح می‌شود. حال اینکه عملاً چقدر این منافع محقق شد، محل بحث من نیست اما آنچه منافع ملی را روشن کرد و توانست ساختار طبقاتی را از بین ببرد و اقبال مختلف جامعه را در حاکمیت سهیم کند، «انقلاب اسلامی» بود. انقلاب اسلامی این فهم را به بدنه جامعه تزریق کرد که همه می‌توانند در ایجاد منافع ملی سهیم باشند، آن کسی که در کارخانه کار می‌کند، استاد دانشگاهی که تدریس و پژوهش می‌کند و تمام صنوف؛ همه می‌توانند در خدمت منافع ملی بوده و در آن نقش و سهم داشته باشند و این باوری بود که انقلاب اسلامی به جامعه داد.

نجفی: یکی از آسیب‌های نگاه تاریخی این است که ما به تاریخ خودمان با دید مدرن نگاه کرده و آن را قضاوت و نقد می‌کنیم. حال این دیدگاه می‌تواند مارکسیستی، شبه مارکسیستی یا لیبرال و نئولیبرال باشد. هر دو این نگاه‌ها باعث شده تا ما خود را در یک جایگاه برتر قرار داده و از منظر دنیای قرن بیست و یکمی، دنیای باستان را نگاه کنیم!

فردوسی به‌عنوان یکی از مردمی‌ترین چهره‌های تاریخ، فرهنگ و ادب ما با وجود اینکه در شاهنامه از کاوه آهنگر دفاع می‌کند، ولی به هیچ صورت نظام پادشاهی را به هم نمی‌زند؛ حتی نام اثر خود را «شاهنامه» می‌گذارد. مسئله اینجا است که «طبقاتی» که فردوسی از آن حرف می‌زند با «طبقاتی» که مارکسیست‌ها امروز می‌گویند، زمین تا آسمان تفاوت دارد و مفهوم طبقه در دنیای قدیم به گونه دیگری بوده است یا مثلاً من اصلاً کار جوینی‌ها را خیانت نمی‌دانم، اتفاقاً معتقدم آنان در یک مواجهه کاملاً عاقلانه، پروژه متمدن‌سازی و فرهنگ‌سازی مغول‌ها را پیش گرفتند و به خوبی تشخیص دادند که وقتی نمی‌توان حریف دشمن شد، دست کم می‌توان آنان را متمدن کرد. چه کسی در برابر شمشیر برهنه می‌ایستد؟! آیا مغول دوره چنگیزی با مغول دوره هلاکویی یکی است؟ می‌خواهم بگویم بزرگان‌مان را در دو نگاه شبه مارکسیستی و شبه لیبرال نگذاریم و تاریخ‌مان را تخفیف و تخریب نکنیم. «طبقات» در تاریخ ما نه به معنای مارکسیستی که به معنای «ملی» موضوعیت داشته و در آن می‌توان منافع ایرانی را دید. اگر سری به موزه ایران‌باستان بزنید، وحدتی ملی می‌بینید که خود را از چند ده هزار سال پیش رشد داده است. اما اگر این مناسبات را در معادلات قرن بیستم و بیست و یکمی ببریم، معنای آن عوض می‌شود. بر این اساس، معتقدم که باید یکبار دیگر سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک، تاریخ مبارک غازی، شاهنامه فردوسی و... را بخوانیم و ببینیم اینها به منفعت از چه زاویه‌ای نگاه می‌کردند، اگر هم طبقاتی است، چه منطقی را دنبال می‌کردند.

ربانی‌زاده: نمی‌خواهم گذشته تاریخی‌مان را زیر سؤال ببرم؛ اما متأسفانه ما دچار یک خودبزرگ‌بینی شده‌ایم و این آفتی برای امروز ما است. حرف‌های شما را قبول دارم؛ بدین معنا که ما بعدها در وضعیتی قرار گرفتیم و توانستیم مغول را به تعبیر شما متمدن کنیم؛ اما در عین حال معتقدم که ما اگر یک فهمی از دیپلماسی و قدرت مذاکره می‌داشتیم، اصلاً مغول‌ها حمله نمی‌کردند و کشور را سال‌های سال به عقب نمی‌کشاندند. اعراب و مغول‌ها چون می‌دانستند قدرت اداره کشور را ندارند، از مغلوبان (ما) کمک گرفتند ما هم معمولاً هنرمان این بود که فرهنگ غالب مقهورمان می‌شد.

واقعیت این است که ردی از «منافع ملی» در گذشته تاریخی ما دیده نمی‌شود. اما با این حال، کسی منکر سایر فضیلت‌های ایران باستان نیست. بیش از آنکه از گذشته‌مان تعریف کنیم، باید آن را مورد نقد و ارزیابی قرار دهیم تا آن را تکرار نکنیم و با درس گرفتن از آن به نسخه‌ای برای تأمین منافع ملی‌مان برسیم.

چرا «منافع ملی» در امروز و اکنون جامعه ایرانی به امری مهم و قابل‌بحث برای اهالی نظر بدل شده است؟ دلیل این مسئله‌شدگی چیست؟

دکتر سید جواد میری: مسئله شدن منافع ملی در امروز و اکنون جامعه ما به این دلیل است که «خیر عمومی» در درازنای تاریخ ما به‌عنوان یک مفهوم کاملاً مشخص و آشکار نبوده است که همه در مورد آن متفق‌القول باشند. با تحقق انقلاب اسلامی است که این مفهوم برجسته و چیستی آن مسئله می‌شود. مفهوم «منفعت ملی» با «خیر عمومی» گره می‌خورد. اما منظور از خیر عمومی چیست؟ گاه اراده، پسند و خوشامد حاکم مساوی و مترادف با خیر عمومی است و گاه مفهوم جدیدی است که وارد سازکار سیاسی شده است. به‌نظر من با انقلاب ۵۷ و تأسیس نظام جمهوری اسلامی این اتفاق رقم خورد و در بحث از خیر عمومی «جمهور» مورد خطاب قرار گرفت و طی آن، اگر سیاستی اتخاذ می‌شد «جمهور» هم باید منتفع می‌شد و تشخیص این منتفع شدن هم با لابی‌های قدرت بود؛ بدین معنا که لابی‌های قدرت به‌نوعی تلاش کنند دغدغه‌های عمومی را به ساحت قدرت و امر سیاسی انتقال دهند. بنابراین اگر جایی نقصانی و اعتراضی می‌شود و مردم در برابر یکسری سیاست‌گذاری‌ها مقاومت می‌کنند، نشان می‌دهد که لابی‌های قدرت به‌نوعی نتوانسته‌اند دغدغه‌ها و منافع مردم را در سپهر سیاست ترجمه کنند.



نجفی: خود این پذیرفتن «جمهور» نشانه یک هاضمه بالا نیست!

میری: بله، اتفاقاً عنوان کردم که یکی از تمایزهای این دوره تاریخی ما با گذشته و حتی در منطقه این است که ما مفهوم «جمهور» را ابداع کردیم. چهار اتفاق بزرگ در تمدن ایران رقم خورده است اما ما نظریه‌ای برای تبیین آن نداریم؛ نخست، تغییر دین و ورود اسلام به ایران بود و در تحلیل آن صرفاً به زور شمشیر بسنده کردیم. دوم، تغییر مذهب و نفوذ تشیع بود که آن را هم به اجبار قزلباش‌ها و صفویه ربط دادیم. سوم، تغییرات زبانی در ایران بود که آن را به حمله مغول‌ها نسبت دادیم و چهارم، تغییر فهم سیاسی امروز و تحقق انقلاب اسلامی بود که برخی آن را به انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها نسبت می‌دهند. پرسش اصلی اینجاست که چرا ما نظریه‌ای برای فهم این تحولات نداریم.

نجفی: من با این نکته که ما نظریه‌ای برای فهم تحولات‌مان نداریم، موافق نیستم و معتقدم در پس تمام این بزرگ‌ها و تحولات «تدبیر و فهم ایرانی» نقش اصلی را ایفا کرده است؛ نخست، وقتی ایرانیان، اوستا را در مقابل قرآن قرار دادند، آن را قابل مقایسه با اوستا ندیدند و عاقلانه و منطقی به اسلام گرویدند.

دوم، در قرن دهم وقتی صحابه امیرالمؤمنین(ع) را با بقیه خلفا مقایسه کردند، تفاوت و ارجحیت صحابه را درک کردند و باز هم منطقاً تشیع را پذیرفتند. سوم، در انقلاب اسلامی کار ناقص مشروطه را تمام کردند. در جریان پیروزی انقلاب اسلامی هم، فرهنگ و سنت را با مدرنیسم مقایسه کردند و به علت هاضمه بالایی که داشتند، قسمت‌هایی از مدرنیسم را پذیرفتند ولی در نهایت تسلیم و مقلد صرف آن نشدند. در هر سه مقطع تاریخی «تدبیر ایرانی و فهم‌شان» غلبه داشته است. این منطق و فهم، در بزنگاه‌های تاریخی توانسته ملیت، هویت و منافع ملی ما را تداوم بخشد. ربانی‌زاده: در تکمیل بحث دکتر نجفی این نکته را اضافه کنم که ما هیچ‌گاه با زور اسلام را نپذیرفتیم؛ اتفاقاً ایرانیان بیشترین نقش را در گسترش اسلام داشتند و در حقیقت انتخاب کردند. ایرانی‌ها اگر مجبور بودند، اسلام را بپذیرند، لازم نبود برای گسترش آن به نوآوری پردازند یا برای اعراب لغت‌نامه بنویسند. ضمن اینکه شمشیر مغول‌ها به مراتب تیزتر و برنده‌تر از شمشیر مسلمان‌ها بود؛ ولی چرا دین مغول‌ها را انتخاب نکردند؟ واقعیت این است که ایرانی‌ها بر اساس همان «فهم و منطقی» که دکتر نجفی هم به آن اشاره کردند دین اسلام را پذیرفتند.

مرجع تعیین منافع ملی و تشخیص مصادیق آن کیست؟



فوزی: از زمانی که ملت شکل گرفته منافع ملی مطرح بوده است. در ایران نیز همواره تعیین مصادیق منافع ملی و مرجع تعیین آن مسئله بوده است. اما بعد از انقلاب با توجه به ماهیت اسلامی که انقلاب داشت، نسبت «منافع ملی» و «مصلح اسلامی» مطرح شد؛ زیرا اسلام معتقد به امت بود و مسلمانان و متفکران انقلاب خود را ملتزم به حمایت از همه مسلمانان به‌عنوان برادران دینی و حتی مستضعفان عالم می‌دانستند. بنابراین این بحث مطرح بود که در صورت تعارض، کدام یک باید در اولویت باشد. به بیان دیگر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز متأثر از دو دسته خصیصه متفاوت «ملی» و «اسلامی» بود. از یک‌سو، ایران یک محدوده سرزمینی و یک واحد سیاسی در نظام ملت، کشور و عضوی از خانواده جهانی بود که تعهدات خاصی در قبال کشور و جمعیت مستقر

در آن را به عهده داشت و از سوی دیگر، با خواست مردم، یک نظام اسلامی که خواستار اجرای ارزش‌های اسلامی بود، در آن مستقر شده بود که از جمله ارزش‌های مهم آن حمایت از مسلمانان و امت اسلامی بود که جریان‌های سیاسی در خصوص نحوه وصول به این اهداف و اولویت‌بندی آنها، دیدگاه‌های مختلفی را بعد از انقلاب مطرح کردند. برخی اولویت را به منافع محصور در محدوده سرزمینی داده و آرمان‌هایی همچون دفاع از مسلمانان را در اولویت دوم قرار می‌دادند. برخی دیگر از نیروهای سیاسی، در مقابل، خواستار فرار رفتن از منافع محصور در مرزهای ملی و تعریف منافع ملی در قالب گسترده‌تر «منافع امت اسلامی» بودند. آنان در سخنان خود بر مواردی همچون ایجاد سازمان جهانی مسلمین (شبهه سازمان ملل)، لزوم حمایت دولت جمهوری اسلامی ایران از انقلاب جهانی، عدم لزوم ایرانی‌ال‌اصل بودن رئیس‌جمهوری، تجزیه‌ناپذیری ملت مسلمان ایران از امت اسلامی، حمایت از انترناسیونالیسم اسلامی، ایجاد وزارت امت (به‌جای وزارت خارجه)، حمایت همه‌جانبه از فلسطین و نهضت‌های آزادی‌بخش، تلاش برای سرنگونی رژیم وابسته و مرتجع، ایجاد اتحاد جماهیر اسلامی و موضع‌گیری روابط خارجی بر اساس اصل تولی و تبری تأکید می‌کردند.

در مقابل، گروه دیگری از اسلام‌گرایان خواستار آن بودند که باید تلفیق بین «مصلح اسلامی» و «منافع ملی» به‌گونه‌ای باشد که زمینه‌ای برای برخورد و درگیری جدی و فوری با واقعیات سرزمینی و ملی را فراهم نکند که به‌نظر می‌رسید این دیدگاه، دیدگاه غالب در مجلس تدوین نهایی قانون اساسی بود. این گروه در مجلس مذکور با تعدیل نظریات رادیکال، در تدوین یک سیاست خارجی واقع‌بینانه که به نحو معقولی بتواند بین «منافع ملی» و «مصلح اسلامی» هماهنگی ایجاد کند، نقش مهمی ایفا کردند؛ هرچند به گفته یکی از محققان، این دو دیدگاه در واقع دو نوع قرائت از دیدگاه امام خمینی(ره) بود که توسط طرفداران وی به‌گونه‌های متفاوتی تفسیر شد. اما به‌گفته‌ی وی، آیت‌الله خمینی شخصاً نه یک آرمان‌گرای محض بود و نه یک واقع‌گرای ناب، بلکه رهبری وی آمیزه‌ای پیچیده از آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی بود؛ که این دیدگاه نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس و در آن تلاش شده است با تلفیق نوعی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را اولویت‌بندی کند. بر این اساس می‌توان گفت، هرچند امت‌گرایی و انترناسیونالیسم دینی یکی از مباحث مهم بخشی از انقلابیون بود

اما در عرصه عملی و در مباحثات مجلس خبرگان قانون اساسی برآیند تفکر نیروهای انقلابی بر نوعی واقع‌گرایی مبتنی بر اولویت دادن به مصالح و منافع ملی و نظام اسلامی و پذیرش نظام دولت‌ملت در عرصه جهانی به‌خوبی به‌چشم می‌خورد که این اولویت‌بندی و واقع‌گرایی را می‌توان محصول اندیشه فقهای اصولی شیعه و ظرفیت‌های واقع‌گرایانه فقه شیعه دانست.

این پیوند بین «منافع ملی» و «مصالح امت اسلامی» طبق چه مکانیسمی برقرار شد؟
فوزی: مکانیسمی که این پیوند را برقرار کرد فقه، کلام و فلسفه شیعی بود. ما در فقه شیعه احکام را به احکام اولیه، ثانویه و حکومتی طبقه‌بندی می‌کنیم که احکام ثانویه و حکومتی کاملاً به بحث مصلحت گره می‌خورد. همچنین، عرفان و کلام شیعی با نگاهی که به حقیقت، دین و دیگران داشت به پیوند «منافع ملی» با «مصلحت اسلامی» کمک کرد و نمود آن را می‌توان در قانون اساسی جمهوری اسلامی به عینه دید.
 می‌خواهم بگویم، منافع ملی بعد از انقلاب در ایران هویت و ماهیت جدیدی پیدا کرد که در آن لفافه مضیق و تنگ «ملیت» اروپایی نمی‌گنجد. منافع ملی را باید به هویت ملی و انتخاب مردم و رأی به قانون اساسی به‌عنوان سند مورد توافق ملی پیوند زد.



فتح‌اللهی: در انقلاب اسلامی، ما یک فهم عمیق‌تر و دقیق‌تری از منافع ملی پیدا کردیم، ما الان به راحتی تشخیص می‌دهیم که منفعت ملی ما مثلاً در نابودی داعش است. لذا مسئله مدافعین حرم در جامعه به خوبی پذیرفته و تکریم می‌شود یا اینکه اسرائیل به‌عنوان نماینده سلطه جهانی دقیقاً منافع ملی همه کشورهای منطقه و به‌ویژه ملت ما را هدف قرار داده است. بنابراین تضعیف اسرائیل به نفع منافع ملی ماست؛ اینکه کمک کنیم به کسانی که با اسرائیل مبارزه می‌کنند، دقیقاً این هم در راستای منافع ملی ما است.

«مردم» در تشخیص منافع ملی چه سهم و نقشی دارند؟
 چقدر بین نظام سیاسی و مردم در تشخیص منافع ملی اتفاق نظر وجود دارد؟

فتح‌اللهی: در درجه اول «فهم عمومی مردم» منافع ملی را تعیین می‌کند. البته منافع ملی را سیاست‌مداران و مسئولان رسمی بیان می‌کنند اما بیان سیاست‌مداران باید از پشتیبانی و حمایت فهم عمومی هم برخوردار باشد؛ چراکه در غیر این صورت، اهمیت و ماندگاری خود را از دست خواهد داد.
 مردم ما با انقلاب اسلامی به یک درکی از منافع ملی رسیدند، با آن درک، انقلاب کردند، جنگ را اداره کردند و الان هم مقاومت می‌کنند. این منافع ملی ستون‌های محکمی دارد؛ نخست، پیشرفت همه‌جانبه جامعه در همه عرصه‌های علمی، فناوری و... دوم، رشد و توسعه اقتصادی است. سوم، استقلال و داشتن روابط متوازن و متعادل با دنیا و از بین بردن سلطه امریکا حداقل در منطقه است. واقعیت این است تا زمانی که این سلطه حاکم باشد، منافع ملی‌مان به نتیجه نخواهد رسید.

نجفی: متأسفانه وقتی از «مردم» سخن به میان می‌آید، مردم در اندیشه مارکسیستی یا حقوق شهروندی در اندیشه لیبرال برجسته می‌شود. «فهم عمومی» مثل فرهنگ می‌ماند؛ اگر تمام مردم ما یک جا هم نباشند باز فرهنگ از بین نمی‌رود چون فرهنگ محصول زمان ما نیست؛ مردم هم با همین فرهنگ «مردم» شدند. اینکه تصور کنیم «مردم» چیز جدایی هستند و حق دارند که هر وقت بخواهند فرهنگ را کنار گذاشته و چیز دیگری را جای آن بگذارند نیز نگاهی مارکسیستی است. برخلاف نگاه مارکسیستی، انقلاب برای ما نفی گذشته نیست؛ اتفاقاً جمع گذشته است. اراده مردم در دایره‌ای می‌تواند هر کاری کند که فرهنگ اجازه دهد. این گونه نیست که اراده مردم بتواند کل فرهنگ و گذشته را پاشاند. اراده مردم خودش بسته فرهنگ است.



فتح‌اللهی: اکنون هم وجود مقدس امام زمان(عج) است که از آن حقیقت قدسی حفاظت می‌کند. حمایتی از جانب مهدی موعود(عج) هست و جامعه ایران تحت تأثیر یک هدایت غیبی است و این فهم عمومی با همان هدایت غیبی است که شکل گرفته است. اگر ما قدرت امام زمان(عج) را در پیروزی‌ها کنار بگذاریم، هیچ چیزی را نمی‌توانیم اثبات کنیم. انقلاب را که مردم به پیروزی نرساندند بلکه یک عنایت الهی است.

نجفی: درست است اما غیر از ایمان غیبی، این فرهنگ حاصل تلاش بزرگانی همچون حافظ، سعدی، فردوسی، مولوی و ابن‌سینا هم هست؛ ما محصول اینها هم هستیم.

فتح‌اللهی: این معجزه الهی است که آدم‌های معمولی به این فهم رسیده‌اند که می‌توانند «منفعت ملی واقعی» را از کاذب و توهمی تشخیص دهند.

ربانی‌زاده: این نگاه و خوانش قدسی که شما از حضرت ولی‌عصر(عج) و نقش ایشان در اداره جامعه ارائه می‌دهید، باعث می‌شود تا ما اشتباهاتی که صورت می‌گیرد را از ناحیه ایشان خوانش کنیم.

فتح‌اللهی: خیر، در قرآن خطاب به پیامبر(ص) هم آمده است که کارهای بد مربوط به خود شماست و کارهای خوب مال خداست. این منطق دینی ماست و اگر به آن قائل نباشیم، گویی اینکه خداوند ما را بعد خلقت رها کرده و اساساً مهدویت زیر سؤال می‌رود. منطق دینی ما حضور امام عصر(عج) را در صحنه مدیریت زندگی تبیین می‌کند و اساساً تفاوت ما با اهل سنت همین است.

ربانی‌زاده: این خوانش را قبول ندارم که همه چیز را به امام زمان(عج) مرتبط کنیم. این خوانش در طول تاریخ یک بدآموزی‌هایی داشته است. بر این باورم که رهبری نظام در دیپلماسی سیاسی از هوش بالایی برخوردار است. آیا به این شکل مطرح کنیم، بهتر است یا این را به یک منبع غیبی وصل کنیم؟ کسی منکر منجی و مهدویت نیست، بحث بر سر نوع خوانش شماست.

نجفی: مگر نه اینکه انقلاب اسلامی به‌عنوان یک پدیده غیرمدرن در عصر مدرن ظهور پیدا کرده است؟ طبیعتاً نمی‌توانیم اجزا و اضلاع آن را مدرن فهم کنیم. یک پای مدرنیسم در سکولاریسم است. تولد مدرنیسم که در دین نبوده است. حال برای اینکه ما بتوانیم از این عبور کنیم باید قدسی نگاه کنیم اما تا می‌خواهیم قدسی نگاه کنیم، متهم به خرافه می‌شویم.

میری: فهم ما از سکولاریسم در ایران یکی از آن فهم‌هایی است که شدیداً اروپامدارانه است؛ یعنی ما تعریفی که خود اروپایی‌ها از سکولاریسم بعد از انقلاب فرانسه کردند را ناخودآگاه معیار قرار داده‌ایم، بعد می‌گوییم که ما باید در برابر «سکولاریسم»، «قدسی» را قرار دهیم. در حالی که اساساً سکولاریسم بحث نفی غیب نیست؛ به جای آنکه بگوییم لائیک و قدسی یا روحانی و سکولار بهتر است مفهوم روشن «شهادت» یعنی آن چیزی که ملموس است و «غیب» یعنی آن چیزی که ملموس نیست، را به کار ببریم.

نکته دیگر اینکه شاید کسانی که در بحبوحه انقلاب و در دهه ۴۰ و ۵۰ بودند و در خصوص منافع ملی بحث می‌کردند خودآگاهی به عالمیت مدرن به معنایی که امروز بعد از ۴ دهه و اندی با آن مواجه‌ایم، نداشتند و این عالمیت جدید را به امریکا یا نظام سرمایه‌داری تقلیل می‌دادند و فکر می‌کردند که ما اگر بتوانیم در برابر امریکا صفا‌آرایی کنیم، کار تمام است در حالی که بحث عالمیت مدرن یا عالمیت جدید و نظام سرمایه‌داری امریکا و نظام بین‌الملل، دو فهم و دو اقلیم متمایز هستند.

اما اینکه امروز به منافع ملی دوباره بازگشت کرده و تلاش می‌کنیم بین مؤلفه‌هایی که هستی اجتماعی ما را شکل می‌دهد، تناسب برقرار کنیم، نشان می‌دهد یک فهم تاریخی و خودآگاهی جدیدی در ما ایجاد شده است. یک زمانی آیت‌الله خلیجی در مورد خلیج فارس، می‌گفت البته نقل به مضمون می‌کنم که «اینجا نه خلیج فارس است و نه عربی، خلیج اسلامی است، چه تفاوتی دارد ما همه مسلمان هستیم» اما امروز می‌بینیم از بالاترین کارگزاران نظام روی خلیج «فارس» تأکید بسیاری می‌کنند. چه اتفاقی افتاده است؟ بله همه امت اسلامی به دنبال تحقق تمدن اسلامی هستیم اما با این حال، بعد از ۴ دهه به اینجا رسیده‌ایم که اما این تمایزات هم ضرورت دارد.

فوزی: در صورتی که جامعه را مجموعه افراد بدانیم، منافع ملی همان منافع و مصالح تک تک افراد جامعه و ملت است و برای فهم و کشف آن باید به تک تک افراد رجوع کرد و بر پایه نظر اکثریت می توان به فهمی از منافع جمعی نزدیک شد. قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان مبنای تعیین منافع ملی نیز نگاهی موسع به منافع ملی دارد و تلاش کرده آن را بر اساس منافع ملتی معتقد به اسلام تعریف کند.

به نظر می رسد فهم ما از منافع ملی طی چند دهه گذشته «واقع گراتر» شده است. وقتی چهارچوب نظام بین الملل را قدرت شکل می دهد، ما برای حفظ و بسط قدرت ملی خود در این نظام نیازمند ابزارهایی هستیم و یکی از ابزارهای قدرت «ائتلاف و اتحاد» است؛ تلاش برای ایجاد وحدت در جهان اسلام و دارا بودن عقبه فکری-فرهنگی در جهان اسلام برای ما قدرت آفرین است؛ حتی بسط نفوذ بین کشورهای حاشیه نظام بین الملل که آنان را مستضعف می توان نامید برای ما اهمیت دارد. منظور از کشورهای مستضعف، کشورهایی هستند که در معرض نظام استعماری هستند و به نوعی در ضعف نگه داشته شده اند.

نجفی: مستضعف آنانی هستند که به استعدادهای واقعی خود نرسیده اند و از فعلیت بخشیدن به استعدادهای خود محروم شده اند. این امر فقط مادی نیست و می تواند تاریخی، فرهنگی و... باشد و استکبار این امکان فعلیت بخشی را از آنان گرفته است.

فوزی: در واقع حمایت از مسلمانان و مستضعفان به عنوان حاشیه نشینان نظام بین الملل، مبتنی بر فهمی واقع گرایانه از نظام بین الملل موجود است تا منابع و ابزارهای قدرت ایران در نظام بین الملل را ارتقاء دهیم و این اقدام را بسیاری از کشورهای دیگر در دنیا از جمله کشورهای غربی و کشورهای ذی نفوذ در منطقه مبتنی بر رویکردی واقع گرا برای بسط قدرت خود انجام می دهند.

میری: این یک شمشیر دو لبه است. همان ماههای اولیه انقلاب که جنگ ایران و عراق شروع شد، در واقع واکنشی از سوی حاکمان کشورهای مستضعف بود، چون انقلاب خنثی نبود؛ یک پیام داشت و آن، این بود که باید هرم قدرت تغییر پیدا کند و آنان هم که قدرت را در کشورهای مستضعف در دست داشتند، بی کار نشستند. «واقع گرایی آرمان گرا» رویکرد درستی است اما بپذیریم که یک جاهایی آرمان گرایی پررنگ تر از واقع گرایی می شود.

فوزی: «آرمان گرایی» به معنای بی توجهی به واقعیت نیست بلکه مبتنی بر «آرمان گرایی واقع بین» باید برای پیشبرد آرمان های خود، اقدام کرد و این راهبرد، تقویت کننده منافع ملی ماست. بی شک «منافع ملی» یک امر ذوابعاد است که بخش مهمی از آن «امنیت» و «استقلال» است ولی «اقتصاد» و «سیاست داخلی» هم از دیگر اضلاع مهم آن است. چقدر ما توانسته ایم اضلاع منافع ملی را متوازن پیش ببریم و مدافع همه اضلاع آن باشیم؟

فتح الهی: فهم عمومی جامعه و مسئولان ما همواره بر این بوده است که منافع ملی را متوازن و هماهنگ ببینیم اما تحریم ها، جنگ تحمیلی و... امکان این توسعه و رشد هماهنگ را به هم زد و باعث شد تا انرژی و توجه ما بر «جنبه های امنیتی» بیشتر شود. به همین دلیل هم هست که امروز در بعضی از حوزه ها عقب ماندگی هایی داریم. شعارهای سال که اغلب مقام معظم رهبری عنوان می کنند، همواره ناظر به همین عقب ماندگی هاست تا این مسائل هم جایگاه خود را پیدا کند. «حفظ ارزش پول ملی» یکی از اضلاع مهم منافع ملی است و متأسفانه در این خصوص از عقب ماندگی جدی رنج می بریم. بنابراین، در پاسخ به پرسش شما باید گفت از نظر فهم سیاسی، کسی منکر یا نافی این هماهنگی نیست، منتهی در اجرا باید برای این هماهنگی گام های بلندتری برداریم. ایران به خاطر موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئوایدئولوژیک همواره در یک موقعیت مقاومت قرار دارد و اساساً «مقاومت» مؤلفه اصلی هویت ما در عرصه بین الملل است. نسخه ما برای جبران عقب ماندگی های اقتصادی با توجه به جایگاهی که در عرصه بین الملل برای خود تعریف کرده ایم، چیست؟

ربانی زاده: اتفاقاً به همین دلیل است که مسائل امنیتی برای ما جایگاه ویژه‌ای دارد. ما وقتی می‌توانیم پای منافع ملی‌مان بایستیم که به توسعه نظامی‌مان فکر کرده باشیم. موشک امنیت می‌آورد و امنیت هم رفاه. اساساً بدون امنیت، توسعه اقتصادی امکانپذیر نیست. ما هر دوی اینها را باید با هم ببینیم. علت تأکید بر بعد امنیتی در منافع ملی از این رو است که ما به لحاظ ژئوپلیتیکی در موقعیت حساسی واقع شده‌ایم و همواره مورد توجه بوده‌ایم. منتهی این نفی نمی‌کند که ما از «توسعه اقتصادی» و «رفاه مردم» غافل بمانیم.

شماره هشت هزار و دویست و پنجاه و پنج - ۲۳...

فتح الهی: اگر رفاه را تأمین نکنیم، در جهت مقاومت هم نمی‌توانیم کاری را پیش ببریم، لذا اینها کاملاً با هم هستند؛ نمی‌توانیم یکی را داشته و دیگری را نداشته باشیم. در شرایط فعلی، حل مشکلات اقتصادی و حفظ ارزش پول ملی و تأمین رفاه اجتماعی اولویت‌های کشور است و اگر این عقب‌ماندگی‌ها جبران نشود، در دیگر حوزه‌ها به مشکل خواهیم خورد.

میری: کسی منکر اهمیت مسائل امنیتی نیست اما ما وقتی بحث «منافع عمومی» و «خیر عمومی» را از منظر کارگزاران نظام مطرح می‌کنیم، باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که در درون و محتوای مفهوم مصلحت عمومی بحث صلح هم هست البته صلح نه به معنای آشتی بلکه به معنای «توازن»؛ یعنی ما باید بتوانیم میان جریان‌های قدرت که هر کدام به نوعی در جامعه ریشه دارد و باید داشته باشد، یک توازن ایجاد کنیم که برآیند این توازن بتواند در حوزه امنیت، اقتصاد و سیاست به «تقویت امر اجتماعی» منجر شود نه تضعیف نسبت حاکمیت و ملت. مضاف بر این، وقتی بحث منافع ملی را مطرح می‌کنیم باید به این مهم توجه داشته باشیم که این مفهوم خیلی ثابت نیست؛ اکنون ما در وضعیت سیالیت نظام بین‌الملل قرار داریم و خود تشخیص منافع ملی و چگونگی تأمین آن نیز نیاز به یک «نگاه انتقادی» دارد.

در نهمین نشست از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی مطرح شد:

مؤلفه‌های شکل‌گیری هویت ملی ایرانیان

نهمین نشست از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی با عنوان «بحث درباره مؤلفه‌های شکل‌گیری هویت ملی ایرانیان» ششم تیر ماه در سالن ادب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست دکتر سیدجواد میری، استاد جامعه‌شناسی تطبیقی؛ دکتر علیرضا شعبانلو، دانشیار زبان و ادبیات فارسی و دکتر حمیدرضا دالوند، استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی به سخنرانی و طرح دیدگاه‌های خود درباره عناصر و مقومات شکل‌دهنده هویت ملی ایرانیان از دیدگاه خود پرداختند و با نقد دیدگاه‌ها و آراء دیگر در این زمینه، از منظر خود لایه‌ها و ابعاد مختلف موضوع را مورد واکاوی و بحث قرار دادند. سپس برخی از پژوهشگران، استادان و علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی حاضر در نشست، دیدگاه و نظر خود را در ارتباط با موضوع نشست و مباحث سخنرانان مطرح کردند.

دکتر مبلغی:

اختلاف نظر اساس و بنیاد مباحث به‌ویژه در علوم انسانی است که موجب ارتقاء نظر، آگاهی و شناخت می‌شود

در ابتدای جلسه دکتر عبدالمجید مبلغی، عضو هیأت علمی پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی، به‌عنوان دبیر نشست، ضمن خوشامدگویی به حاضران و علاقه‌مندان به مباحث فرهنگی، تاریخی و اجتماعی کشور، گفت: پس از وقایع سال گذشته یک چیز بیش و پیش از هر چیز مشخص و آشکار شد و آن ضرورت اندیشیدن در علوم انسانی در وهله نخست و ضرورت اندیشه در ایران و درباره ایران با رویکرد فلسفی و البته انضمامی در مباحث مرتبط با ایران در وهله بعدی بود. وی با قدردانی از حمایت‌های مسئولان پژوهشگاه به‌ویژه رئیس پژوهشگاه، دکتر موسی نجفی، از برگزاری این نشست‌ها و سایر دست‌اندرکاران برگزاری این نشست‌ها از جمله معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی و معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی ادامه داد: ما شاهد طرح ایده‌ها و انگاره‌ها و اندیشه‌های سودمندی در این نشست‌ها هستیم.

دکتر مبلغی با معرفی سخنرانان این نشست، اختلاف نظر را اساس، مبنا و بنیاد بحث‌ها به‌ویژه در علوم انسانی برشمرد که از سرمایه‌های دانشی اندیشمندان حوزه علوم انسانی بوده و موجب ارتقاء نظر، آگاهی و شناخت می‌شود و در واقع به یک معنا علوم انسانی با همین تعاطی افکار و تعامل در چهارراه اندیشه‌های متقاطع معنادار و ممکن می‌شود. وی همچنین بالا بودن آستانه تحمل را از جمله ابزارهای بیرونی روش‌شناختی مؤثر در ارتقاء این مراتب آگاهی دانست و اظهار امیدواری کرد: در این نشست شاهد مباحث عالمانه و مبتنی بر اندیشه میان حاضران و سخنرانان باشیم.



دکتر میری:

مسئله این است که ملت یک مفهوم سیال است یا ثابت

سپس دکتر سیدجواد میری، استاد جامعه‌شناسی تطبیقی پژوهشگاه به‌عنوان اولین سخنران این نشست با اشاره به اهمیت بحث سیالیت در جهان امروز و تشریح ابعاد آن گفت: پس از جنگ جهانی دوم، وضعیتی در جهان ایجاد شد و نظام بین‌المللی‌ای شکل گرفت که برآمده از رویدادهای مهمی همچون جنگ جهانی اول و پیشتر از آن اقتصاد صنعتی و پیش از آن نیز عصر روشنگری و ایجاد نظام سرمایه‌داری در جهان بود. با جنگ جهانی دوم و شکست آلمان، ایتالیا و ژاپن وضعیتی در جهان پدید آمد که از آن به‌عنوان Pax Americana (پاکس آمریکانا) یاد می‌شود؛ بدین معنا که نظام جهانی دارای ساختاری است که در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... در سطح بین‌الملل نظم و معیار خودش را دارد. مثلاً در حوزه اقتصاد سیستم سرمایه‌داری حاکم است یا مثلاً در حوزه رویکردهای فرهنگی، درباب اینکه ملت‌ها چگونه باشند و فرهنگ‌ها چه باشند و... مجموعاً در حوزه‌های مختلف، معیاری را در جهان شکل داد. براین اساس تقریباً تا سال‌های ۱۹۷۹ میلادی (معادل ۱۳۵۷ شمسی) در جهان یک اتفاق نظر یا اجماعی وجود داشت که سیستم، سرمایه‌داری است. در مقابل آن نیز یک سیستمی شکل گرفته بود که در حوزه اقتصاد و ایدئولوژی سیاسی تفاوت‌های بنیادینی با نظام سرمایه‌داری داشت که از آن به کمپ شرق یاد می‌شد.

دکتر میری سپس به تشریح وضعیت و جایگاه ایران و انقلاب اسلامی در میان نظام‌های حاکم بر جهان پرداخت و گفت: در این میان، وقتی انقلاب ایران روی داد، براساس نظر متفکران آمریکایی یا سایر کشورها، این انقلاب و

حرکت، یک حرکت ضدسیستمیک قلمداد شد. از سوی دیگر، در داخل ایران هم گفتمان و رویکردی که برای پیش‌برد و مدیریت جامعه شکل گرفته بود، رویکرد یا روایتی مبتنی بر نگاه اسلام‌گرایانه سیاسی بود. بدین معنا که ما واحدی به نام واحد امت اسلامی داریم که در این واحد امت اسلامی باید بتوانیم امورات مسلمین را به‌نحوی ساماندهی کنیم. این نگاه ریشه در اندیشه‌ها و نگاه‌های متفکران و اندیشمندانی همچون سیدجمال، اقبال و دیگران در شبه قاره هند تا ابوالاعلی مولودی و... داشت که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ مطرح شده بود.



مفهوم اسلام یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تعریف ایرانیت است

این استاد جامعه‌شناسی یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در جامعه ایران را بحث درباره مؤلفه‌های اصلی ایرانیت برشمرد و ادامه داد: در چنین وضعیتی یکی از بحث‌هایی که در داخل ایران شکل گرفت این بود که اساساً ما ایرانیت را چگونه باید تعریف کنیم و مؤلفه‌های اصلی ایرانیت چیست؟ در این میان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که ایرانیت براساس آن تعریف می‌شد، مفهوم اسلام بود. وی روایت شهید مطهری از مؤلفه‌های ایرانیت را یکی از صورت‌بندی‌ها و روایت‌های دقیق دانست و ادامه داد: شاید بتوان روایت و صورت‌بندی شهید مطهری از هویت ملی ایرانیان را یک گفتمان معیار تلقی کرد. شهید مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران ذیل بحث از دوران پهلوی اول و دوم به این نکته اشاره دارد که در این دوران تأکید می‌شود که ایرانیان آریایی هستند و روایت از ایرانیت مبتنی بر آریایی‌گرایی است. اما شهید مطهری معتقد است اگر براساس این مفهوم به ایران نگاه کنیم، از میان جمعیت حدود ۲۵ میلیون نفری ایران در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی، بسیاری از ایرانیانی که در داخل ایران زندگی می‌کردند، بیرون از ایران می‌افتند. در آن زمان و امروزه ایرانیانی داشتیم و داریم که گرجی، آسوری یا... بودند، ایرانیانی داشتیم و داریم که زبان یا دینشان مختلف است. با این تعریف از ایرانیت خیلی از ایرانیان بیرون از مجموعه ایرانیت می‌افتند. در مقابل شهید مطهری نگاهی را مطرح می‌کند که یک نگاه تألفی و تلفیقی است که در حال حاضر مورد بحث ما نیست.

تشریح سه کلان‌روایت درباره مفهوم ایرانیّت

دکتر میری در ادامه سخنرانی خود یکی از مباحث مهم در باب مفهوم ایرانیّت یا مفهوم هویت ملی را این مسئله دانست که ملت چگونه شکل می‌گیرد و تأکید کرد: البته در ایران به آن چندان به شکل دقیق و کافی توجه نشده است و به طرح این پرسش پرداخت که آیا ملت یک مفهوم ثابتی است که در گذشته شکل گرفته و سپس به شکل ثابت به ما رسیده است یا اینکه ملت یک مجموعه سیالی است که دائماً در حال بازتعریف و واسازی خودش است؟ وی با تذکر این نکته که همان‌طور که جهان و هستی در حال تغییر و تحول است، مناسبات انسان‌ها با دیگران هم در حال تغییر و تحول است، در پاسخ به این پرسش گفت: سه کلان‌روایت در ارتباط با این موضوع شکل گرفته است که هر سه هم به‌نوعی معاصر هستند. هرچند ممکن است مدعای هر کدام این باشد که مثلاً داریم به گذشته‌ای ارجاع می‌دهیم، اما نکته این است که وقتی روایت خود را بازسازی کردند، عامل معاصرت در این بازسازی وارد بحث شده و در واقع در آن قرار دارد.

این استاد جامعه‌شناسی سپس به تشریح این کلان‌روایت‌ها درباره مفهوم ایرانیّت پرداخت و گفت: یکی کلان‌روایت باستان‌گرایانه از ایران است که، همان‌طور که در کتاب زبان و ایده وحدت ملی خود به آن اشاره کرده‌ام، مشخصاً می‌گوید ایرانیّت به صورت خالص در گذشته پیش از اسلام بوده است. هرچه بعد از آن بوده به این خلوص ضربه زده است. باید دوباره آن را تمیز و پالایش کنیم. نمایندگان این نگاه محمود افشار، عباس اقبال آشتیانی، مهندس ناصح ناطق، جواد شیخ‌الاسلامی، سید احمد کسروی مقدم و... هستند. روایت دیگری از ایرانیّت را که شاید بتوان ذیل ایده اسلام‌گرایانه و ایده دین قرار داد، تمام تلاشش این است که امر جمعی را ذیل مفاهیم دینی و مشخصاً اسلام صورت‌بندی کند. خود این روایت به دو بخش تقسیم می‌شود: پیش از صفویه و ایلخانیان و پس از صفویه که تشیع نقطه کانونی تری می‌یابد. این روایت نیز اسطوره‌ها، روایت‌ها، قهرمانان و... خود را دارد. بنا بر روایت سوم، اساساً آنچه پیش از دوران مدرن و تجدد بوده، زیاد مهم نیست و آنچه مهم است دوران مدرن است که این نوع نگاه، در واقع برآمده از ایده‌ها و مباحث عصر روشنگری است. اساساً روشنگری و دوره مدرن باعث شد مردمی که در پهنه ایران زندگی می‌کردند به یک خودآگاهی‌ای به نام مشروطه برسند و مفهومی به نام ملت را برسازند. این قرائت سوم است.

دکتر میری در ادامه صحبت‌های خود به تمایز نقطه آغاز شکل‌گیری مفهوم ملت در نگاه اروپامدارانه و جهان اسلام به‌ویژه ایران پرداخت و گفت: نکته جالب توجه درباره نحوه شکل‌گیری مفهوم ملت در اروپا یا نگاه اروپامدارانه، که کمتر به آن پرداخته شده این است که در این نگاه، مفهوم Nation، از ناسیون گرفته شده؛ یعنی اینکه چیزی زاده می‌شود، متولد می‌شود. به عبارت دیگر ملت‌های اروپایی زمانی متولد شدند که توانستند از درون دین و هیمنه کلیسای کاتولیک بیرون بیایند. اما درباره لحظه تولد مفهوم ملت در شرق به معنای عام و مشخصاً در ایران و جهان اسلام، باید به تمایزی میان دو واژه مله با تائیت (۵) و ملت با تائ (ت) توجه داشت. واژه مله پیش از مشروطه استفاده می‌شده و به‌عنوان یک مجموعه دینی و اجتماع دینی بوده است. همین مله بعداً با تائ دو نقطه و معادل Nation قرار داده شد. یعنی اساساً زمانی ملت و Nation در ایران متولد شد که توانست از درون اجتماع دینی رشد کند، نه اینکه از آن جدا شود و این به‌نظر من تمایز نگاه ما با نگاه اروپامدارانه است.

نقد سیاست‌های یکسان‌سازی دوران پهلوی و تأکید بر وجود نوعی پیوست فرهنگی در ایران

وی با تأکید بر وجود نوعی پیوست فرهنگی در ۵۰۰۰ سال اخیر در فلات ایران، به تمایز میان یکپارچگی و یکسان‌سازی با تأکید بر زبان فارسی در ایران پرداخت و گفت: برخی با نادیده گرفتن وجود نوعی پیوست فرهنگی در ۵۰۰۰ سال اخیر در فلات ایران، تلاش کردند تا با اتخاذ سیاست‌هایی ملتی یکسان داشته باشیم که با یک زبان صحبت کنند و زبان محاوره زبان فارسی باشد. مثلاً در دوران پهلوی سیاست‌هایی اتخاذ شد که ایرانی‌ها را یکسان کنند تا به آنچه هدف خود یعنی وحدت ملی می‌دانستند، برسند. نمونه این نگاه در آثار مرحوم افشار دیده می‌شود که بر ضرورت سخن گفتن تمام ایرانیان به زبان فارسی تأکید و در مقابل زبان عربی و ترکی خطرناک دانسته می‌شد. محمود افشار بر این اعتقاد بود که زبان باید طبقه‌بندی شود، مثل زبان‌هایی همچون گیلکی، کردی و... گویش هستند و برای زبان فارسی خطرناک نیستند ولی زبان عربی و ترکی خطرناک است. وی همچنین معتقد بود دین اسلام وارداتی است و از این رو باید اصلاح شود یا به‌عنوان مثال دیگر؛ باطنی در کتاب خود اشاره می‌کند که همه ایرانی‌ها باید به زبان فارسی صحبت کنند و آن هنگام است که ما می‌توانیم وحدت ملی را تقویت کنیم. دکتر میری با نقد این نگاه گفت: اما این یکسان‌سازی مبنای عقلی، دینی و زبانی ندارد چون هر کدام از زبان‌ها برای برقراری ارتباط و شناخت اقوام، انسان‌ها و ملت‌ها با یکدیگر است؛ چنان‌که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است.

وی در ادامه سخنرانی خود با رد برخی برداشت‌ها و اظهارات منتسب در زمینه مباحث خود درباره هویت ملی و ایرانییت تأکید کرد: معتقدم مفهوم ایران از منظر ظرفیت تمدنی، هرچه به گذشته بازگردیم، گسترده‌تر بوده است. در سال ۱۳۱۳ در کمیسیونی که سعید نفیسی ریاست آن را برعهده داشت، نام ایران، و نه پرشیا و پرس به‌عنوان نام رسمی فلات ایران برگزیده و مصوب شد. این کار شاید در آن زمان یک حرکت مثبت و ایجابی تلقی می‌شد ولی از منظر ظرفیت تمدنی، ما را محدودتر کرد. سال‌ها قبل اگر در فلات ایران از افراد سؤال می‌کردید که کجایی هستید، چه ترکمن، چه ترک و... خود را ایرانی می‌دانستند اما اکنون مثلاً ترکمن‌ها نمی‌پذیرند که ایرانی هستند. دکتر میری همچنین تأکید کرد: ادیان ممکن است در چارچوب‌های شعائر و مناسک متفاوت باشند ولی در هسته متعالیه واحدند. حقیقت یکی است و راه رسیدن به حقیقت متفاوت است؛ به‌عنوان مثال، یک راه مخصوص خواص است و یک راه مخصوص عامه مردم است، ولی در نهایت حقیقت یکی است.

دکتر دالوند:

شاهنامه، شناسه ملی ایرانیان

دکتر حمیدرضا دالوند، استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه به‌عنوان دومین سخنران، با اشاره به دیدگاه‌های دکتر میری در این نشست و نشست‌های دیگر درباره هویت ملی گفت: اگر بخواهم نظرات دکتر میری را در این زمینه جمع‌بندی کنم که گفته‌اند، شاهنامه شناسنامه ملی ایرانیان است، یک گزاره متأخر برساختی است که قبول ندارم و این یک انگاره یهودی است که در وجود محمدعلی فروغی تجلی پیدا کرده و این را رواج داده است.

پرسشی که می‌پرسند این است که چرا شاهنامه، شناسنامه ملی ایرانیان است؟ این همه کتاب وجود دارد. اگر می‌خواستند می‌توانستند دیوان (مفقود شده) شاه اسماعیل را جایگزین می‌کردند. چراکه شاه اسماعیل در حقیقت بنیانگذار ایران نوین و مدرن است یا حتی کتاب حافظ یا قرآن و نهج‌البلاغه را هم می‌توانستند جایگزین کنند. نکته دیگر دکتر میری به آن اشاره کرد این است، ایشان نگاهی از تشیع ارائه می‌کند که به عملکرد قزلباش و دوره عمل‌گرایی صفویه، نه «فرقه صفویه» از شیخ زاهد گیلانی یا عملکرد شیخ صفی تا شاه اسماعیل را بخواهد دربر بگیرد که آن جنبه فکری و طریقتی دارد، می‌پردازم به آن بخش عمل‌گرایی، که قزلباش فعالیت‌های تاریخی را انجام می‌دهند برآن متمرکز می‌شود که این موضوع ظلم بزرگی به تاریخ تشیع است.

بحث دیگری که دکتر میری مطرح کرد این است که تأکید می‌کند بر تعریف سه‌گانه و سه‌پاره هویت ایرانی. آیا واقعاً این حرف درست است؟ مسئله این است که چرا فقط بر ذهنیتی که در جامعه میان برخی نخبگان و گروه‌ها، به اعتبار مسائل تاریخ معاصر آمده‌اند، این تقسیم‌بندی و صورت‌بندی را از هویت ایرانی کرده‌اند.



مسئله بعد بحث دولت-ملت است که ایشان روی آن تأکید دارند و بسیار به این مفهوم پایبند هستند چراکه صورت‌بندی ذهنی ایشان را تقویت می‌کند. می‌گویند پیش از مفهوم دولت-ملت، هرچند نمی‌گوییم انسان‌ها در این سرزمین وجود نداشتند، اما تاریخی که بتواند اراده سیاسی معطوف به قدرت را نشان بدهد در آن نبوده است، نوعی تاریخ‌زدایی را در پس این حرف مطرح می‌کند.

تأکیدی که روی دولت-ملت می‌کند این است که می‌گوید اگر ما بخواهیم در تاریخ ایران دولت-ملت را پیدا کنیم، نشانه‌های آن را از صفویه و شاه اسماعیل می‌توانیم دریابیم. شاه اسماعیل بانی ایران جدید می‌شود و دیوان او هم می‌تواند جایگزین شاهنامه شود.

به نظر من اشتباه دکتر میری و سایر دوستان حوزه علوم اجتماعی، در پیش‌فرض‌های آن است. دکتر فکوهی به‌نوعی نظر دوستان را مطرح می‌کند. اولین مفهومی که در ذهن دوستان است. مقایسه ایران با بعضی کشورهای نوظهور مثل ترکیه است. در مورد ترکیه واقعاً بحث معنا دارد. اما در مورد تمدن بزرگی مثل ایران بحث بر ساخت درست نیست. یک بعد بحث بر ساخت، مباحث معرفت‌شناسانه است که بر طبق آن حقیقت در ذهن جا نمی‌گیرد. ولی بحث جعل هم از آن اراده می‌شود. اما حقیقت این است که ما می‌توانیم بگوییم این روایت از تاریخ، به‌نوعی فرهنگ و هویت ایرانی است، ولی روایت دکتر میری و دیگران، بر ساخت، در مورد دولت‌های معجول و دولت‌های جدید که تاریخ می‌سازند درست باشد، اما در مورد ایران، هرچند بتوان شواهدی را در تاریخ معاصر ما دید که بتوانیم چنین تفسیر کنیم ولی عملاً این‌طور نیست. چون ما یک کلان‌روایت کهن داریم که اتفاقاً شاهنامه با همه قدمت هزارساله‌اش، نتیجه آن کلان‌روایت است.

دکتر دالوند ادامه داد: مسئله دیگری که پیش‌فرض غلط ایشان و افرادی است که دارای این نگاه هستند این است که تصور تاریخی نادرستی از ایران دارند. اصحاب علوم اجتماعی با تاریخ ایران به‌خوبی آشنا نیستند و به‌خوبی به تمام ظرائف تاریخ ایران فکر نمی‌کنند. جامعه ما شاید پس از انقلاب، به‌ویژه (جناح چپ) شعارهای تنیدی را مطرح می‌کرد که سازگاری با تاریخ ما نداشت. یکی از این شعارها نسبت به «شاه» بود. در انقلاب، منظور از «شاه» عملاً محمدرضا پهلوی بود، البته این مفهوم، به تدریج به کل مفهوم شاه گسترش پیدا کرد و شاه در ذهن ما، امروز و در پس از صحبت‌های دکتر میری، شاه انسانی است جلاد و همه‌کاره، در صورتی که آنچه ما در تاریخ سراغ داریم، همان شاه اسماعیل یا شاه عباس یا بسیاری از قهرمانان ملی ما که در قامت پادشاه ظهور کردند، آنان هم پادشاه به معنای نماینده قدرت سیاسی بودند و هم در کنار اینها علماء بزرگی بودند که خود را در نهایت مجبور و ملزم به اجرای شریعت می‌دانستند. پس وقتی بحث تاریخی می‌کنیم، این ذهنیت از ذهنیت معاصر جدا می‌شود.

پای‌بندی محکم ایشان به مفاهیم مدرن از جمله دولت-ملت مورد دیگر است. چه کسی گفته است که من این مدل از توصیف قدرت را باید در مورد کشورم و در مورد تاریخ و پیشینه و حوزه تمدنی مبتنی بر فکر ایرانی را بخواهم با این مدل دولت-ملت تبیین کنم؟ آیا ایرانی‌ها به‌عنوان یک ملت متمدن، روایت‌هایی از خود داشتند؟ آیا می‌توان روی آن حساب کرد؟ این روایت‌ها می‌تواند چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

مؤلفه‌های کلان‌روایت ملی نه بر ساخت

روایت خود در تعامل با دیگری: ما زمانی به خودآگاهی می‌رسیم که با دیگری تعریف کنیم

دکتر دالوند ادامه داد: روایت خود در تعامل با طبیعت و جغرافیا (سرزمین مقدس و تقدس مرز و خاک) گستردگی مفهوم میهن: در این کلان‌روایت از کهن‌ترین صورت که به هزاره دو تا سه سال پیش از میلاد (هزار سال پیش از زرتشت)، در این مفهوم سرزمینی، به‌عنوان مرکز جهان و به‌عنوان مفهوم مرز و مرزبان در فرهنگ فراوان بوده است. روایت خود در تعامل با رسالت انسان: برای انسان رسالت قائل است. روایت کهن در تعامل با سرنوشت جهان و انسان در آینده تعریف می‌شود که امروز استمرار این را داریم. اگر ما غایتی برای دنیا نداشته باشیم نه می‌توانیم تفهیمی از سیاست نه از جامعه، نه از انسان داشته باشیم.

چون ایرانیان دارای کلان‌روایتی کهن مبتنی بر مؤلفه‌های بالا هستند، پس ملت از نوع ملل متمدن هستند. هم شأن و رسالت تاریخی دارند و هم قدرت را بر مبنای این رسالت توزیع می‌کنند. پس با مدل ملت-دولت قابل توضیح نیستند. وی سپس به تشریح کلان‌روایت ملی ایرانیان پرداخت و ادامه داد: در نگاه ایرانی اصالت انسان معاونت خیر در نبرد با شر است. انسان ایرانی دارای سرزمین است، ایران هم بار جغرافیا و هم بار فرهنگی دارد. سرزمین ایران در قلب جهان دارد- خونیره بامی. هستی مبتنی بر اشته هست و تنها با دریافت آن و رفتار مبتنی بر اشته است که می‌توان زیست. خرد ابزار عمل بنا بر اشته است و داد تجلی اشته در جامعه است که می‌توان درست زیست. رفتار مبتنی بر اشته قدرت آفرین است (خشثره).

خشتره دو وجه دارد یک وجه نیک شهریاری (شهریور)، یک وجه دش شهریاری است. نیک شهریاری: اعمال قدرت بنابر داد جهت پیروزی خیر است، پس قدرت آرزو شده و نیک منجر به دوست داشتن دیگری و همه هستی به‌ویژه زیردستان یا مردم می‌شود (سپندارمذ) و آدمی را به عشق به هستی سوق می‌دهد.

حاصل سپندارمذ کمال و جاودانگی است (خرداد و امرداد). اگر ما این عشق را ناشی از قدرت در جهت کمک به دیگری به دست بیاریم، به کمال می‌رسیم خرداد و امرداد. اینجاست که مفهوم انسان کامل شکل می‌گیرد. انسان ایرانی باور به انسان کامل دارد (زرتشت‌ترین). انسان میان دوگانه خیر و شر در نوسان است، در نتیجه باور به کرفه و گناه شکل می‌گیرد. مفهوم کرفه و گناه دلیل مسئولیت انسان است. پس در روایت ایرانی انسان مسئول است.

انسان مسئول آخرت‌گرا و مؤمن به وعده وعید می‌شود. وعده وعید دو وجه دارد: ۱- این جهانی یعنی حاکمیت نجات بخش و انسان صالح ۲- آن جهانی و رسیدن به بهشت و بازگشت به حق.

حقیقت شاهنامه به مثابه سند ملی ایرانیان است

این چستی نگاه ایرانی است (پیشازرتشت). این نگاه تحولاتی پیدا می‌کند و به مناسبت تحولات زمانه دچار تغییر و تطبیق می‌شود: اولین تغییر در اوائل هزاره اول و اواخر هزاره دوم در زمان زرتشت اتفاق می‌افتد. نتیجه این تحول در یشت‌ها دیده می‌شود. یشت‌ها نیای شاهنامه فردوسی است. ویرایش دوم آن پسا هخامنشی تا پایان دوره ساسانی شکل گرفته است که مبتنی بر تفسیر اوستا است که زندها و خدای نامه‌ها شکل می‌گیرد. دکتر دالوند در مورد شاهکار ایرانی (شاهنامه) تأکید کرد: شاهنامه فقط از آن فردوسی نیست. فردوسی تنها یک راوی صادق و آگاه به هویت ایرانی است. شاهکار فردوسی آفرینش اثری چندلایه است. شاهنامه کلان‌روایت کهن ایرانی از هویت خود است که متناسب با ضروریات زمان تعدیل و روایت شده است. اصل این کهن روایت به پیشا زردشت در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد می‌رسد.

ظهور زردشت و تطبیق آن با اصلاحات وی در هزاره نخست ق.م، پیدایش یشت‌ها به‌عنوان نیای شاهنامه فردوسی زندها در پسا هخامنشی تا دوره ساسانی، متون پهلوی و خدای‌نامه به وجود آمد. تا به دوران اسلامی می‌رسیم که روایت دوره اسلامی: ۱- ترجمه‌های عربی ۲- شاهنامه‌ها شاهنامه فردوسی، تطبیق کلان‌روایت ملی ایرانی با اسلام است شاهنامه در هزاره پس از فردوسی: ۱- تأثیر بر سیاست و تاریخ و ادبیات ایران ۲- پیدایش شاهنامه‌های محلی و منطقه‌ای - روایت مردمی شاهنامه

شاهنامه اثری قدیم و شایسته نام و عنوان سند و شناسنامه هویت ایرانی است که با هیچ کتاب مجعول و متأخری قابل قیاس نیست. چون حکیمی سخندان و اسلام‌شناس یعنی فردوسی بزرگ آن را مطابق با ارزش‌های دینی بازآفرینی کرده است، هیچ تضاد و تباینی با متون مقدس دین مبین اسلام ندارد. پس سندیت ملی شاهنامه نه به اعتبار حرف فروغی یا آتاترک که حقیقتی تاریخی است.



هویت ایرانی مبتنی بر اندیشه است

دکتر دالوند در پاسخ به این پرسش که ایرانیان هم مهاجر به فلات ایران بودند، آیا هویت ایرانی مبتنی بر نژاد است یا نه، گفت: در بحث نگاه ایرانی، بیایم ایرانیت را از نژاد تهی کنیم. چون واقعاً هیچ کس نمی‌تواند بگوید، من نژاد پاک هستم. هویت ایرانی مبتنی بر اندیشه است. اندیشه‌ای که در اوستا مطرح شده است. یعنی مفاهیمی بنیادینی که در طول تاریخ به ضرورت زمان تعدیل پیدا می‌کند. همین اندیشه در دوره اسلامی چه در عرصه اسطوره و چه در عرصه دین، چه در عرصه فلسفه پایداری و استمرار پیدا می‌کند. بنابر این هرکس مؤمن و مروج این اندیشه باشد ایرانی است. چه بسا یک مغول، ترک یا عرب مؤمن به کلان‌روایت ایرانی، از هر ایرانی پاک‌نژادی ایرانی‌تر باشد. بله، هنر ایرانی‌ها آنجاست که توانستند حتی به‌عنوان یک قوم مهاجر، عنوانی به این سرزمین بدهند و ایران نامند و این عنوان را تا امروز پایدار نگه دارند. در زیر این عنوان، بنیان فکری عمیقی است که زرتشت به‌عنوان یک پیامبر، یک فیلسوف و مصلح و جانشینان او بنیاد گذاشتند و به‌تدریج این بنیان تا به امروز تقریباً ادامه یافته و متناسب با زمان یعنی متناسب با اسلام و حتی متناسب با فلسفه یونان و روم و مسئله مسیحیت و حتی فرقه‌هایی مثل مانویت و ... جرح و تعدیل خودش راداشته است. پس ما صاحب یک بهمن فرهنگی هستیم، یعنی مفهوم ایران دیگر از آن مفهوم قومی و نژادی بیرون می‌آید و اینجا اگر بخواهیم با ترک‌ها مقایسه کنیم، ترک‌های مهاجر و فاتح در ایران هیچ‌وقت نتوانستند یک مفهوم و میراث فرهنگی و فکری با خودشان بیاورند و تا امروز بتوانند مفهوم یا گفتمان یا کلان‌روایتی به‌نام خود رقم بزنند بلکه از خون فرهنگ ایرانی تغذیه کرده و مروج زبان و فرهنگ ایرانی بوده و از روم تا هند و چین آن را گسترانیده‌اند. در مقایسه با اعراب فاتح باید گفت، آنها اسلام را آوردند و صاحب اندیشه بودند اما ایرانیان مانند مصریان ترک زبان و فرهنگ کهن نکردند. مسلمان شدند ولی عرب نشدند، بلکه کهن روایت ایرانی را با اسلام تطبیق دادند.

زبان فارسی فراتر از یک زبان

دکتر دالوند تأکید کرد: به‌همین دلیل است که زبان فارسی در اینجا اهمیت پیدا می‌کند زیرا زبان فارسی فراتر از یک زبان است. زبان فارسی تجلی گاه این کهن روایت ایرانی است که طی سه هزاره شکل گرفته و همه نسل‌ها و نژادها در آن سهیم هستند. بنابر این استمرار فکری و فرهنگی، آن سه‌گانه هویتی که بعضی‌ها بیان می‌کنند نادرست است و نمی‌توان هویت ایرانی را به سه‌پاره باستان‌گرا، اسلام‌گرا و متجدد تقسیم کرد. گروهی که می‌گویند از دوره ساسانی تاریخ ما تمام شده است! حرف نادرستی است. کدام عقل سلیم می‌تواند ۱۴۰۰ سال کوشش فکری فیلسوفان و فقهای بزرگ ایرانی چه در عرصه تسنن و چه در عرصه تشیع را نادیده بگیرد؟ چه کسی می‌تواند، حضور ترکان در سرزمین ایران و خدماتی را که به این سرزمین کردند و سر این سفره بزرگ شدند را نادیده بگیرد؟ همین‌طور هرکسی به بهانه اسلام‌گرایی تاریخ‌زدایی کند یا روی واقعیت‌های جهان مدرن چشم ببندد، کاری عبث و بیهوده کرده است.

همین افشارها که از لحاظ نژادی ترک بودند مانند ایرج افشار، محمود افشار این‌ها که در یزد بودند. همین‌ها افرادی بودند که مروجان حتی تندترین صورت ایرانی شدند. همین موارد را هم از دوره غزنوی و سلجوقیان که ترک بودند به این طرف در تاریخ ایران می‌بینیم. پس این میراثی که داریم، اتفاقاً به‌لحاظ انسانی و نژادی می‌شود، میراث مشترک همه ما و ای کاش! ما به جای این سه‌گانگی تجدد، اسلام و پیش از اسلام، بر یگانگی و استمرار تأکید داشته باشیم.



مجلسه نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی (نشست نهم)

بحث در باره مؤلفه‌های شکل‌گیری هویت ملی ایرانیان

دکتر سعید جواد میری
استاد جامعه‌شناسی نظری پژوهشگاه

دکتر علیرضا شعبانلو
دانشیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه

دکتر حمیدرضا دالوند
استاد زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه

دکتر عبدالعزیز محمدعلی
استاد زبان علوم سیاسی

سه‌شنبه ۱۳ تیرماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۰ تا ۱۲ سالیان

ای کاش! به جای تقابل‌سازی بیهوده، روی مشترکاتمان حرف بزنیم. ایران امروز نیاز به این مورد دارد ما در مقابل بانک بزرگ فرهنگ ایرانی نشسته‌ایم که همه ما در آن سهم داریم. اینجاست که می‌توانیم باهم همکاری و از آن سه‌گانگی عبور کنیم. هیچ عقل سلیمی داشته‌های ارزشمند خود مانند شاهنامه را که متعلق به همه نسل‌هاست، با هیچ چیز دیگر جایگزین نمی‌کند.

دکتر شعبانلو:

شاهنامه، خانه ایرانیان است

دکتر علیرضا شعبانلو، دانشیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه به‌عنوان سخنران این نشست ابتدا سخنان خود را با این شعر آغاز کرد: به‌نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد
سپس در ادامه به‌طور کوتاه به دو شبهه زیر، پاسخ داد:

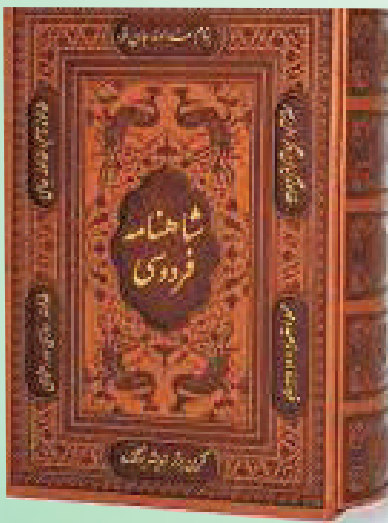
۱. می‌گویند که ملیت ایرانی مفهومی جدید است و در دوران پیش از حکومت صفوی نامی از ایران نبود و این جغرافیا و مردمان آن را فارس می‌نامیدند نه ایران و ایرانی. حتی ایرانیان خود را ایرانی نمی‌نامیدند.
۲. می‌گویند شاهنامه سند ملیت ایرانیان نمی‌تواند باشد. چرا نباید دیوان ترکی شاه اسماعیل صفوی یا قرآن کریم را سند ملیت ایرانی بدانیم.

پاسخ به شبهه اول

به‌طور مختصر باید گفت، ایرانیان دست‌کم از اواخر حکومت اشکانیان سرزمین خود را با نام ایران می‌شناختند و در دوران اسلامی نیز بارها در متون عربی و فارسی و اشعار شاعران، نام ایران و ایران شهر آمده است. ایرانیان از هزاران سال پیش در محدوده فرارودان تا سواحل دریای سیاه و خلیج فارس و قفقاز حضور داشتند و از سرزمین خود با عناوینی چون ایرانویج و سرزمین آریائیان و پارسیان و سرزمین‌های تحت سلطه اهورا مزدا نام می‌بردند. نام ایران نخستین بار در زمان اردشیر بابکان (۲۲۴م)، در ربع نخست سده سوم میلادی در کتیبه اردشیر دیده می‌شود که خود را شاه ایران می‌نامد. البته که این اندیشه یکباره و در همان زمان نمی‌توانست به‌وجود آید و بی‌گمان سابقه داشته است.

دکتر شعبانلو با اشاره به مقاله‌ای از دکتر سیدمحمد صادق سجادی که مفصل با رجوع به منابع عربی زبان نوشته است: «در منابع تاریخی، جغرافیایی و ادبی عربی زبان کلمات و ترکیب‌هایی چون ایران، ایران‌شهر، فارس، بلاد فارس، فرس، مملکه الفرس، به‌وفور به‌کار رفته است و مراد غالب نویسندگان آنها، جز معدودی که میان ولایت فارس و سرزمین فارس تفاوت قائل شده‌اند، همه ایران و ایرانیان و شهرهای ایران و پادشاهی ایران بوده است؛ گرچه درباره مرزهای سیاسی این سرزمین، که بر اثر حوادث و تحولات بزرگ در ادوار مختلف تغییر می‌کرده است، طبیعتاً اتفاق نظر وجود ندارد. از آنجاکه کهن‌ترین منابع عربی، سرزمین ایران را «ایران‌شهر» خوانده‌اند و از اجزاء آن یعنی

شهرها و ایالات آن سخن رانده‌اند، پیداست که این ترکیب و تعبیر از منابع قدیم‌تر ایرانی، که توسط کسانی چون ابن‌المقفع به‌عربی ترجمه شده بوده است، به این منابع و نیز تداول مورخان و جغرافی‌دانان و ادیبان راه یافته است. حاحظ از «اقالیم ایران‌شهر» سخن رانده و مقدسی آورده است که بهترین و معتدل‌ترین نقطه زمین، «ایران‌شهر» است که سرزمینی است از شرق به غرب، میان رود بلخ (یعنی جیحون) تا رود فرات؛ و از شمال تا جنوب میان دریای آبسکون تا دریای پارس و یمن. ابوحنیفه دینوری در اخبار الطوال و یاقوت حموی در معجم‌البلدان، از ایران نام برده‌اند و مسعودی در التنبیه و الاشراف گفته است: «و كانت الفرس تسمی هذا الصقع ایضاً ایران‌شهر». ابوالفدا آورده است که تمام سرزمین‌های زیر جیحون را «ایران» گویند که سرزمین «فرس» است یعنی او صراحتاً «فارس» را معادل «ایران»، و «فرس» را برابر ایرانیان به‌کار برده است.



او فرس را داری فرقه‌های زیاد می‌داند از جمله دیلمان و گیلان و کردها. قلقشندی در صبح‌الاعشی متذکر شده است که «مملکه ایران و هی مملکه الفرس» به دو ناحیه اصلی شمال و جنوب تقسیم می‌شود. بخش جنوبی خود مشتمل بر شش ناحیه است:

(۱) جزیره فراتیه مشتمل بر دیار بکر و دیار ربیع و موصل و شهرهای دیگر که نزدیک‌ترین ناحیه ایران به مصر و شام است.

(۲) عراق، مشتمل بر شهرهایی چون بغداد، واسط، کوفه، بصره، سامرا، مدائن، تکریت، حلوان، انبار، هیت، حیره و نهر و غیره.

(۳) خوزستان و اهواز شامل شوش، مهربان، ارّجان، قرقوب، عسکر مکر، جندی شاپور، رامهرمز، دورق و غیره.

(۴) فارس شامل شهرهای شیراز، گور، کازرون، سیراف، بیضاء، اصطخر، فسا، دارابگرد، یزد.

(۵) کرمان شامل جیرفت، زرنند، بم، هرمز.

(۶) سجستان شامل زرننگ، حصن الطاق، سراوان، بست و رنج.

بخش شمالی هم به چند اقلیم عرفی تقسیم می‌شود:

(۱) ارمنستان شامل ارزنجان، ارزن، بدلیس، اخلاط، خرتپرت.

(۲) آذربایجان شامل چند تختگاه چون اردبیل، تبریز و سلطانیه، و چندین شهر چون سلماس، خوی، اورمیه، مراغه، میانه، مرند و غیره.

(۳) ازان شامل دو تختگاه بردعه و تغلیس؛ و شهرهایی چون موقان، بیلقان، شروان، باب‌الابواب.

(۴) بلادالجبل یا عراق عجم شامل چندین تختگاه چون اصفهان و ری، و شهرهایی چون اربل، شهرزور، دینور، ماسبدان، قصر شیرین، قرمیسین، سهرورد، نهاوند، ابهر، قزوین، آبه، طالقان، کاشان، کرج و غیره.

(۵) دیلمستان، تختگاهش رودبار با چندین شهر بزرگ و کوچک.

(۶) گیلان شامل چند تختگاه چون پومن، لاهیجان، و شهرهایی چون تولم، کسگر، سخام، مرست، سالوس.

هفتمین تا دوازدهمین ناحیه هم به ترتیب عبارت اند از: طبرستان، مازندران، قومس، خراسان، زابلستان، بلاد غور.

بنابراین مرزهای نواحی غربی ایران یعنی جزیره فراتیه، به حدود قلمرو ممالیک مصر و شام می‌پیوست. به همین سبب قلقشندی در وصف ممالک اطراف مصر، نخست از مملکت ایران در شرق آن یاد کرده است. دکتر سجادی به‌طور مفصل بدین موضوع پرداخته است بهتر است خوانندگان بدان مراجعه کنند.

شهرها و سرزمین‌هایی را که قلقشندی در سده نهم هجری از شهرهای مملکت ایران بر می‌شمارد، اغلب با شهرها و مکان‌هایی که در کتیبه کرتیر آمده و با شهرهایی که در شاهنامه از آنها با نام شهرهای ایران نام رفته تا حد بسیار تطبیق می‌کند.

شاعران فارسی زبان نیز بارها در مدح شاهان سامانی و غزنوی و سلجوقی و شروانشاهان و دیگران که از فرارودان تا شبه قاره هند و از آنجا تا عراق عرب و اران و قفقاز و آسیای صغیر حکم می‌راندند، آنان را شاه ایران و خسرو ایران نامیده و از این مناطق با نام ایران و ایران شهر یاد کرده‌اند.

رودکی در شعر زیر خراسان را بخشی از ایران می‌داند:

یک صف میران و بلعمی بنشسته یک صف حران و پیر صالح دهقان

خسرو بر تخت پیشگاه نشسته شاه ملوک جهان، امیر خراسان

زان می‌خوشبوی ساغری بستاند یاد کند روی شهریار سجستان

خود بخورد نوش و اولیاش همیدون گوید هر یک چو می‌بگیرد شادان:

شادی بو جعفر احمد بن محمد آن مه آزادگان و مفخر ایران

عنصری، سلطان محمود غزنوی را شاه ایران، خسرو ایران، سپهسالار ایران می‌نامد و ایران را ایران شهر می‌خواند:

ایا شنیده هنرهای خسروان به خبر بیا ز خسرو مشرق عیان بین تو هنر

ور از بهاطبه گویم عجب فرومانی که شاه ایران آنجا چگونه شد به سفر

یا در قصیده دیگر

چو تن به جان و به دانش دل و به عقل روان فروخته‌ست زمانه به دولت سلطان

نجات خلق به حمد محمد و محمود سر نبی و نبی خدایگان جهان

از آنکه بد به حجاز آن و این به ایران شهر حجاز دین را قبله است و ملک را ایران

فرخی سیستانی در مدح امیر ابواحمد محمد بن محمود، او را خسرو ایران زمین و ایران شهر می‌خواند:

میر ابواحمد محمد خسرو ایران زمین کایزد او را چند چیز نیک داد از چند باب

بار دیگر در مدح امیر محمد بن محمود گوید:

دل من لاغر کی دارد شاهد کردار لاغرم من چکنم گر نبود فربه یار
 از پرستیدن آن شاه که دست و دل اوست جود را پشت و پناه و امن را یسر یسار
 از پرستیدن آن شاه، که در ایران شهر گردنی نی که نه از منت او دارد یار
 قطران تبریزی در مدح ابوالحسن علی لشگری، حاکم گنجه گوید:
 نیست کس در گوهر ساسانیان چون لشگری تا پس آن چون نیاکان شاهی ایران کند
 همچو افریدون بگیرد ملک عالم سر بر سر هند و ترکستان بزییر حکم نوشروان کند
 او بتخت ملک ایران بر نشیند در سطرخر کهنترین فرزند خود را مهتر اران کند
 فلکی شروانی در مدح منوچهر، حاکم شوان گوید:
 خسرو ایران منوچهر آنکه در شأنش خرد گفت، سبحان الله آن رای جهانباشش نگر

و از این گونه بسیار است. پس مشخص شد که نام ایران و ایران شهر و شهرهای آن در متون فارسی و عربی آمده و ایرانیان و دیگران آنها را علاوه بر فارس، ایرانی نیز می نامیدند و کشور ایران با همین نام در میان ایرانیان و جهانیان مشهور بوده است.

پاسخ به شبهه دوم

دکتر شعبانلو در پاسخ به شبهه دوم شرح داد: هویت ملی نوعی هویت جمعی است که از این جمع با نام ملت یاد می شود. ملت نیز جامعه ای است که از لحاظ زبان و فرهنگ و تاریخ و جغرافیا و حکومت اشتراکاتی دارند. قرآن کریم می تواند سند هویت فراملی ایرانیان باشد که آنها را در جامعه و امت اسلامی می گنجانند. بنابر این، مؤلفه های اصلی هویت ملی عبارتند از زبان و فرهنگ و تاریخ و جغرافیا و حکومت. اگر در شاهنامه فردوسی نیک بنگریم می بینیم که این اثر همه عناصر فوق را در بر دارد و به دلایل زیر جامع مؤلفه های هویت ملی ما ایرانیان است:

۱. شاهنامه به زبان فارسی است: زبان به گفته هایدگر محمل وجودی ماست. وی می گوید، در زبان است که هستیم. زبان مهمترین عنصر و عاملی است که هستی ما را به ظهور می رساند و به ما امکان می دهد تا در هستی عاملیت و فاعلیت داشته باشیم و به عبارت دیگر عامل بودن ما زبان است. نقش زبان در محقق ساختن بودن ما در هستی از دیگر مؤلفه های هویت از جمله نژاد و دین و حتی جغرافیا مهمتر است. زبان همیشه با ماست و به قول مولوی: هر جا روم با من روی هر منزلی محرم شوی روز و شبم مونس تویی ای محرم اسرار من.



زبان فارسی تنها عنصری است که ثابت مانده و استمرار تاریخی هویت ملی ما را حفظ کرده و به ظهور رسانده است و ما را ایرانی نگه داشته است. در گذر زمان دین و حکومت و جغرافیا دچار تغییر شده است اما آنچه که تغییر بنیادین نکرده (فقط از پارسی باستان به پارسی میانه و فارسی نو دگرگون شده است) زبان است و همین زبان موجب شده تا نژادهای دیگر با قرار گرفتن در درون آن یعنی آموختن آن، خود را ایرانی بدانند. زبان فارسی ظرفی است که بخشی از اندیشه ما (تاریخ و فرهنگ و دین) را به شیوه هنری (ادبیات) حفظ و منتقل کرده است. پس در زبان از دو چیز باید سخن گفت: یکی ادبیت و شاعرانگی و دیگر اندیشه (تاریخ و بخشی از فرهنگ و دین).

۱.۱. ادبیت: از سوی دیگر شاهنامه چونان اثر هنری، حماسه‌ای است که هویت شاعرانه ایرانیان و دیرینگی این وجه از وجوه ایرانی را نشان می‌دهد. اگر مصریان با اهرامشان و یونانیان و رومیان با مجسمه‌هایشان و چینیان با دیوار چین شناخته می‌شوند، هنر ایرانیان نیز ادبیات است و در جهان با شاهنامه فردوسی و گلستان و بوستان سعدی و مثنویهای سنای و عطار و مولانا و غزل‌های حافظ شناخته می‌شوند. شاهنامه به‌عنوان اثر هنری بسیار فاخر، جهان ایرانیان را می‌سازد و فضایی برای زیست آنان فراهم می‌کند حتی می‌تواند برای غیر ایرانیان مانند تورانیان و رومیان نیز اگر بخواهند فضای زندگی بدهد چون به‌نوعی درباره تاریخ آنان هم هست. عظمت شاهنامه تا اندازه‌ای است که در شرق، غرب، شمال و جنوب جهان ایرانی رسوخ و نفوذ کرده و آثار بی‌شماری در پیروی از آن آفریده شده است. کمتر کتاب تاریخی است که ایباتی از شاهنامه را نقل نکرده باشد و کمتر شاعر پارسی سرایی است که از شخصیت‌های شاهنامه نام نبرده باشد. تأثیر میراث فردوسی را در اکثر آثار پس از او می‌توان دید و از زبان خاص و عام می‌توان شنید.



۱.۲. شاهنامه گنجینه فرهنگ و تاریخ ایران است: شاهنامه تداوم فرهنگی و تسلسل حکومت‌های مستقر در ایران را در خود دارد و گذشته اسطوره‌ای و تاریخی ایران را به‌طور مستمر بیان می‌کند و تصویری کلی از تمام عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان از قبیل ۱. اندیشه سیاسی (مانند قائل بودن به فره ایزدی در گزینش شاه و معرفی ویژگی‌های شاه، معرفی سلسله‌های پادشاهی، تعیین محدوده جغرافیایی ایران)، ۲. اندیشه‌های دینی (هم بخشی از نگرش اسلامی و هم بخشی از نگرش مزدایی را در خود دارد)، ۳. آداب و رسوم (مانند نوروز و مهرگان، نحوه دفن مردگان و ازدواج و...)، ۴. خلق و خوی ایرانیان (مانند خردمندی، راستی اندیشی، خداباوری، و...)، ۵. اقوام ایرانی (مانند دیلم و گیل و کرد، پهلوی، فارس، کوچ و بلوچ) و ... را نشان می‌دهد. از این رو شاهنامه به راستی کاخ بلند بی‌گزندی است که چونان ور جمکرد، بهشت زمینی و زیستگاه و پناهگاه ایرانیان است و فضایی را برای ایرانیان فراهم می‌کند که در آن می‌توانند به کام دل زندگی کنند.

اگر شاهنامه چنین ویژگی و صفاتی دارد تنها به دلیل قدرت آفرینشگری شاعری بزرگ چون فردوسی نیست، بلکه به دلیل محتوای آشنای آن است که هنوز در ذهن و روان ایرانیان جاری است و همگان با آن مأنوسند و آن را می‌شناسند و پاس می‌دارند. این محتوا آشنا همان حقیقتی است که ایرانیان بدان باور دارند و شاهنامه مظهر این حقیقت می‌دانند.

دکتر شعبانلو تصریح کرد: همه نویسندگان و شاعران پارسی زبان که در پی گردآوری تاریخ ایران بودند، مانند ابوالمؤید بلخی، احمد بلخی، مسعودی مروزی، دقیقی طوسی و فردوسی که اکنون از برخی فقط نامی هست و آثارشان از میان رفته یا اندکی از آنها بر جای مانده است در صدد بنیاد نهادن تاریخ یک ملت در دوره تازه بودند. اهمیت فردوسی نیز در همین است. وی در شاهنامه وجود تاریخی یک ملت را که رو به فراموشی می‌رفت بنیادی نو نهاد. وی اندیشه‌ها و آداب و رسوم و گفتارها و کردارهای تاریخی ایرانیان را پاسداشت و به دست اندیشمندان و بزرگانی چون خواجه نظام الملک (در سیاست نامه)، سهروردی (در حکمة الاشراق)، غزالی (در نصیحة الملوک) و خواجه نصیر (در اخلاق ناصری) و ... سپرد. این اندیشمندان، اندیشه و فرهنگ کهن را به شیوه‌های علمی، نظام مند و به یاری اندیشه اسلامی روزآمد کردند و شیوه‌های حکومت و کشورداری را به حاکمان آموختند تا آنان بر اساس آن آموزه‌ها، حکومت خود را پایه‌گذاری کنند و با رعایت حقوق مردم بر آنان حکم رانند و به مردمان و ملت نیز شیوه زندگی و حقوق حاکم را یادآور شدند تا شهروندانی قانونمدار و دیندار باشند و بدین گونه آرمان شهر ایرانی اسلامی ساخته شود که حاکمان و ساکنانش سعادمند و رستگار گردند.

شاهنامه اگر بر ایرانیان اثر می‌گذارد و آنها را در خود می‌گنجاند به دلیل این است که ایرانیان با محتوا و زبان آن آشنا و مأنوسند و با آن احساس خویشی می‌کنند و آن را خانه خود می‌دانند.

بخش پایانی نشست و طرح دیدگاه‌ها و نظرات پژوهشگران و اعضای حاضر

دکتر ربانی‌زاده: شاهنامه به نوعی تاریخ ما است و می‌تواند سند ملی ما باشد

دکتر سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده، عضو هیأت علمی و سرپرست پژوهشکده تاریخ ایران درباره اینکه آیا می‌توان شاهنامه را بنا بر نظر فروغی به عنوان سند ملی قلمداد کرد یا نه، متذکر شد: شاید فروغی ترجمه سخن آتاتورک را چنین تفسیر کرده است که شاهنامه سند ملی ایرانیان است اما با توجه به اینکه دیوان شاه اسماعیل موجود نیست و مفقود شده است، در مورد اینکه آیا این دیوان می‌تواند سند ملی قلمداد شود یا نه، نمی‌توان صحبت کرد. دکتر ربانی‌زاده تأکید کرد: اما با توجه به وجود سه رکن پایداری، گستردگی و قبول عام در شاهنامه، می‌توان آن را سند ملی تلقی کرد. وی ادامه داد: پس از آنکه ابن مقفع خدای نامه را، که به زبان پهلوی بود، در دوران اسلامی به عربی ترجمه کرد، کم‌کم خدای نامه به شاهنامه تبدیل شد. اساساً شاهنامه تاریخ ایران است چراکه از کیومرث شروع می‌کند، هم‌چنانکه تاریخ‌نگاران اسلامی هم‌چون طبری و یعقوبی و ... تقریباً از ایرج و کیومرث و ... شروع می‌کنند. بر این اساس باور من بر این است که شاهنامه قبل از ورود الفاظ جدید در دوره معاصر همچون ملت، دولت و ...، سند هویت ما بوده است.

دکتر فتح‌اللهی: در زمینه مسائل مطرح شده در نشست باید به روایت‌های دیگر نیز توجه داشت

دکتر محمدعلی فتح‌اللهی، عضو هیأت علمی و رییس پژوهشکده مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق با تأکید بر اینکه روایت‌های متعدد و گاه متقابلی در زمینه مباحث مطرح شده در این نشست نیز قابل طرح است گفت: یک نکته قابل طرح در زمینه مباحث مرتبط با شاهنامه این است که برخی معتقدند نقد اصلی شاهنامه به تغییر مذهب پادشاه است و در واقع رستم در مقابل زرتشتی شدن پادشاه و دین زرتشت مقاومت می‌کند. بنا بر این نگاه باید توجه به این مسئله مهم داشت که روح شاهنامه در تضاد با زرتشتی‌گری است. حتی این بحث مطرح می‌شود که در تفکر ایرانی دوگانگی خیر و شر وجود نداشت و ایرانیان در مقابل این نگاه که با زرتشتی‌گری آغاز شد، مخالف بوده و شاهنامه نیز مقاومتی در مقابل این نگاه دوگانه‌انگار است.

دکتر محمدعلی فتح‌اللهی با اشاره به موضوع مطرح شده در زمینه نزدیکی تشیع و زرتشتی‌گری نیز تأکید کرد: در نقطه مقابل این نگاه باید توجه داشت که در تاریخ نزدیکی اهل سنت به زرتشتی‌گری بسیار بارزتر است. وی به عنوان نمونه به رویکرد اشرف افغان در رتبه‌بندی مردم پس از تسلط بر ایران اشاره کرد و گفت: هنگامی که افغان‌ها بر ایران مسلط شدند، اشرف افغان در رتبه‌بندی مردم ایران، شیعیان و قزل‌باش‌ها را در پایین‌ترین مرتبه که رده هفتم بود قرار می‌داد که کمترین حقوق را دریافت می‌کردند در حالی که زرتشتیان را در رده چهارم قرار می‌داد. بر این اساس نمی‌توان فکر کرد که نزدیکی بین زرتشتی‌گری و تشیع وجود داشته، بلکه در تاریخ همیشه نزدیکی بین اهل سنت و زرتشتی‌گری وجود داشته است.

دکتر گرامی: شناخت مسئله نشست از اهمیت بسیاری برخوردار است

دکتر سیدمحمد مهدادی گرامی، عضو هیأت علمی و سرپرست پژوهشکده مطالعات قرآنی با اشاره بر ارائه اطلاعات متعدد در این نشست از سوی سخنرانان، بر اهمیت فهم مسئله تأکید کرد و گفت: آنچه به‌عنوان سیر این گفت‌وگو می‌توان طرح کرد این است که بنا بر نظر دکتر میری اگر ما خرده هویت‌هایی مثلاً بغدادی، شیعی، سنی یا... داشته باشیم، ایرانیان به‌مثابه یک هویت جمعی نسبت به آن خودآگاهی داشته باشند، این ایرانیت به‌مثابه یک هویت جمعی در قرون مختلف شاید وجود نداشته است و طبیعتاً به طریق اولی نمی‌توانیم از یک سند ملی صحبتی کنیم اما، دکتر شعبانلو براساس یک مطالعه تاریخی، که می‌توانیم آن را تاریخ‌نگاره‌ای بنامیم، بر این باور هستیم که براساس این رویکرد ما باید به‌طور دقیق در مورد انگاره‌هایی مثل ایران‌شهر، عجم، فورس، ایران و هر آنچه‌ای که در این حوزه معنایی قرار می‌گیرد، مطالعه کنیم و بررسی کنیم که از چه زمانی این انگاره‌ها شکل گرفتند و چه درکی از این‌ها در حوزه‌های مختلف جغرافیایی وجود داشته است. به‌نظر بنده این بحث قابل مناقشه است و این ظرفیت را دارد که آن را مجدداً بررسی کرده و بررسی آن تداوم یابد.

دکتر گشتاسب: ایرانی‌ها در مقاطع مختلف زمانی خود را چه می‌نامیدند

دکتر فرزانه گشتاسب، عضو هیأت علمی پژوهشکده زبان‌شناسی: ایشان به سؤالی که دکتر میری مطرح کرد با عنوان این که در مقاطع مختلف زمانی، ایرانی‌ها خود را چه می‌نامیدند؟ توضیحاتی ارائه کرد و گفت: این موضوع و واژه‌های آن در دوره‌های مختلف زمانی، مشخص است و متن‌های آن موجود است، هم در متون اوستایی که یک بازه زمانی حدود (۱۰۰۰ تا ۱۷۰۰) قبل از میلاد برای آن تعیین می‌کنند و هم سنگ‌نوشته‌های هخامنشی و ساسانی که تاریخ آنها دقیقاً معلوم است. مثلاً ما می‌دانیم ایرانیان در متون اوستایی خود «آئیریه» و سرزمین خود را «آئیرینه» و «آج» نامیده‌اند، همچنین اسامی در کتیبه‌های هخامنشی و ساسانی هم مشخص است. آئیریه به معنی «آزاده» است. در واقع اشاره می‌کند به ملتی که از یک نژاد و خاستگاه واحد بودند و در سرزمینی مشخص زندگی می‌کردند که خود به این سرزمین «ایران» می‌گفتند. ایرانویج سرزمینی است که براساس جغرافیایی اوستا، در شرق ایران بوده و حدودش را ناحیه خوارزم بزرگ دانسته‌اند. ایرانیان بخشی از اقوام هندوایرانی و هندوایرانیان بخشی از هندواروپاییان بودند. اطلاعات ما درباره زمان مهاجرت و زیستگاه اقوام هندوایرانی و هندواروپایی بر اساس شواهد باستان‌شناسی است. به‌طور مثال ما می‌دانیم که اقوام ایرانی در حدود ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد از اقوام هندوایرانی ایرانی جدا شدند و به این سرزمین مهاجرت کردند و اقوام ماد و پارس را تشکیل دادند.

دکتر گشتاسب شرح داد: نکته دیگر این است که ما می‌دانیم ایرانی‌ها خود را «ایرانی» می‌نامیدند، همچنین بر این باور هستیم که به‌صورت سلبی، خود را از «غیرایرانی‌ها» جدا می‌دانستند. واژه‌ای به نام «آئیریه» را در کنار «آئیریه» در اوستا داریم و در پهلوی «آئیران» را در کنار ایران. در شاهنامه فردوسی هم از سه فرزند فریدون یاد می‌شود. ایرج که به ایران آمد و سلم و تور که به ترتیب پادشاهی روم و توران را به آنها می‌رسد.

در زبان فارسی این نکته را می‌توان یادآور شد که تنها زبان ایرانی است که هم مادر آن یعنی فارسی میانه باقیمانده و هم صورت باستانی آن، که زبان فارسی باستان است. به‌همین دلیل، پهلوی را Middel Persian می‌گویند و زبان هخامنشیان را Old Persian می‌گویند. نکته دیگر که در مورد زبان فارسی میانه باید بدانیم و می‌توان به آن دقت کرد این است که هم زبان رسمی دربار بوده و هم موبدان و کاتبان و افرادی که سواد خواندن و نوشتن داشتند از این زبان استفاده می‌کردند.

دکتر احمدزاده: مفاهیم مدرن تدوین‌گر تاریخ پرتنوع ایران نیستند

دکتر محمدامیر احمدزاده، عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ ایران، با نقد برداشت متصلبانه از برخی مفاهیم و واژگان مبتنی بر نگاه و وقایع روی داده در غرب و نیز انتقاد از انطباق آن برداشت‌ها با ایران گفت: باید توجه داشت که مفاهیم مدرن تدوین‌گر تاریخ پرتنوع ایران نیستند. در اروپا از سال ۱۸۱۵ یعنی پس از کنفرانس صلحی که بعد از انقلاب فرانسه اتفاق می‌افتد، به تدریج آنها مفهوم ملت در اروپا شکل می‌گیرد ولی در ایران، مفهوم ملت نه فقط در دوره صفویه بلکه پیش از آن هم مطرح بود. باید تاریخ ایران را کمی منعطف‌تر مطالعه کنیم. استمرار فرهنگی و سیال بودن دو ویژگی هویت ایرانی هستند که براساس آنها می‌توان گفت، ممکن است ما با یک ایران یک دست، به‌ویژه پس از اسلام و ورود اقوام مختلف به ایران، مواجه نیستیم. اما دارای یک ایران فرهنگی هستیم که در طول تاریخ ایران شکل‌گیری حکومت‌های مختلف حتی ایلخانان برپایه این ایران فرهنگی است.

در جلسه شورای تحصیلات تکمیلی تأکید شد:

اهمیت برنامه‌ریزی برای انجام پژوهش‌های دانشجویی در زمینه عناصر مختلف هویت ملی

جلسه شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه روز دوشنبه مورخ ۵ تیر ماه، در سالن اندیشه با حضور اعضای شورا تشکیل شد. در این جلسه، علاوه بر بررسی طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری، بر اهمیت برنامه‌ریزی لازم از سوی رؤسای پژوهشگاه‌های مختلف پژوهشگاه برای پژوهش در زمینه هویت ملی و نقش مؤلفه‌های مختلف در تقویت آن از سوی دانشجویان مقطع دکتری تأکید شد. گفت‌وگو و تبادل نظر درباره تعداد واحدهای درسی دانشجویان مقطع دکتری و همچنین بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود برای جذب دانشجویان استعداد درخشان و نترات برگزیده المپیادهای علمی مطابق و با قوانین و مقررات موجود در این زمینه از دیگر محورهای مورد بحث اعضای شورا بود.



تأکید بر اهمیت و ضرورت حضور رؤسای پژوهشگاه‌ها و مراکز مختلف پژوهشگاه در جلسات شورای پژوهشی و شورای تحصیلات تکمیلی

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از درود و صلوات بر پیامبر گرامی اسلام صلّ علیه و آله و سلّم و اهل بیت علیهم السّلام، شهادت امام پنجم شیعیان، امام محمدباقر علیه السلام را تسلیت گفت. دکتر نجفی یکی از مؤلفه‌های اصلی کار علمی را رعایت نظم برشمرد و بدین جهت اهمیت حضور رؤسای پژوهشگاه‌ها و مراکز مختلف پژوهشگاه در جلسات شورای پژوهشی و شورای تحصیلات تکمیلی را خاطرنشان و بر حساسیت و ضرورت حضور آنان در این جلسات به دلایل مختلف از جمله جایگاه این جلسات در برنامه‌ریزی برای برنامه‌های آتی پژوهشگاه و تصمیم‌گیری‌ها در موارد مختلف براساس مشارکت و نظر جمعی تأکید کرد.

رئیس پژوهشگاه در ادامه با اشاره به اهمیت حساسیت و توجه به موضوع هویت ملی در پژوهش‌های مختلف پژوهشگران و به‌ویژه دانشجویان مقطع دکتری پژوهشگاه گفت: با توجه به اهمیت و جایگاه این موضوع از ابعاد مختلف، شایسته است رؤسای پژوهشگاه‌ها و مراکز مختلف پژوهشگاه برنامه‌ریزی لازم برای انجام پژوهش‌های مختلف به‌ویژه توسط دانشجویان مقطع دکتری در زمینه هویت ملی و ابعاد و مؤلفه‌های مختلف آن را صورت دهند.

بررسی طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری

سپس مطابق دستور جلسه مقرر شورا، طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان دوره دکتری پژوهشگاه مورد بحث و تبادل نظر اعضا قرار گرفت. در این بخش از جلسه، دو طرح‌نامه پیشنهادی دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی از پژوهشکده زبان و ادبیات مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا طرح‌نامه پیشنهادی خانم مولود مدنی که به پژوهشی درباره تحولات رمان تاریخی در ایران اختصاص داشت، بررسی شد. سپس طرح‌نامه پیشنهادی خانم ملیحه رشیدی که به تحلیل و بررسی تحول ساختار و محتوای داستان در یکی از مجلات دانش‌آموزی کشور اختصاص می‌پرداخت، مورد بررسی قرار گرفت.

ابتدا دانشجویان نامبرده در جلسه شورا حاضر و به تشریح موضوع پژوهش، تعریف مفاهیم، بیان چارچوب نظری، فرضیه‌ها و اهداف پژوهش‌های خود پرداخته و در ادامه به مسائل و نکات طرح شده از سوی اعضای شورا پاسخ دادند. بر اساس مسائل مطرح شده از سوی دانشجویان و در چارچوب موضوعات پیشنهادی، مطابق نظر اعضای شورا مقرر شد اصلاحاتی در عناوین رساله‌ها، فرضیه‌ها، سؤالات، بازتعریف مفاهیم و اصطلاحات پژوهش و... صورت پذیرد. بررسی و تبادل نظر درباره تعداد واحدهای درسی دانشجویان مقطع دکتری مطابق با آیین‌نامه‌های ابلاغی از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود برای جذب دانشجویان استعداد درخشان و نفرات برگزیده المپیادهای علمی مطابق با قوانین و مقررات موجود در این زمینه و همچنین جذب پژوهشگران دوره پس‌دکتری از دیگر مسائل مطرح شده در این جلسه شورا بود.



در جلسه شورای تحصیلات تکمیلی صورت گرفت:

تصویب طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری

جلسه شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه روز دوشنبه مورخ ۱۲ تیر ماه، با حضور اعضای شورا برگزار و طرح‌نامه‌های پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری پس از بحث و تبادل نظر اعضای شورا درباره آنها و ارائه پیشنهادها و اصلاحات لازم به تصویب رسید.

ضرورت تفکیک صورتجلسات شورای پژوهشی و تحصیلات تکمیلی در پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از درود و صلوات بر پیامبر گرامی اسلام صلی ... علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، اعیاد سعید قربان و غدیر را تبریک گفت و از اعضای شورا و پژوهشگاه دعوت کرد در مراسم جشنی که به این مناسبت روز سه‌شنبه در تالار تمدن پژوهشگاه برگزار خواهد شد، حضور بهم رسانند.

در ادامه جلسه با توجه به مصوبات پیشین شورای پژوهشی پژوهشگاه در زمینه ادغام شوراهای پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در شورای علمی با حضور همه اعضای آنان، موضوع ضرورت تفکیک مصوبات پژوهشی و طرح‌ها از مصوبات مرتبط با تحصیلات تکمیلی در صورتجلسات پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مطرح شد. براساس دیدگاه‌ها و گفت‌وگوهای صورت گرفته در جلسه مقرر شد ضمن تفکیک صورتجلسات این شوراهای پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ذی‌نفع، صرفاً اعضای عضو شورای علمی صورتجلسات را امضاء کنند.

بررسی و تصویب طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری

سپس مطابق دستور جلسه مقرر شورا، طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان دوره دکتری پژوهشگاه مورد بحث و تبادل نظر اعضا قرار گرفت. در این بخش از جلسه، ابتدا طرح‌نامه اصلاح شده پیشنهادی خانم «مولود مدنی»، دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی از پژوهشگاه زبان و ادبیات که به بررسی سیر تطور زبان‌های تاریخی در ایران اختصاص داشت، مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات صورت گرفته مطابق دیدگاه‌های مطرح شده در جلسه پیشین شورا، به تصویب اعضای شورا رسید.

سپس طرح‌نامه پیشنهادی خانم محبوبه سیدصالحی دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی از پژوهشگاه زبان و ادبیات که به پژوهشی در زمینه سلوک عاشقانه در متون نثر عرفانی می‌پرداخت، بررسی شد. در بخش پایانی جلسه نیز طرح‌نامه پیشنهادی سیدامیرحسین موسوی، دانشجوی رشته فلسفه علم و فناوری از پژوهشگاه تاریخ و فلسفه علم مورد بحث و تبادل نظر اعضای شورا قرار گرفت که به پژوهش درباره مناقشه‌های پزشکی از منظر فلسفه علم اختصاص داشت.

در این بخش پس از حضور دانشجویان نامبرده در جلسه شورا و تشریح موضوع و مسائل مورد بررسی، فرضیه‌ها و اهداف پژوهش خود، اعضای شورا دیدگاه‌ها و نکات خود را در ارتباط با موضوع رساله و ابعاد مختلف طرح‌نامه پیشنهادی مطرح

و دانشجویان به سؤالات مطرح شده از سوی اعضای شورا پاسخ دادند. براساس مباحث صورت گرفته و مطابق نظر اعضای شورا پیشنهاد شد اصلاحاتی در طرح‌نامه پیشنهادی دانشجویان در محورهای مختلف شامل اصلاح عنوان طرح‌نامه‌ها؛ سؤالات؛ فرضیه‌ها؛ اهداف پژوهش و... صورت پذیرد



در سی‌وهشتمین جلسه شورای پژوهشی صورت گرفت:

تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

سی‌وهشتمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه ۲۶ تیر ماه، در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اعضای شورا برگزار شد. در این جلسه علاوه بر تنفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف و ب) و گروهی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه‌های مختلف پژوهشگاه؛ برخی دیگر از طرح‌های تألیفی پیشنهادی مرتبط با طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران» نیز به تصویب اعضای شورای پژوهشی رسید. همچنین در بخش دیگری از جلسه شورا، پس از حضور دکتر رضا غلامی، رئیس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ارائه توضیحاتی درباره فرایندهای برگزاری و بخش‌های مختلف جشنواره بین‌المللی فارابی، اعضای شورا پیشنهادها و دیدگاه‌های خود را درباره حضور فعالانه و پررنگ‌تر اعضای پژوهشگاه و اندیشمندان علوم انسانی در این جشنواره مطرح کردند.

تأکید بر مواجهه منطقی، صادقانه و مبتنی بر خرد جمعی با مسائل و پرهیز از سیاسی و جناحی کردن اختلاف‌نظرها
در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از درود و صلوات بر پیامبر خاتم صل... علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، اعاده مالکیت یکی از املاک پژوهشگاه در تهران را به همکاران پژوهشگاه تبریک گفت. رئیس پژوهشگاه در ادامه بر اهمیت جایگاه گفت‌وگوی منطقی و متناسب با شأن و جایگاه مورد انتظار از اعضای پژوهشگاه در مواجهه با مسائل مورد اختلاف تأکید کرد و ادامه داد: اختلاف نظر میان انسان‌ها از جمله اعضای پژوهشگاه امری طبیعی است اما آنچه اهمیت دارد و باید مورد توجه قرار گیرد، نحوه مواجهه با این اختلاف‌نظرهاست تا ضمن جلوگیری از تعمیق و گسترش آن به صورت‌های نادرست و غیرشفاف، راهکاری برای رفع آن بیابیم. یکی از اختلاف‌نظرهای مطرح شده در مورد ساختار پژوهشگاه‌ها و گروه‌های مختلف پژوهشگاه است. چنان‌که در جلسات پیشین شورا نیز ضمن بحث از اولویت‌های پژوهشی مشخص شد، شکل‌گیری و وضعیت موجود پژوهشگاه‌ها و مراکز مختلف در پژوهشگاه براساس سلیقه شخصی بوده است و نه یک رویه منطقی و علمی. از آنجا که از سوی برخی اعضای پژوهشگاه نقدهایی به ساختار فعلی پژوهشگاه‌ها و مراکز و گروه‌های آنها مطرح شده است و اینکه در برخی پژوهشگاه‌ها و مراکز، گروه‌های علمی به صورت نامتوازن یا اعضای هیأت علمی با تخصص‌های مختلف حضور دارند، این مسئله منجر به شکل‌گیری اختلاف‌نظرهایی در ساختار یکی از پژوهشگاه‌ها شده است. دکتر نجفی بر طرح علمی این اختلاف‌نظر و بررسی آن در نشست آتی سلسله‌نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی تأکید کرد: در این نشست دیدگاه‌ها و نظرات نمایندگان اعضای گروه‌های مختلف به صورت علمی و متناسب با شأن و جایگاه پژوهشگاه طرح خواهد شد. علاوه بر این نشست علمی، ضرورت دارد کمیته‌ای با حضور برخی از اعضای شورای پژوهشی به منظور بررسی دیدگاه‌ها و پیشنهادات مختلف این افراد تشکیل شده و نتیجه آن به شورای پژوهشی به منظور تصمیم‌گیری مبتنی بر خرد جمعی منعکس شود.



وی با نقد سیاسی کاری‌ها در برخورد با اختلاف‌نظرهای طبیعی مختلف اعم از علمی یا اداری و طرح موضوع در فضای خارج از پژوهشگاه ادامه داد: تلاش و سیاست مدیریت پژوهشگاه همواره بر برخورد شفاف و صادقانه با مسائل مختلف علمی یا اداری و پرهیز از نگاه سیاسی یا جناحی بوده است و همواره بر تصمیم‌گیری مبتنی بر خرد جمعی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های مختلف به‌ویژه اعضای شورای پژوهشی تأکید شده است. چنین رویکردی در برخی مسائل گذشته نتایج مثمرتر و خوبی داشته است و در مسائل مختلف نیز چنین رویه‌ای ادامه خواهد یافت.



تنفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

در بخش بعدی جلسه عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف) پیشنهادی اعضای هیأت علمی از پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه توسط دکتر معین‌زاده قرائت و پس از توضیح و تبیین رئیس پژوهشکده ذی‌ربط درباره برنامه پیشنهادی، با توجه به طرح نکاتی از سوی اعضای شورا، تنفیذ برنامه پژوهشی مشروط به انجام اصلاحات و تأیید از سوی معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی شد.

همچنین دکتر مهدی معین‌زاده، مدیر پژوهشی پژوهشگاه، عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف و ب) و گروهی پیشنهادی اعضای هیأت علمی از پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی مختلف پژوهشگاه از جمله پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات؛ پژوهشکده اخلاق و تربیت؛ پژوهشکده اقتصاد؛ و پژوهشکده زبان و ادبیات را قرائت و اعضای شورا با تصویب و تنفیذ برنامه‌های پژوهشی پیشنهاد شده موافقت کردند. همچنین در این بخش از جلسه شورا، دو برنامه پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه ذیل طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران» نیز به تصویب اعضای شورا رسید.

بررسی راهکارهای حضور فعالانه و پررنگ‌تر پژوهشگاه در جشنواره بین‌المللی فارابی

در بخش پایانی جلسه شورا، با حضور دکتر رضا غلامی، رئیس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ارائه توضیحاتی از فرایندهای برگزاری و بخش‌های مختلف جشنواره بین‌المللی فارابی، اعضای شورا پیشنهادها و دیدگاه‌های خود را درباره حضور فعالانه و پررنگ‌تر اعضای پژوهشگاه و اندیشمندان علوم انسانی در این جشنواره مطرح کردند. دکتر غلامی ضمن تشریح ساختار و تاریخچه برگزاری جشنواره بین‌المللی فارابی در طول سالیان مختلف گفت: این جشنواره از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ویژه علوم انسانی و علوم اسلامی از سال ۱۳۸۶ به صورت سالانه برگزار شده است. دبیرخانه جشنواره در پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی قرار دارد و سالانه بین سه تا پنج هزار اثر در سامانه مربوط به معرفی آثار جهت طی کردن فرایندهای مختلف ارزیابی ثبت می‌شود.

وی ادامه داد: جشنواره در دو سطح جوان و بزرگسال به دریافت، بررسی و انتخاب آثار برگزیده می‌پردازد و علاوه بر این بخش از پیشکسوتان علوم انسانی ایران؛ شخصیت‌های پیشرو در حوزه علوم انسانی ایران؛ مترجم برتر و تاثیرگذار در حوزه اهداف جشنواره؛ انجمن علمی برتر؛ و نشریه علمی پژوهشی برتر نیز قدردانی می‌شود. همچنین اندیشمندان غیرایرانی فعال و دارای آثار پژوهشی در زمینه ایران، ادبیات فارسی و ایران‌شناسی نیز شناسایی و از آنان قدردانی می‌شود. بیشترین اهتمام این جشنواره به شناسایی نوآوری‌های علمی در حوزه علوم انسانی و علوم اسلامی است و در وهله اول به دنبال قدردانی از اندیشمندانی است که در این حوزه کار علمی ممتاز کرده‌اند. رئیس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به برخی فوائد و آثار جانبی جشنواره نیز اشاره کرد و گفت: با توجه مشارکت بسیاری از اندیشمندان و اصحاب علوم انسانی در این جشنواره، آگاهی از آخرین وضعیت و پیشرفت‌های پژوهش و نوآوری در حوزه علوم انسانی براساس اطلاعات به دست آمده در جشنواره قابل ارزیابی است. این ارزیابی به رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی این امکان را می‌دهد تا نسبت به سیاست‌گذاری و جهت‌دهی به فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود برنامه‌ریزی لازم را صورت دهند. علاوه بر این، امکان حمایت از نخبگان برای نیل به نقطه مطلوب در پروژه‌های علمی آنان نیز فراهم می‌شود.



دکتر غلامی به برخی تفاوت‌های جشنواره امسال با سال‌های گذشته اشاره کرد و گفت: با تصویب افزایش جوایز جشنواره در کمیته‌های مختلف علمی و تأیید و حمایت وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری، جوایز جشنواره در سال جاری نسبت به سال‌های گذشته افزایش قابل قبولی داشت. با توجه به قبول و تصویب پیشنهاد اعطای جایزه علمی پژوهشی در زمینه صلح و دوستی، این جایزه نیز به سایر جوایز جشنواره در زمینه آثار پژوهشی مرتبط با صلح و دوستی افزوده شد. با توجه به حساسیت و تأکید وزارت علوم مبنی بر مشارکت دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و انجمن‌ها در طرح‌های بین‌المللی، جایزه دیپلماسی علمی نیز به جوایز این دوره افزوده شد که با توجه به تعریف و ابلاغ شاخصه‌ها و معیارهای مختلف آن، به فعال‌ترین مرکز در این زمینه اختصاص یافت. در ادامه اعضای شورای پژوهشی پژوهشگاه نیز سؤالات، پیشنهادها و دیدگاه‌های خود را درباره فرایندهای مختلف برگزاری جشنواره و حضور فعالانه و پررنگ‌تر اعضای پژوهشگاه و اندیشمندان علوم انسانی در این جشنواره مطرح کردند. از مهم‌ترین محورهای موردنظر اعضای شورای پژوهشی تأکید بر برنامه‌ریزی برای کشف آثار برجسته و ایجاد سازوکارهای آن در دبیرخانه جشنواره و گروه‌های علمی آن؛ تقویت بخش بین‌الملل جشنواره و... بود.

تمدید تفاهم‌نامه همکاری پژوهشگاه علوم انسانی با مؤسسه تولیت شمس تبریزی و مفاخر خوی

تفاهم‌نامه بین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مؤسسه تولیت شمس تبریزی و مفاخر با موضوع گسترش فعالیت‌های علمی شمس پژوهی و مولوی‌شناسی به مدت پنج سال دیگر تمدید شد. این تفاهم‌نامه با موضوع همکاری در برگزاری همایش‌های بین‌المللی شمس و مولانا، راه‌اندازی میز مطالعات فرهنگی با محوریت شمس و مولانا، همکاری در طراحی و اجرای طرح‌های کلان ملی در حوزه‌های تخصصی و بینارشته‌ای شمس پژوهی و مولوی‌شناسی، ایجاد زمینه مناسب برای استفاده طرفین از تولیدات علمی و نشر مشترک کتاب و نشریات و ویژه‌نامه‌های علمی است که از سال ۱۳۹۶ آغاز و برای بار دوم به دلیل ارزیابی موفق آن، ۱۸ تیرماه تمدید شد.



در آئین امضای این تفاهم‌نامه که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، حجت الاسلام والمسلمین قاسم‌خانی، امام جمعه خوی و رئیس هیأت مدیره تولیت شمس تبریزی، با اشاره به تاریخ دیرینه علمی و فقهی شهرستان خوی گفت: خوی از دیر باز سرزمین علم و ادب و عرفان اسلامی بوده است و این شهر خاستگاه علمی دین پژوه و فقیهی عارف و مرجعی عالی‌قدر چون حضرت آیت‌الله‌العظمی خویی است که تلاش‌های علمی وی دنیا را متحول کرده است.

وی در ادامه با اشاره به اهداف ارتباطات علمی و پژوهشی مؤسسه تولیت شمس تبریزی و مفاخر خوی با مراکز معتبر علمی و پژوهشی داخل و خارج از کشور گفت: پژوهشگاه به‌عنوان نهاد مرجع علمی کشور در حوزه علوم انسانی و فرهنگ، موجب غنای برنامه‌های مؤسسه تولیت شمس تبریزی و مفاخر در برگزاری همایش‌ها شده است. در ادامه نشست دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با تأکید بر بازتعریف اهمیت شمس پژوهی و مولوی‌شناسی بر اساس مبانی انقلاب اسلامی ایران گفت: در داخل پرداختن به شمس عمق هویتی برای کشور ایجاد می‌کند و در بیرون از مرزهای ایران عمق تمدنی کشورمان را بیشتر آشکار می‌کند.

دکتر نجفی افزود: با اقدامات علمی و فرهنگی شایسته باید در مجموعه هویتی و تمدنی ایران اسلامی جایگاه شمس به خوبی تبیین شود چراکه شمس تنها جریان علمی نیست بلکه جریان ایدیولوژیک نیز دارد. این استاد تاریخ در ادامه با اشاره به تاریخ خوی و غنای آن در میان فرهنگ‌ها و علوم گفت: خوی در تاریخ عظمتی دارد که متأسفانه به خوبی تبیین نشده است و شمس می‌تواند بخشی از این تاریخ را شفاف‌تر کند.

در این جلسه دکتر محمدرضا پیری، عضو هیأت‌مدیره تولیت شمس تبریزی و مفاخر و رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر خوی، دکتر حسین شرفخانلو عضو هیأت مدیره و معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی شهرداری خوی، دکتر مهدی معین‌زاده عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر علمی نهمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا و دکتر فرزانه اعظم لطفی عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و مدیر امور بین‌الملل همایش شمس و مولانا و دکتر فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز در خصوص رویداد بین‌المللی شمس و مولانا مطالبی بیان کردند و جعفرپور، رئیس نهمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا و مدیرعامل مؤسسه تولیت شمس تبریزی و مفاخر خوی، هم‌گزارشی از فعالیت‌های تفاهم‌نامه اول تولیت شمس تبریزی و پژوهشگاه ارائه داد. در بخش پایانی جلسه نیز تفاهم‌نامه یاد شده برای بار دوم به مدت پنج سال دیگر امضا و مبادله شد.

پیش‌نشست اول همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها»:

بررسی علل و ریشه‌های تورم در ایران

پیش‌نشست اول همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» با عنوان «بررسی علل و ریشه‌های تورم در ایران»، ۲۵ تیرماه در محل سالن ادب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی توسط پژوهشکده اقتصاد برگزار شد.

در این نشست، دکتر جلال منتظری، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر نشست، ضمن خیر مقدم به حضار در سالن و برخط، اشاره کوتاهی به اهداف همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» و نسبت اولین پیش‌نشست با اهداف همایش داشت و سپس دکتر تیمور رحمانی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران نیز سخنان خود را با عنوان «تورم ماندگار و جهش‌های تورمی در اقتصاد ایران» ارائه کرد.

تورم ماندگار و جهش‌های تورمی در اقتصاد ایران

دکتر رحمانی در ابتدا بر لزوم فهم تمایز متوسط تورم و جهش‌های تورمی تأکید کرد و گفت: درک قابل قبول از چگونگی ایجاد و حتی درمان تورم مستلزم تمییز آنچه متوسط تورم یا تورم بلندمدت ایران را شکل می‌دهد از آنچه به صورت مقطعی اسباب جهش تورم را فراهم می‌آورد، است. وی بررسی درخصوص تورم در ایران را حامل سه یافته مهم دانست که فهم هر یک از آن‌ها حائز اهمیت زیادی است: نخست، اقتصاد ایران از سال ۱۳۵۰ تاکنون متوسط نرخ تورم بالایی داشته است، به طوری که متوسط ساده نرخ تورم در ایران طی این دوره ۲۰ درصد بوده است؛ دوم، اقتصاد ایران از سال ۱۳۵۰ تاکنون، علاوه بر متوسط نرخ تورم بالا، نوسانات تورمی قابل توجهی داشته است؛ و سوم، اقتصاد ایران طی این مدت روند تورمی در مجموع صعودی داشته است.

این استاد برجسته حوزه اقتصاد پولی کشور، سپس، ضمن تأکید بر اهمیت آسیب‌شناسی تورم در ایران، به تشریح علل یافته‌های سه‌گانه اخیر پرداخت و در توضیح اینکه چرا متوسط تورم ایران بالاست، بیان کرد: «اقتصاد ایران بیش از توان تولید خود قدرت خرج کردن ایجاد می‌کند» و این امر را اصلی‌ترین علت تورم‌های بالا در ایران قلمداد کرد. وی در توضیح یافته دوم و اینکه چرا تورم ایران دچار نوسانات قابل توجه است، تحمیل شوک‌های برونزای خارج از قلمرو اقتصاد به اقتصاد ایران را عامل اصلی دانست و در نهایت، در پاسخ به اینکه چرا روند تورم ایران صعودی بوده، توضیح داد که اقتصاد ایران طی دهه‌ها به تدریج با افزایش حجم ناترازی‌ها در بخش‌های مختلف مواجه شده است.



دکتر رحمانی ماجرای تورم ۵۲ ساله ایران را این‌گونه خلاصه کرد که «تقریباً علت متوسط تورم بالا یا به اصطلاح تورم بلندمدت ایران ایجاد توان خرج کردن فراتر از توان تولید اقتصاد ایران از طریق بودجه و فرابودجه دولت و همچنین از طریق توسل به توان خلق اعتبار بانکها و مدارای مقرراتی با نظام بانکی بوده است». نکته مهم دیگر سخنرانی وی تأکید بر تفاوت عامل مسلط تورم بلندمدت و جهش تورمی و ماهیت متفاوت این دو بود. وی تأکید کرد: عامل مسلط متوسط تورم یا تورم بلندمدت، که همان ایجاد توان خرج کردن فراتر از توان تولید اقتصاد ایران است و خود را در رشد بسیار بالای نقدینگی نسبت به رشد اقتصادی نشان می‌دهد، به تدریج تورم ایجاد می‌کند یا شروع به تشدید آن می‌کند، درحالی‌که عامل مسلط جهش‌های تورمی ایران، یعنی جهش برون‌زای نرخ ارز، به سرعت اسباب تشدید تورم را فراهم می‌سازد.

دکتر رحمانی، درنهایت به این پرسش اساسی پرداخت که چه‌زمانی متوسط تورم شروع به کاهش خواهد کرد. به باور وی، تنها هنگامی متوسط تورم یا تورم بلندمدت ایران شروع به کاهش می‌کند که متوسط رشد نقدینگی کاهش یابد و این تنها در صورتی رخ می‌دهد که ایجاد توان خرج کردن فراتر از توان تولید متوقف یا کند شود و این مهم نیز تنها در صورتی رخ می‌دهد که بازی تخصیص منابع اقتصاد ایران دچار دگرگونی اساسی شود.

نفرین منابع، بیماری هلندی و تورم در اقتصاد ایران

در ادامه نشست دکتر منتظری، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و معاون اقتصادی اداره‌کل امور اقتصادی و دارایی استان تهران به ارائه با موضوع «نفرین منابع، بیماری هلندی و تورم در اقتصاد ایران» پرداخت.

دکتر منتظری، ضمن توضیح نظریه نفرین منابع بر این نکته تأکید کرد: عملکرد اقتصادی ضعیف بسیاری از کشورهای نفتی و عدم حضور اکثر کشورهای با وفور منابع طبیعی و نفت در زمره کشورهای توسعه‌یافته خط بطلانی است بر این انتظار که درآمدهای حاصل از منابع طبیعی منتج به حرکت سریع در مسیر پیشرفت و توسعه می‌شود. وی با تأکید بر اینکه «ایده اصلی نظریه نفرین منابع عملکرد اقتصادی ضعیف‌تر کشورهای دارای منابع طبیعی غنی در بلندمدت است»، مهم‌ترین مکانیسم‌های اثرگذاری منفی وفور منابع طبیعی بر اساس این نظریه را شامل بیماری هلندی، افزایش رانت جویی و فساد مالی، کاهش سرمایه‌انسانی و کاهش میل به پس‌انداز، و سرمایه‌گذاری در کشورهای دارای رانت عظیم منابع طبیعی دانست و ادامه داد: بر اساس نظریه نفرین منابع، آثار احتمالی وفور منابع طبیعی می‌تواند منتج به افزایش نقدینگی و تورم، بروز تورم بالا در بخش تولیدات غیرتجاری، کاهش رقابت‌پذیری بخش صنعتی و تولیدات، رشد نامتوازن اقتصادی، کاهش رشد اقتصادی بلندمدت، افزایش فعالیت‌های سوداگرانه و نامولد، وابستگی بودجه به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و افزایش فساد و عدم‌پاسخ‌گویی و شفافیت شود.



عضو هیأت علمی پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سپس، با بررسی کارنامه اقتصادی کشورهای پیشرو در سراسر جهان بر اساس ارزش منابع طبیعی، یعنی کشورهای روسیه، آمریکا، عربستان، کانادا، ایران، چین، برزیل، استرالیا، عراق، نروژ و هند، تاکید کرد: لزوماً برخورداری از منابع عظیم طبیعی به معنی عملکرد اقتصادی ضعیف‌تر این کشورها نیست و ریشه اصلی مشکلات ظاهرشده در برخی از کشورهای برخوردار از منابع طبیعی مدیریت ضعیف این منابع است؛ در واقع، مدیریت ضعیف زمینه‌ساز تبدیل منابع به نفرین و مدیریت درست و سالم زمینه‌ساز تبدیل منابع به موهبت در کشورهاست.

در ادامه، دکتر منتظری بر اساس گزارش‌های سال ۲۰۲۲ بانک جهانی، به بررسی نرخ‌های تورم در کشورهای جهان پرداخت و بیان کرد: هشت کشور در دنیا (۳/۸٪ کشورهای دنیا) تورم بالای ۴۰ درصد، ۱۰ کشور در دنیا (۴/۸٪) تورم بین ۲۰ تا ۳۵ درصد و ۹۱/۲٪ کشورهای دنیا در سال ۲۰۲۲ تورم پایین ۲۰ درصد را تجربه کرده‌اند. بر این اساس، وی نتیجه‌گیری کرد که نمی‌توان تورم را یک بحران جهانی قلمداد کرد.

الگوی برای صندوق ذخیره ارزی کشور

منتظری باتوجه به عملکرد مطلوب کشور نروژ در هدایت صحیح منابع ناشی از فروش منابع طبیعی و نفت، به‌طور ویژه بر تجربه این کشور متمرکز شد. به‌طور کلی، شش سیاست کلی، هوشمندانه و درعین‌حال دوراندیشانه کشور نروژ در مدیریت منابع نفت یعنی سیاست‌های درس از گذشته، شفاف‌سازی عملکرد صندوق ذخیره ارزی کشور از طریق انتشار گزارش‌های فصلی برای عموم مردم، سرمایه‌گذاری وجوه صندوق در دیگر کشورها، حق برداشت ممنوع از صندوق ذخیره ارزی، توجه به کارآفرینی و سودآوری بلندمدت و استفاده از سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های صندوق ذخیره ارزی جهت تأمین تعهدات بلندمدت دولت در صندوق بازنشستگی، می‌تواند راهنمای خوبی برای صندوق ذخیره ارزی کشور ما باشد.

دکتر منتظری در نهایت با تأکید بر اینکه منابع عظیم حاصل از فروش نفت و گاز متعلق به همه نسل‌های کشور است و همه نسل‌ها باید از مزایای آن بهره‌مند شوند، به ارائه پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد صندوق ذخیره ارزی کشور پرداخت و عدم امکان تغییر قوانین منابع و مصارف، ایجاد واحد سازمانی مناسب جهت حضور در بازارهای بین‌المللی، عدم دخالت دولت در مدیریت صندوق، انتقال تمامی منابع حاصل از نفت و گاز به صندوق و تعیین سهم بودجه از این محل و ممنوعیت برداشت از اصل منابع صندوق را به‌عنوان برخی از راهکارهای اساسی برای جلوگیری از هدررفت منابع عظیم حاصل از فروش نفت و گاز در کشور مطرح کرد.



عملیات بودجه‌ای و فرابودجه‌ای دولت و آثار آن بر پایداری تورم در ایران

سومین سخنرانی نشست توسط دکتر ابراهیم صیامی، مدیرکل آینده پژوهشی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، با عنوان «عملیات بودجه‌ای و فرابودجه‌ای دولت و آثار آن بر پایداری تورم در ایران» ارائه شد.

دکتر صیامی ضمن بررسی روند تورم در ایران از سال ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۱، بیان کرد: اقتصاد ایران تا قبل از دوره ۱۴۰۱-۱۳۹۸، هیچ‌گاه نرخ تورم بالای ۴۰ درصد را برای چهار سال متوالی تجربه نکرده بود. وی در بررسی سهم گروه‌های مختلف از تورم سال ۱۴۰۱، نشان داد که بیشترین سهم به گروه‌های «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها»، «مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها» و «حمل و نقل» به ترتیب با ۴۰،۳، ۲۶،۲ و ۹،۱ درصد اختصاص داشته است. وی همچنین با مقایسه این ارقام با سهم گروه‌های مختلف از نرخ تورم سال ۱۴۰۰، بیان کرد که سهم گروه «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها» و گروه «مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها» افزایش یافته است.

مدیرکل آینده پژوهشی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی کشور با اشاره به اینکه «سطوح تورم بالا به‌همراه نااطمینانی زیاد باعث پایداری تورم در اقتصاد ایران شده است»، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پایداری تورم را شامل عدم‌اعتبار کامل سیاست‌گذار پولی، انتظارات تورمی و مشکلات نظام بودجه‌ریزی کشور دانست.

دکتر صیامی با تمرکز بر نظام بودجه‌ریزی در کشور، بیان کرد: درآمدهای نفتی، فروش اموال منقول و غیرمنقول و درآمد ناشی از واگذاری‌ها (خصوصی‌سازی) منابع ناپایدار بودجه عمومی هستند که زمینه‌ساز تشدید کسری بودجه دولت طی سال‌های اخیر شده‌اند. وی، ضمن تأکید بر لزوم ابتناء بر پیش‌بینی‌های دقیق‌تر برای بودجه‌ریزی، منابع و مصارف تبصره ۱۴ بودجه را مورد بررسی قرار داد و درنهایت به ارائه راهکارهای کوتاه‌مدت برای کنترل تورم در حوزه عملیات بودجه‌ای و فرابودجه‌ای دولت از جمله: استفاده دولت از منابع تن‌خواه‌گردان منوط به ارائه اوراق مالی اسلامی درون‌سالی توسط دولت؛ جلوگیری از مصوبات دارای بار مالی و آثار تورمی در دستگاه‌های مختلف دولتی؛ ممنوعیت وضع تکالیف اعتباری فرابودجه‌ای بر نظام بانکی و تعیین سقف تضمین‌نامه‌های فرابودجه‌ای صادره توسط سازمان برنامه و بودجه در چهارچوب برنامه پولی؛ پرهیز از ایجاد بدهی ارزی بخش دولتی به بانک مرکزی و عدم استفاده از منابع ریالی بانک مرکزی در ازای منابع غیر قابل دسترس ارزی؛ برنامه کاهش ناترازی صندوق‌های بازنشستگی به‌منظور کنترل اضافه برداشت بانک رفاه کارگران و احصای بدهی‌ها و تعهدات بخش دولتی به بانک‌ها و بانک مرکزی اشاره کرد.

درنهایت، نشست پس از پرسش و پاسخ حضار و جمع‌بندی توسط دبیر نشست خاتمه یافت.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۴۶>



تبادل، نگاهی متفاوت به سلامت روان

سخنرانی «تبادل، نگاهی متفاوت به سلامت روان» توسط دکتر مرجان جعفری‌روشن (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد، تهران مرکز)، ۲۱ تیرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار و ارائه شد. سازمان بهداشت جهانی، سلامت روان را حالتی از بهزیستی روانی تعریف کرد که افراد را قادر می‌سازد با استرس‌های زندگی کنار بیایند.



در ابتدای جلسه دکتر اسماعیل ناصری، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، منشأ جنبش بهداشت روانی را به کار کلیفورد بیرز در ایالات متحده نسبت داد و گفت: در سال ۱۹۰۸ بیرز کتاب ذهنی که خود را باز یافت را منتشر کرد، کتابی مبتنی بر تجربه شخصی‌اش در مورد پذیرش در سه بیمارستان روانی آمریکا بود. این کتاب یک پیامدهای عالی داشت و در همان سال انجمن بهداشت روانی در آمریکا تأسیس شد. توجه تخصصی به سلامت روان به‌عنوان یک زمینه یا رشته قبل از سال ۱۹۴۶ قابل توجه نبوده است و به‌نظر می‌رسد توجه جدی علمی به آن مقارن با تأسیس سازمان بهداشت جهانی است. توجه افزایش یافته به مفهوم سلامت روان در دهه‌های پایانی قرن بیستم منجر به شکل‌گیری و برگزاری روز جهانی سلامت روان در دهم اکتبر، مصادف با ۱۸ مهرماه هر سال شد. در سال ۲۰۲۲ سازمان بهداشت جهانی سلامت روان را حالتی از بهزیستی روانی تعریف کرد که افراد را قادر می‌سازد با استرس‌های زندگی کنار بیایند، توانایی‌های خود را درک کنند، خوب یاد بگیرند و خوب کار کنند و به جوامع خود کمک کنند.

دکتر ناصری تأکید کرد: سلامت روان جزو لاینفک سلامت و بهزیستی است و چیزی بیشتر فقدان اختلالات روانی است. همچنین این سازمان افراد برخوردار از سلامت روان را حائز چهار ویژگی توانمند در برقرار ارتباط، کارکرد مؤثر در زندگی، توانمند در کنار آمدن با استرس‌های زندگی، و زندگی رو به‌رشد داشتن می‌داند. سلامت روانی بر نحوه فکر، احساس و عمل تأثیر می‌گذارد و زیربنای توانایی ما در تصمیم‌گیری، ایجاد روابط و شکل دادن به دنیایی است که در آن زندگی می‌کنیم. سلامت روانی یک حق اساسی برای بشر است و در توسعه شخصی، جامعه، اقتصاد و اجتماع نقش بسیار مهمی دارد. این بخشی از ماست، همیشه، حتی وقتی ما به آن فکر نمی‌کنیم.

تبادل انسان فقط به تبادل روانی هوشیارانه محدود نمی‌شود

در ادامه دکتر جعفری‌روشن سخنان خود را آغاز کرد و گفت: مفاهیم ما و سازه‌های علمی زیربنای برنامه‌های مداخلاتی هستند. برنامه‌های سلامت روان براساس سازه‌های مناسب بهداشت روان می‌تواند از اتلاف منابع مالی و انسانی جلوگیری کنند و در این رویکرد ما در پی آن هستیم تعریفی ارائه دهیم که هم جامعه و هم فرد را متأثر سازد. در این تعریف، ما تعریف سلامت روان سازمان بهداشت جهانی را پذیرا هستیم اما در آن فضیلت عدالت به‌صورت جدی مورد توجه قرار داده شده است. عدالت مفهومی است که در آن هم آرامش/رضایت و هم بهره‌وری (عملکرد مثبت) لحاظ می‌شود و این فضیلت در مفهوم تبادل مهمترین رکن این تعریف منعکس شده است.

این تعریف با تأکید قرآن و ادیان توحیدی بر عدالت همسو است. همچنین با برخی از پژوهش‌های روان‌شناختی، در چند دهه اخیر و نیز با مفهوم سلامت روان در کشورهای مثل چین یا شیلی همسو است. همچنین تأکید بر تعادل و عدالت مورد نیاز فرهنگ رابطه‌گرای ما در ایران است. فرهنگی که در بسیاری از موارد باعث بی‌توجهی به ضوابط شده است و رابطه‌گرایی ایلی و عشیره‌ای را مورد توجه قرار داده است.



دکتر جعفری روشن افزود: این کار تعادل روانی به‌عنوان وضعیتی تعریف شده است که حاصل فرآیندهای خودتنظیمی مانند تاب‌آوری است. این وضعیت، رضایت یا آرامش نسبی و عملکرد مثبت نسبی را برای فرد فراهم می‌سازد و نیازمند توانمندی‌های ذهنی و ارزش‌های متعددی از جمله عدالت است. تعادل انسان فقط به تعادل روانی هوشیارانه محدود نمی‌شود بلکه انسان را چندبعدی لحاظ می‌کند و تعادل جسمانی، معنوی، اجتماعی و خودتنظیمی در بعد زمان را نیز لحاظ می‌کند.

وی در خاتمه سخنانش تفاوت دیدگاه تعادل در سلامت روان و نیز رویکرد «سلیگمن» در سلامت روانی مثبت را طرح و تفاوت‌های این دو دیدگاه را برجسته کرد. همچنین مباحثی در زمینه کتب خودیاری در رابطه با بالانس و تعادل مطرح شد، ولی در این رویکرد هنوز نیازمند ورود جدی علمی در این رابطه هستیم و بایستی جدی‌تر آن را در حیطه‌های سیاست‌گذاری لحاظ کنیم.



نگاهی به تاریخ نهاد دانشگاهی علوم قرآن و حدیث و وضعیت دانش‌آموختگان

نشست «نگاهی به تاریخ نهاد دانشگاهی علوم قرآن و حدیث و وضعیت دانش‌آموختگان» ۲۹ خرداد، توسط پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست متخصصین درباره تاریخچه رشته علوم قرآن و حدیث در ایران و بررسی وضعیت و سرنوشت فارغ‌التحصیلان این رشته بعد از اتمام دانشگاه نظرات و ایده‌های خود را ارائه کردند. هدف از برگزاری این نشست، ارائه گزارشی از پژوهش انجام شده درباره سیر تحول برنامه‌های آموزشی رشته علوم قرآن و حدیث در بازه زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵، توصیف نهادها و رویدادهای علمی، و گزارش پژوهش پیمایشی درباره وضعیت شایستگی‌ها و توانمندی‌های حرفه‌ای دانش‌آموختگان رشته بود.



در ابتدای نشست دکتر مریم قبادی، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات قرآنی، به ذکر تاریخچه پیدایش این رشته در دانشگاه‌های کشور پرداخت و خلاصه‌ای از عنوان و گرایش‌های رشته از بدو ایجاد تا به امروز ارائه داد. سپس دکتر هادی رهنما، دیگر عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات قرآنی، سخنان خود در مورد برنامه درسی رشته علوم قرآن و حدیث را آغاز کرد و چشم‌اندازی از پروژه مربوطه را برای مخاطبان ترسیم کرد. بنابر گفته وی، اطلاعات موجود در پژوهش بر اساس اطلاعات ثبت شده در وبگاه وزارت علوم است. دکتر رهنما با بررسی این رشته و گرایش‌های ارشد و دکتری آن، به بررسی نهاد (دولتی-حوزوی) متولی هر رشته پرداخته و افزود: تفاوت تعداد گرایش‌های منسوخ و فعال، خود تکثر معناداری دارد. وی در ادامه تأکید کرد: در گرایش‌های مختلف رشته علوم قرآن و حدیث، لفظ معارف (همچون علوم و معارف نهج‌البلاغه) باید قید شود، تا ارزش رشته حفظ شود. دکتر رهنما همچنین با پرداختن به کمیت و کیفیت همایش‌های برگزار شده در حیطه این رشته، به صحبت خود خاتمه داد.

در ادامه دکتر مریم برادران، عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی و علوم تربیتی دانشگاه امام صادق (ع)، با ارائه نتایج تحقیقاتش در زمینه میزان شناخت دانشجویان و مردم از رشته علوم قرآنی گفت: حتی بسیاری از افرادی که در رشته علوم قرآنی درس می‌خوانند، اطلاع دقیقی نسبت به زوایا و هدف کلی رشته ندارند و گاه به اجبار به این رشته ورود پیدا کرده‌اند.

در انتهای نشست، جلسه پرسش و پاسخی برگزار شد.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۲۴>

مطالبات اجتماعی زنان پس از مشروطه؛ تأملی بر نشریه عالم بانوان

سخنرانی دکتر سمیه سادات شفیعی با عنوان «مطالبات اجتماعی زنان پس از مشروطه؛ تأملی بر نشریه عالم بانوان»، دهم تیرماه، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

دکتر شفیعی، مدیر گروه جامعه‌شناسی تاریخی در ابتدا ضمن خیر مقدم به حضار برخط (آنلاین)، این جلسه را آغاز سلسله سخنرانی‌هایی دانست که با همکاری گروه جامعه‌شناسی تاریخی نظری و ادیان پژوهشکده مطالعات اجتماعی با همکاری گروه مطالعات زنان انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات برگزار خواهد شد که بیشتر به موضوع زنان و جنسیت در دوران معاصر با نگاه تاریخ اجتماعی خواهد پرداخت.

وی گفت: در نخستین جلسه، نشریه‌نامه بانوان به‌عنوان یکی از اولین نشریات زنان معرفی شد که با انتشار مداوم ۱۳ شماره از تیرماه ۱۲۹۹ توانست پیکره‌ای منسجم از متون مرتبط با وضعیت زنان و مطالباتشان را به ثبت برساند. هرچند انتشار نشریه پس از آن متوقف شد اما، تمرکز بر شماره‌های موجود به جهت قلت منابع مطالعاتی از یکسو و انسجام و تسلسل مباحث انتشار یافته، مغتنم شمرده می‌شود و قابل بررسی است.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادامه داد: تلاش شهناز آزاد در اوج جوانی برای بیان صدای زنان قابل تقدیر است و نامه بانوان در مقایسه با سایر نشریات زنان در این دوره از وجاهت کافی و وافی جهت بررسی روشمند برخوردار است.

دکتر شفیعی موضع این نشریه را در قبال وضعیت فرودستانه زنان در قالب گریز به عباراتی از نشریه ارائه و راه برون‌رفت آن را از منظر نشریه علم‌آموزی دانست و گفت: آنچنان‌که از مطالب مندرج در نشریه برمی‌آید علم‌آموزی تنها منوط به آموزش سواد نبوده، بلکه با نگاهی وسیع‌تر شامل کسب هنر، مهارت و صنعت نیز بوده است. شفیعی با ارجاع به گزیده‌های متن در بخش اصلی سخنرانی خود کوشید تا از ادله‌های مختلف نشریه برای دفاع از

ضرورت علم‌آموزی به‌عنوان کلید اصلی برون‌رفت از وضعیت حقارت‌بار زنان سخن گوید. از نظر او نشریه پنج نوع ادله در این زمینه به‌کار برده است و به‌عبارتی از پنج سوژه برای اثبات لزوم علم‌آموزی زنان احتجاج کرده است:

اول، به مبانی دین و سنت پیامبر اسلام (ص) دوم، به مباحث زیست‌شناسی و همسانی ظرفیت‌های استعدادی زنان و مردان سوم تمسک به نقش مادری زنان و ضرورت تجهیز آنان برای انجام رسالت تربیت فرزندان چهارم، امرار معاش زنان سرپرست خانوار پنجم، گام برداشتن در مسیر زدودن خرافات و پرهیز از آنها

دکتر شفیعی در خاتمه سخنانش شرح داد: این پویش نشریه نشان می‌دهد در وهله اول، این نشریه نیز مانند سایر جریان‌های روشنفکرانه مطبوعاتی در گفتمان وطن به‌مثابه مادر گام برداشته و نقش زنان را در ارتباط با پروژه ترقی و مدرن شدن ایران تعریف می‌کند.

دوم، هویت دینی زنان پیشرو و به اصطلاح فمینیسم آن زمانه را مشخص می‌سازد و نیز بارز بودن نامه بانوان در توجه داشتن و پرداختن به موضوعاتی چون وضعیت زنان سرپرست خانوار و نیز آسیب‌های اجتماعی زمانه از جمله فحشا و خرافه‌پرستی را نشان می‌دهد.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۰۷۳>

دکتر سمیه سادات شفیعی
پژوهشکده مطالعات اجتماعی
انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات برگزار می‌کند:

**مطالبات اجتماعی زنان پس از مشروطه؛
تأملی بر نشریه عالم بانوان**

سخنران:
دکتر سمیه سادات شفیعی
مدیر گروه پژوهشی جامعه‌شناسی تاریخی-نظری و ادیان

زمان برگزاری:
شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۲ ساعت: ۱۰ تا ۱۱

لینک مجازی نشست: <https://b2n.ir/u77492>

جَت طایفه‌ای در شرق هرمزگان؛ خوانشی قوم‌نگاری از منظر تاریخ اجتماعی

نشست علمی معرفی و نقد کتاب «جَت طایفه‌ای در شرق هرمزگان؛ خوانشی قوم‌نگاری از منظر تاریخ اجتماعی» به همت گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیا و انتشارات نشر و پژوهش شیرازه، چهارم تیرماه، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست «لی‌لا ملاحی» مؤلف کتاب و سخنرانان؛ ناصر فکوهی، زهره عطائی آشتیانی، صفورا برومند و فیروزه مهاجر حضور داشتند که هر یک با توجه به تخصص خود به مباحث کتاب و چگونگی تدوین آن اشاره کردند.



مروری بر کارنامه لی‌لا ملاحی، راوی حیات اجتماعی جَت‌ها

در ابتدای نشست، دکتر الهام ملک‌زاده، عضو هیأت علمی گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران و مدیر نشست، با محور «مروری بر کارنامه لی‌لا ملاحی، راوی حیات اجتماعی جَت‌ها»، ضمن معرفی اجمالی حوزه وظایف گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی و شأن برگزاری نشست حاضر با محور کتاب «جَت طایفه‌ای در شرق هرمزگان»، مطالبی در خصوص نویسنده کتاب و جامعه مورد پژوهش وی ارائه کرد. محور سخنان ملک‌زاده در ذیل مباحث محتوایی کتاب جَت، طایفه جَت‌ها در شرق هرمزگان و قوم‌نگاری روایی و شفاهی به قلم لی‌لا ملاحی بود. وی با تأکید بر این موضوع که قوم‌نگاری روایی و شفاهی مدنظر نویسنده کتاب، قومی را شامل شده که حیات اجتماعی ایشان در طول تاریخ، منحصر به تولید فرآورده‌های دامی و پرورش گاو، گاو میش، گوسفند و به‌ویژه شتر بوده که تا کمتر از یک قرن اخیر تنها وسیله حمل‌ونقل زمینی‌شان محسوب می‌شد. در واقع جَت‌ها، به اقتضای پیشه دامداری همواره در حاشیه شهرها و روستاها زندگی می‌کردند و طبیعی است که با این نحوه زیست و معیشت، کمتر دیده شده و به همین مناسبت زندگی و فرهنگ‌شان از دید پژوهشگران و مردم‌شناسان پنهان مانده است. تازگی محتوا و اهمیت این پژوهش، به واسطه حلاء اطلاعات ناشی از همین ناشناختگی تاریخی است که کار ملاحی را ممتاز کرده است.

در ادامه، دکتر ملک‌زاده، در معرفی پژوهشگر و نویسنده کتاب جَت، یعنی لی‌لا ملاحی، اشاره‌ای به خاستگاه اجتماعی وی داشت که از سوی مادر نَسب به جَت‌ها می‌رساند و به‌نوعی برخاسته از میان همین قوم است. امری که موجب شده تا ملاحی بتواند با توجه به اعتبار و اعتماد اجتماعی که در بین خانواده‌های جَت داشته است، به خوبی بخشی از مولفه‌های فرهنگی جَت‌ها را گردآوری کند و به همان سیاق ساده و بی‌آلایش زندگی‌شان، راوی جزئی‌ترین و به همان اندازه، دقیق‌ترین روایت‌های زندگی آنها باشد. ملاحی که بیشتر از کلاس پنجم ابتدایی تحصیل نکرده، کتاب خود را چنان حسی پیش برده که در قالب هیچ مکتب آکادمیک، تئوری‌های روشی و تکنیک‌های مردم‌شناسی نمی‌گنجد، با این وجود، به ثبت و ضبط روایات قوم جَت چنان پرداخته که حاصل تحقیقات وی، مجموعه ارزشمندی از داده‌های قوم‌نگارانه و حیات اجتماعی این گروه شده است. برداشت و نتیجه‌گیری از مطالب اثر نیز برعهده خواننده و مخاطب گذاشته شده که در نوع خود، سبک جالبی از تدوین پژوهشی میدانی در حوزه قوم‌نگاری تلقی می‌شود.

شاید بتوان گفت، کتاب لی‌لا ملاحی که ویرایش محتوایی و ادبی آن برعهده الهام ملک‌زاده بوده، علاوه بر گیرایی و جذابیت مطالب تازه و ناشنیده قومی، نمونه تازه‌ای از تحقیقات قابل استفاده در این حوزه مطالعاتی فراتر از مکاتب علمی و رسمی دانشگاهی است که در اختیار محققان و پژوهشگران قرار گرفته است. مجموعه‌ای برآمده از دل مردم و درباره متن زندگی مردم، شامل توصیفی عمیق برپایه مشاهدات عینی نویسنده، از دل قومی کهن که نقشی به سزا در تولید فرآورده‌های دامی منطقه دارند. ملک‌زاده در پایان سخنانش اطلاعاتی اجمالی از زندگی لی‌لا ملاحی به اطلاع حضار رساند.

تاریخ اجتماعی به بررسی جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی عامه مردم می‌پردازد



دکتر صفورا برومند، مدیر گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران، سخنران بعدی بود که در خصوص علت برگزاری این نشست به ارتباط تاریخ اجتماعی و اهمیت مطالعات قوم‌نگاری در این عرصه پرداخت و در تعریف چستی تاریخ اجتماعی چنین گفت: «تاریخ اجتماعی شاخه‌ایست از مطالعات تاریخی که برخلاف شیوه سنتی تاریخ‌نگاری مبتنی بر ثبت رخداد‌های سیاسی و وقایع‌نگاری زندگی حکمرانان، به بررسی جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی عامه مردم می‌پردازد. مطالعه در خصوص تاریخ اجتماعی، به‌گونه‌ای مستمر از حدود ۹۰ سال پیش آغاز شد و از پیشروان این اندیشه به‌نظریه‌پردازان مکتب آنال می‌توان اشاره کرد. از حدود پنج دهه گذشته توجه مورخان و محققان علوم اجتماعی و سیاسی در اروپا و ایالات متحده بیش از پیش به تاریخ اجتماعی جلب شد و بررسی‌ها در این خصوص از دهه ۱۹۷۰ میلادی به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش یافت. از جمله علل گرایش به تاریخ اجتماعی، به رشد جنبش‌های استقلال‌طلبانه، دگرگونی‌های اجتماعی دهه ۱۹۶۰، ورود مفاهیم تاریخی به علوم اجتماعی، پیشرفت رشته جامعه‌شناسی، رشد سریع تحلیل‌ها و نظریه‌های اقتصادی می‌توان اشاره کرد». این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در معرفی تعاریفی که از مفهوم تاریخ اجتماعی ارائه شده است چنین گفت: «درخصوص توصیف تاریخ اجتماعی، تعاریف مختلفی به عمل آمده است. برخی بر این عقیده‌اند که تاریخ اجتماعی، نه یک روش بلکه عبارت از جریان وسیعی است که به‌طور طبیعی در سیر تحول تاریخ‌نگاری سیاسی در قرن بیستم پدید آمده است. اما برخی تاریخ اجتماعی را علل شکل‌گیری دگرگونی‌های سیاسی تلقی می‌کنند و برخی تاریخ اجتماعی را از تاریخ سیاسی متمایز می‌سازند. بدین معنا که تاریخ اجتماعی را عاملی برای معرفی زندگی عامه مردم در نظر می‌گیرند و بدین ترتیب با تکیه بر مطالعات بین‌رشته‌ای، نمای دیگری از تاریخ را مطرح می‌کنند. بر این اساس، دانش و مطالعات فرهنگی، جغرافیای فرهنگی، جمعیت‌شناسی و مناسبات خویشاوندی، انسان‌شناسی، قوم‌شناسی، شناخت فرهنگ عامه، تاریخ اقتصادی، تاریخ کار، تاریخ دیوان‌سالاری، تاریخ شهرنشینی، تاریخ روستایی، تاریخ طبقات و گروه‌های اجتماعی، تاریخ زنان، تاریخ تحولات و جنبش‌های اجتماعی، به ابزاری برای تبیین تاریخ اجتماعی تبدیل می‌شوند».

دکتر برومند یادآور شد: «ارائه تعریف دقیق از اصطلاح تاریخ اجتماعی به سادگی امکان پذیر نیست. تاریخ اجتماعی دانشی است که در آن اشکال متنوع روابط اجتماعی در بستر تاریخی مورد مطالعه قرار می گیرد. از جمله روابط مردم با مردم که در بردارنده مجموعه اجزا و عناصر تشکیل دهنده زندگی روزانه مردم در دوره های تاریخی مورد پژوهش یا سیر آن در ادوار تاریخ است. در این بخش به انواع خوراک، نحوه تولید و فرآوری غذاها، رژیم غذایی، سلیقه و ترجیحات و امتناعات و به طور کلی فرهنگ تغذیه ای مردم، پوشاک، تنوعات آن و فرهنگ پوشاکی، آرایش ظاهر، صنایع و مشاغل و اصناف، ادوات و اشیاء و ابزارهای کار و نیز اسباب زندگی روزانه، اوقات فراغت و سرگرمی ها، بازی ها و ورزش ها و مسابقات، نظام خانواده و برنامه خانه، بهداشت روزانه و مباحثی از این دست پرداخته می شود. روابط مردم با زیست جهان مادی شان که شامل اجزای مادی شیوه ها و سبک های زندگی از جمله نظام های شهرنشینی و شهرسازی، معماری دینی و عرفی، مباحث مرتبط با مواجهه و رفتار مردم با طبیعت و محیط زیست و روابط مردم با زیست جهان غیر مادی دربردارنده آیین ها و باورها و رسوم ناظر به آنها و رفتارهای دینی مردم و نیز مسائل مرتبط با فرهنگ و انتقال سنن، آموزش و پرورش به شیوه های گوناگون است.»

وی تأکید کرد: «این موضوعات مرتبط با روابط مردم با مردم و زیست جهان مادی و معنوی آنها که از مباحث تاریخ اجتماعی به شمار می رود، در عرصه مطالعات قوم نگاری مدنظر قرار می گیرد. مطالعات قوم نگاری اطلاعات درخور توجهی از ساختار اجتماعی فرهنگی اقوام را به دست می دهند. این مطالعات در شکل عمیق و متمرکز در قالب تک نگاری های علمی گردآوری و منتشر می شوند. کتاب «جَت طایفه ای در شرق هرمزگان» اثر لی لا ملاحی، قوم نگاری روایی و شفاهی از ساختار اجتماعی فرهنگی این طایفه است که اطلاعات حائز اهمیت و بکری از شیوه زندگی، رسوم و معیشت آنها را در اختیار پژوهشگران و مخاطب عام قرار می دهد. این کتاب، تک نگاری است حاصل پژوهش میدانی مستمر در حوزه مطالعات قوم نگاری درخصوص طایفه جت که از منظر ارائه اطلاعات دست اول اتنوگرافیک، اثری منحصر به فرد به شمار می رود. از این رو، در این نشست، ضمن بررسی این اثر، ویژگی های بررسی های قوم نگاری آن در تکمیل مطالعات تاریخ اجتماعی و اقتصادی مد نظر قرار می گیرد.»

مصاحبه های شفاهی

سخنران بعدی نشست، زیبا جلالی نائینی، مدیر انتشارات نشر و پژوهش شیرازه سخنران بعدی این نشست بود که سخنان خود را با تشکر از گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، دکتر ملک زاده و دکتر صفورا برومند برای فراهم کردن امکان برگزاری این جلسه آغاز کرد. در ادامه از شروع آشنایی خود با لی لا ملاحی پژوهشگر کتاب، یاد کرد با این توضیح که: «در جلسه ای پیش آمد که برای رونمایی کتاب «به نام سنت» یک مطالعه موردی و تحقیقی در مورد ختنه زنان در ایران برگزار کرده بودیم. در آن جلسه، خانم ملاحی در مورد اولین تجربه اش در زمینه پژوهشگری بومی در مورد ختنه دختران در زادگاهش صحبت کرد که از طریق مصاحبه های شفاهی با مردم استان هرمزگان انجام داده بود که در نوع خود پژوهش دقیق و ارزشمندی بود. در آخر جلسه درباره تحقیقی با من صحبت کرد که نزدیک به دو دهه طول کشیده بود و نتیجه تجربه فردیاش در جمع آوری و نگارش فرهنگ شفاهی طایفه جت بود. من هم تا آن زمان هیچ اسمی از این طایفه نشنیده بودم. انگیزه این کار درواقع دغدغه های فکری او از کودکی و تلاش برای جمع آوری و حفظ و ثبت فرهنگ شفاهی اقوام مادری اش به عنوان یکی از آرزوهای دیرینه اش بود.»

جلالی نائینی سپس بر این نکته تأکید کرد: امکان پذیر بودن این پژوهش به این دلیل بود که نویسنده به عنوان عضوی از میان همین قوم، از یک طرف با جت ها آشنایی داشته است و از سوی دیگر اعتمادی بوده است که قوم به او داشته اند. به همین دلیل می توان اذعان کرد که به واقع این یک پژوهش کاملاً میدانی و به اصطلاح دست اول محسوب می شود. در این مجموعه، لی لا ملاحی به اتکای قرابت قومی، دسترسی بهتری به نشانه های فرهنگی طایفه جت داشته و در قالب گزارش و داستانواره های مردم شناختی که شیوه ای نوینی است، شرحی کلی از گویش، سبک زندگی، اسطوره های رایج، پوشش زنان و مردان و غیره... را گردآوری کرده است. حاصل تلاش او دارای دو ویژگی مهم است: یک اینکه، کتاب مؤلفه های فرهنگی مردم طایفه جت های هرمزگان را به روایت خودشان ارائه می دهد، که درواقع یک قوم نگاری روایی و «بیرون از ساختار» است و بیانگر فرهنگی است که از دید پژوهشگران و مردم شناسان پنهان مانده بوده است.

جلالی نائینی یادآور شد: «ویژگی دیگر این تحقیق این است که پژوهشگر در جایگاه یک زن و یک مادر توانسته به دنیای درون و ناگفته های زنان منطقه که همواره در پشت برقع هایشان پنهان نگاه داشته شده اند، راه یافته و از افکار و احساسات درونی نهفته و سایر ویژگی های تجربه زیسته آنان که کمتر می توان به آنها پی برد، پرده بردارد.

لی‌لا ملاحی، مادر ۵ فرزند و مادر بزرگ ۸ نوه، یک زن خانه‌دار است که در بافتار فرهنگی خاص خانواده خود، انجام چنین کارهایی نه تنها تشویق و حمایتی از او نشد، بلکه به گفته خودش در این راه بسیار سختی‌ها کشیده و سخنان درشت شنیده، اما از پای ننشسته و با وجود نبود زمینه مناسب، مصمم‌تر به کارش ادامه داده است. باز به گفته خودش پیش از چاپ کتاب، همه انتقادهای و خرده‌گیری‌ها به سمت او در جریان بود و هیچ‌کس حتی نزدیکان وی او را جدی نمی‌گرفتند. اما زمانی که کتاب به چاپ رسید آن هم در پایتخت، ذهنیت‌ها به کلی فرق کرد و تازه متوجه اهمیت کار او شدند. بدین‌گونه کلیشه‌های ذهنی مسلط که سد راه لی‌لا و دیگر زنان زادگاهش بود، دست‌کم در حیطه زیست پیرامونی‌شان در هم شکسته شد و آثارش به تدریج بر نسل جدید نمایان خواهد شد.

روایت یک کتاب

بخش بعدی این نشست با توجه به امکان برگزاری همزمان حضوری و مجازی، به پخش سخنان دکتر ناصر فکوهی، استاد دانشگاه تهران درباره کتاب *جَت* ذیل عنوان: «روایت یک کتاب» اختصاص داشت که به مدت ۱۰ دقیقه، برای حضار پخش شد. دکتر فکوهی در خلال مباحثی که طرح کرد به ویژگی‌های کار لی‌لا ملاحی پرداخت و اشاره کرد که کتاب *جَت*، کتاب توصیفی و مردم‌نگارانه بسیار خوبی است. علی‌رغم این‌که به بخشی از کشور ما یعنی هرمزگان می‌پردازد، اما جای شگفت دارد که با تیراژ محدود منتشر شده است، با وجودی که کتاب ارزشمندی است. کار بسیار سختی در تدوین آن انجام شده، چون هم از زبان محلی استفاده شده و هم فارسی و هم آوانگاری دقیق بر روی کلمات صورت گرفته است. فکوهی افزود: «این بخش از پهنه جغرافیایی ایران بخش بسیار بزرگ و پراهمیتی است. این پژوهش در قالب مردم‌نگاری یک گروه که جت‌ها هستند، به معرفی آن‌ها پرداخته، البته نه به طور ساختارمند؛ اما به شکل رایج مردم‌نگاری در ایران که هر کدام دارای اطلاعات بسیار زیادی است، تهیه شده است. به‌عنوان نمونه در بخش (جت‌ها به روایت خودشان) مباحث بسیار متنوعی مطرح شده است. از جمله پرورش شترها. در فصل دوم گنج‌های باشکوه سرودها و ترانه‌های محلی معرفی شده است. در بخش سوم موضوع ازدواج بین خویشان، نام‌گذاری و همسرگزینی، فصل چهارم به متل‌ها و ضرب‌المثل‌ها، و در بخش پنجم به لالایی‌ها پرداخته شده است. فصل ششم به زئیری و مناسک محلی اختصاص یافته و در فصل هفتم گفتگوها با افراد محلی انجام داده که خود دارای ارزش زیادی است.»



فکوهی در بخش بعدی سخنان خود اشاره کرد که: «یکی از کارهای بسیار خوبی که خانم ملاحی انجام داده، این است که زبان محلی را با آوانگاری آورده و ترجمه فارسی را نیز ضمیمه کرده است. در نتیجه ما با یک زبان، هم‌زمان با اصطلاحات و مفاهیم‌اش آشنا می‌شویم. اگر صرفاً محتوای کتاب را فقط همین موضوع در نظر بگیریم، به خودی خود بسیار مفید و ارزشمند است. در این کتاب ما بدون اغراق با هزاران اصطلاح، هزاران ضرب‌المثل، رسوم مختلف و غیره با زبان محلی آشنا می‌شویم. این کار یعنی فرهنگ یک قوم که بدین ترتیب در واقعیت روزمره‌اش می‌بینیم. مسلماً خانم ملاحی می‌تواند و ما هم به او پیشنهاد داده‌ایم که این کار را به صورت علمی ادامه دهد. حالا بعد از مرحله اول که مرحله مردم‌نگاری است، انجام داده است برود به طرف مرحله انسان‌شناسی واقعی یعنی روشی که بیاید این اطلاعات را تحلیل کند و طبقه‌بندی‌های دقیق‌تری را انجام دهد. اما حتی در همین حالت فعلی، این کتاب بسیار بسیار با ارزش است که تهیه آن را توصیه می‌کنم.» دکتر ناصر فکوهی، انسان‌شناس و پژوهشگر در خصوص ضرورت نشر آثاری از این دست چنین گفت: «باز هم تأکید می‌کنم این کتاب که برای نگارش آن زحمت زیادی کشیده شده، تیراژش خیلی محدود است، اما ترجمه‌هایی در زمینه روانشناسی و مدیریت موفق می‌بینیم که به چاپ دهم، بیستم و سیام می‌رسد ولی فاقد ارزش‌اند و اصلاً ضد کتاب هستند. کتاب‌هایی در مورد اغلب روشنفکران فرانسوی و مدرن که من قطعاً می‌توانم بگویم مترجم حتی یک کلمه هم از متن ترجمه‌اش متوجه نشده و نمی‌تواند توضیح بدهد. همین کتاب‌ها به ده‌ها چاپ می‌رسند و افراد می‌روند به دلیل خودنمایی این نوع کتاب‌ها را می‌خرند. در حالی که همین‌ها هم که اکثراً ادعای ایران‌دوستی دارند به چنین کتابی که من می‌دانم چقدر برای آن زحمت کشیده شده، چندان علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. ناشر هم آگاه به این امر است که نمی‌تواند چنین کتاب‌هایی را بفروشد. باز هم به شما توصیه می‌کنم که کتاب جت که کتابی توصیفی و مردم‌نگارانه است را تهیه و حمایت کنید. حمایت از این قبیل کارها به معنی ایران‌دوستی و فرهنگ‌دوستی است. کتاب‌های لوکس و آثار ترجمه نویسندگان معروف را اگر واقعاً بخواهند مطالعه کنند می‌توانند به کتابخانه‌ها مراجعه کنند.»

هستی هر پدیدار به استقرار و پایداری آن پدیدار بستگی دارد



مهندس زهره عطائی آشتیانی، رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا که در برگزاری این نشست نیز مشارکت داشتند، سخنان بعدی بود. عطائی آشتیانی در ابتدا به اجمال تاریخچه‌ای از وظایف و ساختار تشکیلاتی مرکز اسناد فرهنگی آسیا ارائه کردند. با این توضیحات که مقدمات تأسیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا به کنفرانس بین‌الدولی که در زمینه سیاست‌های فرهنگی در سال ۱۹۷۳ در جاکارتای اندونزی از سوی یونسکو برگزار شده بود باز می‌گردد. مرکز اسناد فرهنگی آسیا در چهارم تیرماه سال ۱۳۵۶ به‌عنوان مرکزی مستقل و غیر انتفاعی که بودجه آن از سوی وزارت فرهنگ و هنر وقت تأمین می‌شد تأسیس گردید و پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، زیر نظر مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر سابق درآمد. در ۲۶ آذر ۱۳۶۰ نیز بر اساس مصوبه هیأت وزیران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا در موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ادغام شد که از ۲۵ اسفند ۱۳۶۹، موسسه تحقیقات فرهنگی به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تغییر نام یافت.

عطائی آشتیانی این گونه به سخنان خود ادامه داد که: «هستی هر پدیدار به استقرار و پایداری آن پدیدار بستگی دارد. پس از چند هزار سال، هنوز ایران پابرجاست، یعنی بر ساحت حقیقت خود ایستاده و این مسئله مرهون روایت‌هایی است که اقوام مختلف داشته و دارند. هر روایت به‌مثابه احضار تاریخ یک قوم است. در نهایت به واسطه همین روایت‌هاست که ایران تبدیل به حقیقتی منحصر به فرد شده است. قوم‌نگاری حاضر به‌واقع نگارش حقیقت تاریخی طایفه شرق‌هرمزگان است. هریک از اقوام و گونه‌های زیستی مستقر در این آب و خاک برای راه یافتن به تعریفی از خود نیازمند بازگشت به گذشته خویش است و این به معنی آن‌چه پشت سر نهاده است. چرا که گذشته در گذشته نمی‌ماند. گذشته پیشاپیش ما در حرکت است. قوم‌نگاری‌ها ورود به طول و عرض و عمق ساخت‌های وجودی هر قوم است. این رویداد به‌مثابه سر آغاز مسیری است ثبت شده برای آن‌که آن قوم را به آینده رهنمون سازد. روایت احضار یک ماجرا و واقعه است و آن‌چه در لابلای ادبیات، اشعار، رفتار و تکه‌کلام‌ها و خواست‌های یک قوم آمده را آشکار می‌کند. روایت یا آن‌چه واقع و جاری شده برای به جریان افتادن نیازمند انسان‌هایی است که در میانه عموم مردم آن قوم در پی قهرمانان پنهان شده در مناسک و آداب و سبک زندگی آن طایفه بگردند. کاری که خانم ملاحی به قوت و استواری تمام به انجام رسانده است.»

سخنران بعدی فیروزه مهاجر پژوهشگر و مترجم بود که در آغاز سخنان خود چنین گفت: «این روزها کتاب «انگشت‌های بریده» نوشته پائولا تبت را ترجمه می‌کنم که حاصل بخشی از مطالعات قوم‌نگاری این قوم‌نگار برجسته ایتالیایی، به اضافه تأملاتش درباره پژوهش‌های میدانی قوم‌نگاران دیگر است. از جمله درباره قوم دوگوم‌دانی Dugum Dani ساکن ارتفاعات غربی گینه‌نو. تبت فمینیست ماتریالیست است و از همکاران کریستین دلفی و مونیک ویتیگ در نشریه فرانسوی مسائل زنان بوده است.»

مهاجر در ادامه سخنرانی خود اشاره کرد که تبت به نقل از حیدر که مطالعات میدانی وسیعی در گینه‌نو انجام داده، می‌نویسد: «دختر بچه‌های بین سه تا شش سال در این قوم دوگوم‌دانی در زمان برگزاری مراسم خاکسپاری مردی مهم یا خویشاوند خودشان یک انگشت خود را (به‌غیر از شست و یک یا دو انگشت دیگر که برای انجام کارهای مخصوص زنان کافی شمرده می‌شوند) نذر متوفی می‌کنند و می‌گذارند با ساطور قطع شود، در حالی که پسرها و مردها مجاز به اهدای خوک یا هر چیز دیگری غیر از عضوی از بدنشان هستند از دخترها فقط انگشت پذیرفته می‌شود. در مواردی هم که مردان خانواده خوک یا چیز دیگری برای اهدا نداشته باشند انگشت‌های دختر بچه‌ها هست. این قومی است که شدیداً از خشم ارواح و اشباح می‌ترسد و آیین‌های بسیاری هم در این رابطه دارد. حیدر می‌نویسد: به‌ندرت زنی شکوه می‌کند و به‌ندرت اشاره‌ای به این موضوع می‌شود. زن‌ها هم کارهایی را که ایشان انتظار می‌رود با همان دست‌هایی که دو یا سه انگشتش بریده شده خیلی خوب و با ظرافت انجام می‌دهند.»



موسیقی غنی جت‌ها

در ادامه فیروزه مهاجر سخنانش را آغاز کرد و گفت: «حالا شاید اوضاع در گینه تا حدی تغییر کرده باشد و دیگر انگشت نبرند، اما از آنجا که همچنان و همه‌جا یک شکاف بزرگ تکنولوژیک بین زن و مرد هست، شکافی که به‌زعم تبیت از زمان جوامع اولیه که تولید محدود به شکار و گردآوری بوده به‌وجود آمده و تحولات فنی هم مدام بیشترش کرده، حتی در جوامع صنعتی، می‌توان همچنان استعاره انگشت‌های بریده را به‌کار برد و نتیجه گرفت که ما زن‌ها همه انگشت‌ها مان بریده. وقت خواندن همین کار دقیق قوم‌نگارانه لی‌لا ملاحی هم این استعاره ذهن خواننده‌ای را که دغدغه پایمال شدن حقوق زنان را داشته‌باشد آزار می‌دهد. البته در کتاب جت با فرهنگی غنی و جذاب و چیزهای بسیار برای آموختن مواجهیم اما لابه‌لایش معضل ختنه دختران در سنین کودکی هم هست (ص ۱۳۵)، و بارها به احکامی برمی‌خوریم که استفاده از ابزارهای مادی و معنوی را برای زنان محدود می‌کنند، از جمله این‌که زن نباید برقصد (ص ۸۷)، برای دختر بچه ۵ کلاس سواد بس است (۱۳۳) و سر از دنیا درآوردن اساساً برای دخترها خوب نیست و بعد به‌تدریج ممنوع شدن آواز خواندن یا به‌اصطلاح نازنیک خواندن زن‌ها، یعنی این‌که زن‌ها ترانه‌های مخصوص خودشان را هم دیگر نمی‌توانند بخوانند، و آن هم در حالی‌که همواره لطیف‌ترین و عمیق‌ترین احساسات‌شان را در این نازنیک‌ها بیان کرده‌اند و تا بوده نازنیک‌ها ترانه‌های مخصوص زنان شمرده می‌شدند. از جمله شگفتی‌هایی که در این کتاب با آن مواجه می‌شویم، و مطرح شدن آن را مدیون دقت محقق محترم در ثبت اظهارات هنگام پژوهش میدانی هستیم، اینکه در حالی‌که با توجه به این امر که زنان مجاز نیستند



دست به سازی بزنند که برای نواختن ساخته شده و آلت موسیقی محسوب می‌شود و بنابراین سازشان ناگزیر همیشه قابلمه و دیبه و جهله و حتی اسکلت اجاق ده فتیله‌ای بوده (ص ۸۷)، حال‌که نوازندگان مرد هم دیبه و جهله می‌نوازند حتی این‌ها هم به‌عنوان سازکوب‌های رسمیت پیدا کرده‌اند و در ردیف تنبک قرار می‌گیرند (۹۵)». فیروزه مهاجر سپس به این نکته پرداخت که: «جت‌ها موسیقی بسیار غنی و ترانه‌های بسیاری دارند که بخشی از تاریخ اجتماعی شفاهی آنهاست. ازجمله این شعر:

من زن هستم و مانند خرده هیزمام / که من زن هستم و راهم کور / ... (ص ۱۰۷، نازنیک داتی دروش)

شگفت این‌که در کنار شعرهایی مثل این‌که خاله دروش در سال ۱۳۸۴ و وقتی ممنوعیت آواز خواندن زنان خیلی جا نیفتاده بوده، در مجلسی خوانده و ثبت شده، اشعار زیادی هم می‌یابیم که از غریبگی و غریبه‌ها می‌نالند. این بحث بیگانه‌هراسی و درجات مختلفش بحث بسیار مفصلی است و مستعد خوانش‌های مختلف، اما همچنین می‌توان به شیوه تبیت چنین برداشت کرد که در میان جت‌ها هم قوم‌پرستی پا به‌پای سلطه مذکر پیشرفته و تبعیض جنسی چارچوبی شده برای تبعیض‌های دیگر، طبقاتی، قومی و هرچیز دیگری که تصور کنیم. و طبیعتاً راه برون‌رفت از همه این‌ها رهایی کل جامعه از تبعیض جنسی است».

تا ۳۰ سالگی مادر شش فرزند شدم

آخرین بخش نشست به سخنان لیلا ملاحی، نویسنده کتاب *جنت*، اختصاص داشت که درباره خود و مسیری که او را به سوی پژوهش و فعالیت‌های اجتماعی کشاند، به اختصار چنین گفت: «یکی از زنان هرزگانی هستم. زادگاه پدرم یکی از محله‌های قدیمی بندرعباس (سورو قدیم) است. در محله سنتی ما، تا اواخر دهه ۵۰، بسیاری از خانواده‌های دختران هم دوره من، مانند خانواده من، تحصیل تا مقطع ابتدایی را برای دختران خود کافی می‌دانستند و ما به فنون خانه‌داری، پخت و پز و گلدوزی، صنایع دستی بیشتر تشویق می‌شدیم تا خواندن درس و ادامه تحصیل؛ همین‌قدر بگویم ما از ۱۳ یا ۱۴ سالگی دختر بالغ و دم‌بخت خطاب می‌شدیم تا کودک! کودک همسری واژه‌ای است که برای ما تازگی دارد. در حالی که من عملاً یک کودک همسر بودم. من سال تحصیلی ۱۳۵۸، ۱۳۵۹ در کلاس اول راهنمایی، به خواست خانواده ترک تحصیل کردم. مهر ماه ۵۹ به خواست خودم ازدواج و در سن ۱۵ سالگی مادر شدن را تجربه کردم. تا ۳۰ سالگی مادر شش فرزند شدم. در کنار کارهای روزمره خانه‌داری خواندن و نقاشی کردن و گلدوزی یکی از کارهای مورد علاقه‌ام بود. با وجود کارهای سنگین خانه و بچه‌داری از کتاب خواندن نبریدم، برای بچه‌های دور و برم نقاشی می‌کشیدم، روزنامه دیواری درست می‌کردم ... و کارهایی از این قبیل با جان دل انجام می‌دادم».



ملاحی سپس درخصوص علت پرداختن به موضوع طایفه جنت چنین گفت: «هیچ وقت رویاهایم را از یاد نبردم، بلکه آن را دنبال کردم. با آن‌که وضع موجود آن زمان و زندگی در قالب نقش‌های یک زن و مادر چند فرزند به من فرصت تحصیلات آکادمیک را نداد، اما در عمل و تجربه توانستم هر آنچه را که لازم داشتم با سماجت دنبال کنم و به دست بیاورم». ملاحی در ادامه روایت خود از زندگی و کارنامه کاری‌اش افزود: «پاییز ۱۳۸۰ بود که بخت بیشتر با من یار شد. از طرف دوست عزیز کتابی به نام (زیر سایه پدر خوانده‌ها) نوشته نوشین احمدی خراسانی به دستم رسید ... از آن جایی که آدم کنجکاری بودم و هر آنچه را که می‌خواندم به چالش می‌کشیدم در صفحه ۱۲ آن کتاب نوشته شده بود (سنگسار در ایران و ختنه زنان در مصر). همین جمله مسیر زندگی مرا که در ایران ختنه شده بودم تغییر داد و از طریق این کتاب پا به عرصه مطالعات زنان گذاشتم و سبب آشنایی من با پیشکسوتان جنبش زنان در ایران شد که به‌عنوان پژوهشگر بومی در زادگاهم استان هرمزگان از پاییز ۱۳۸۰ شروع کردم. کار روی موضوع ختنه و در این رابطه با خیلی از زنان همچون خودم که ختنه شده بودند به گفت‌وگو نشستم و گفته‌هایشان را مکتوب کردم. در این روند روابط اجتماعی من هدفمندتر شد و برای بهتر کار کردن مدتی به‌عنوان رابط بهداشت در درمانگاه محله‌ام فعالیت کردم و خیلی چیزها یاد گرفتم. برای بچه‌ها کلاس نقاشی و کاردستی گذاشتم ...

وی ادامه داد: طی سال‌ها کار، با کتاب‌های بسیاری در رابطه با بهداشت زنان و موضوع زنان آشنا شدم و با زنان دیگر به اشتراک گذاشتم ... در حین مبارزه علیه ختنه، طی سفرهایی که به زادگاه مادری‌ام روستاهای شرق میناب داشتم، متوجه کم رنگ شدن نازئیک و زهیری خوانی‌های زنان طایفه که در بچگی شاهد آن بودم شدم و حال رو به فراموشی می‌رفت. آوازهایی که دیگر بین جوان‌ترها چندان طرفداری نداشت... آوازهایی از خوانندگانی به نام؛ زنان و مردانی که هیچ کجا نه نامی، نه نوای آوازی از آنان به ثبت نرسیده بود. مگر در چند کاست قدیمی که آن هم با امکانات اولیه ضبط صدا در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تهیه شده بود.»

این پژوهشگر زندگی اجتماعی طایفه جت در هرمزگان، به این نکته ادامه داد: «اواخر سال ۸۰، از زمانی که دست به نگارش این کتاب زدم، تاکنون می‌شود گفت، عمری گذشته است. سرآغاز این نگارش مرور خاطره‌های کودکی‌ام در میان اقوام مادری‌ام و در ادامه تجربیاتی که طی سال‌ها در مناسبات این مردمان کسب کردم و آموختم. آموزه‌هایم را آرام و پیوسته نوشتم و به‌عنوان راوی سعی کردم یک طایفه را در تمامی روابطش روایت کنم. تحلیل این روایت را به‌عهده تحلیل‌گر گذاشتم که به‌کلی متفاوت از روایت‌گری است. ممنون از توجه شما دوستانی که مرا در این راه حامی بودید. نستوه و استوار باشید.»

در بخش پایانی نشست و در تکمیل سخنان ملاحی، دو کلیپ از زنان و زندگی مردمان قوم جت، به نمایش درآمد که ضمن آن توضیحاتی از سوی ایشان درباره هریک از سوژه‌های پخش شده برای اطلاع حضار ارائه شد. مجموعه آثار لی‌لا ملاحی که شامل بیش از ۲۰ تابلوی نقاشی وی که در صفحات پایانی کتاب نیز به چاپ رسیده نیز در محل برگزاری نشست ارائه شد که از سوی حضار مورد بازدید قرار گرفت. این نشست با گرفتن عکس یادگاری خاتمه یافت.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۰۵۳>



خشونت زبانی سیال در سپهر ارتباطی نوجوان امروز

اولین نشست از سلسله نشست‌های همایش ملی «فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران: روندها، چالش‌ها، راهکارها» پنجم تیرماه به همت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد. در این نشست دکتر حسین صافی پیرو لوجه، دکتر آتوسا رستم‌بیک تفرشی و دکتر مسعود قیومی، اعضای هیأت علمی پژوهشکده زبان‌شناسی به سخنرانی پرداختند. مدیریت این نشست نیز بر عهده دکتر رستم‌بیک بود.

خشونت ساختاری



در این نشست دکتر صافی به خشونت ساختاری که به ساختار و سازوکار خود زبان به مفهوم عام آن مربوط می‌شود، پرداخت و توضیح داد: خشونت کلامی، خشونت است که در رفتار کلامی نمایان و شنیدنش آزاردهنده است. وی پس از توضیح دو کارکرد هویت‌دهی و ارجاع‌دهی زبان به شرح ساختار دلالت پرداخت و توضیح داد که ساختار ابتدایی دلالت چهار تقابل را در برمی‌گیرد که عبارتند از:

(الف) خودخواهی لذت‌جویانه

(ب) از خودبیگانگی آرمان‌خواهانه

(ج) در خودماندگی کلی مسلکانه

(د) از خودگذشتگی عاشقانه

بنا به نظر دکتر صافی اگر اینها را چهار ضلع یک مربع در نظر بگیریم، در مرکز مربع نیروها همدیگر را خنثی می‌کنند و تکاپو داریم و هر چه به گوشه‌ها نزدیک می‌شویم به تنازع می‌رسیم. به خشونت می‌رسیم. هر فرد یک استراتژی دارد که به یک گوشه نزدیک می‌شود. در شرایط نزاع، افراد دیگران را براساس همین مواضع قضاوت می‌کنند یا رفتاری اخذ می‌کنند. این تقابلهای موجب تنش‌های ناگزیری می‌شوند. نتیجه این که نطفه هر تقابلی در ساختار زبان بسته می‌شود و این تقابل، مقدمه خشونت است که از تن‌ستیزی تا تنازع و خشت عریان فیزیکی و نسل‌کشی پیش می‌رود.

نسل «z» در سراسر دنیا ویژگی‌های مشترکی دارند



سخنران بعدی این نشست دکتر رستم‌بیک توضیح داد: در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی به متغیرهای اجتماعی مثل سن و جنس توجه می‌شود که از نیمه قرن ۲۰ مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است. وی پس از توضیح و ارائه تعاریف مربوط به انواع نسل‌ها، نوعی رده‌شناسی از خشونت ارائه کردند که شامل آشکار، پنهان، فردی یا سازمانی است. خشونت آشکار در لحن یا با استفاده از واژه‌هایی مثل دشنام آشکار بوده و با زبان بدن هم قابل دیدن است. خشونت پنهان از ناسزا استفاده نمی‌کند و از هنر، تصویر، تبلیغات و غیره استفاده می‌کند؛ با توجه نکردن، فرد را طرد می‌کند. مثلاً بخش خبری رسانه‌ها درباره خشونت زنان واجد چنین خشونتی است. این نوع خشونت، ابزار خشونت‌های سازمانی است. در ضرب‌المثل‌ها یا اشعار شاعران می‌توان نمونه‌هایی از خشونت‌های پنهان را دید.

دکتر رستم‌بیک ادامه داد: در تعریف دیگری، خشونتی که بر زبان اعمال می‌شود هم خشونت زبانی است مثلاً عدم اجازه استفاده از زبان محلی یا مورد تمسخر قرار گرفتن سخن‌وران این زبان‌ها.

براساس گفته‌های وی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نسل زد (z) در سراسر دنیا ویژگی‌های مشترکی دارند. یعنی در محیط‌های رسمی و غیر رسمی در سطح جهانی برخط با هم ارتباط دارند. بیشتر مصرف‌کننده‌اند. بیشتر برای سرگرمی از رسانه استفاده می‌کنند. انیمه دیدن هم رفتار رایج این نسل است و کمتر برای کسب خبر از رسانه استفاده می‌کنند. بیشتر از سایر نسل‌ها از دشنام استفاده می‌کنند. به‌طور متوسط در آمریکا مردان روزانه ۲۴ بار و زنان ۱۸ بار از دشنام استفاده می‌کنند. فحش بخشی از زندگی روزمره این نسل شده است. ناراحتی‌ها و سرخوردگی‌هایشان را با فحش ابراز می‌کنند. درواقع باید گفت، فحش معنای دیگری برای آنها دارد.

دکتر رستم‌بیک توضیح داد: نسل زد به‌ترتیب از این رسانه‌ها استفاده بیشتر تا کمتر می‌کند: یوتیوب، اینستاگرام، تیک‌تاک، اسنپ. نسل زد بیشتر از چهار ساعت از گوشی هوشمند استفاده می‌کند و از گوشی هوشمند هم بیش از سایر رسانه‌ها استفاده می‌کند و بیشترین استفاده‌اش از این رسانه برای ارتباط با دوستان است.

وی سخنرانی خود را با این نتیجه به پایان رساند که در فضای مجازی و انواع رسانه و انواع خشونت در تعاملات این نسل دیده می‌شود. برای این نسل تعریف دشنام متفاوت از سایر نسل‌هاست. این افراد در سطح جهانی، فحش می‌شنوند و تابو بودن کلمات برای آنها با نسل‌های قبل فرق دارد.



انواع تعاریف رسمی درباره سخنان تنفرآمیز

سخنران آخر این نشست دکتر قیومی به موضوع سخنان تنفرآمیز (hate speech) به‌عنوان یکی از انواع خشونت کلامی پرداخت و با مرور انواع تعاریف رسمی درباره سخنان تنفرآمیز، توضیح داد: فهرست جامعی از سخنان تنفرآمیز وجود ندارد، فرد، نژاد، رنگ، ملیت، جنسیت، ناتوانی جسمی از جمله مصادیق هستند. از گروه تا اعضای گروه و اکنون فرد مورد توجه هستند.

دکتر قیومی ادامه داد: تعریف سازمان ملل به این شرح است که هر نوع ارتباط در گفتار، نوشتار یا رفتار با زبان برای توهین و تبعیض به شخص یا گروهی به هويت آنها حمله می‌کند یا استفاده می‌کند. بنا به سخنان دکتر قیومی، پژوهشی در تئوری و ویژگی‌های این سخنان نفرت‌آمیز را مشخص کرده عبارتند از: داشتن توهین نژادی و جنسیتی، حمله به اقلیت‌ها، به‌دنبال ساکت کردن اقلیت‌هاست، استدلال‌های پوشالی، مشوق نفرت، آشکارا حقیقت را وارونه می‌کنند، استفاده از هشتک‌های عامدانه و تحریک‌آمیز، بیگانه‌هراسی، کلیشه‌سازی منفی، صفحاتی با عناوین توهین‌آمیز.

دکتر قیومی در بخش دوم سخنرانی‌اش به مطالعه خود اشاره کرد و گفت: من چند کانال، گروه اینستاگرام و تلگرام را با دو گروه سلبریتی‌ها و سیاستمداران تحلیل کرده‌ام. با توجه به برچسب‌ها، انواع و فرکانس توهین‌ها به این ترتیب هستند: شخصیتی، دشنام، توهین جنسیتی، سیاسی، مذهبی، ملیتی، مصادیق خشونت‌آمیز، توهین اخلاقی، قومیتی، نژادی. برچسب‌گذاری دستی بوده و موردها براساس جدول برچسب‌ها انتخاب شده‌اند. دشنام و توهین شخصیتی در هر دو کانال وجود دارند. توهین جنسیتی در سلبریتی‌ها خیلی غالب بود. توهین سیاسی در کانال‌های سیاسی، توهین مذهبی، ملیتی و مصادیق خشونت‌آمیز در کانال‌های سیاسی غالب بود. توهین‌های اخلاقی، قومیتی و نژادی در کانال‌های سلبریتی بود. توهین‌های شخصیتی و دشنام پرکاربردترین بودند. توهین‌های نژادی کمترین بسامد را داشت. این نشست با گفت‌وگوهای حضار و پرسش و پاسخ درباره موضوعات بحث شده به پایان رسید.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.iwcs.ac.ir/fa/news/۲۴۰۵۵>

سیاست گذاری زیست در فضای مجازی

دومین پیش‌نشست از سلسله نشست‌های همایش ملی «فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران؛ روندها، چالش‌ها، راهکارها»، ۲۴ تیرماه، به همت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد. در این نشست دکتر جمال کامیاب و خانم منیژه اخوان به سخنرانی پرداختند. مدیریت این نشست نیز بر عهده دکتر معصومه تقی‌زادگان بود.



در ابتدای نشست، دکتر کامیاب در مقدمه‌ای گفت: در محافل مختلف به هوش مصنوعی توجه زیادی می‌شود که نشان دهنده اهمیت موضوع است. این موضوع رشد تصاعدی دارد و در حوزه‌های مختلف علوم مثل سلامت، تجارت، مخابرات، کسب و کار و ... مورد توجه است و نگرانی اصلی از بین بردن ۳۰ درصد از مشاغل است. اما از سال ۲۰۲۳ پس از جی‌جی‌تی‌تری و جی‌پی‌تی‌فور بیشتر مورد توجه واقع شد. هوش مصنوعی، حجم زیادی از داده‌ها را با استفاده از الگوریتم‌های پیچیده برای قابل پیش‌بینی کردن رفتار انسان استفاده می‌کند. او توضیح داد: رقابت بین غول‌های فناوری و شرکت‌های سرمایه‌گذار نشان می‌دهد که هوش مصنوعی رابطه زیادی با اقتصاد و امنیت بین‌الملل دارد. در این زمینه آمریکا، چین، انگلیس، اسرائیل و کره جنوبی بیشترین سرمایه‌گذاری را می‌کنند. کشورهایی هم هستند که به سرعت دارند خود را به اینها می‌رسانند. عربستان در بخش استراتژی دولتی پیشرو و دارای مقام اول است و امارات وزیر هوش مصنوعی منصوب کرده است. عربستان طرح‌های بسیار بلندپروازانه‌ای را اجرا می‌کند. شاهد تأسیس ایستگاه‌های رادیو-تلویزیونی هوش مصنوعی هستیم. یک نمونه در آمریکا وجود دارد که از طریق رصد ترندها اخبار را فهرست کرده و با مجریان تولید شده توسط هوش مصنوعی عمل می‌کند. در ادامه به مشکلات هوش مصنوعی پرداخت و گفت: خلاقیت و ادراک چالش‌های این دستیارها هستند. حتماً باید انسان حضور داشت باشد. بهترین ترکیب، حضور انسان و ماشین در کنار یکدیگر است. مسئله سرعت ادبی جدی است و خیلی از کشورها در حال به‌روز کردن قوانین و موضوعات امنیت سایبری هستند. جعل هویت، مداخله در افکار عمومی و انتخابات هم از دیگر چالش‌هاست. واکنش‌ها به این مشکلات هم جدی بود. کسینجر می‌گوید، هوش مصنوعی مولد چالش جدی فلسفی و علمی در مقیاس عصر روشنگری ایجاد کرده است. چون فرایند شناختی ما را هدف قرار داده است. در واقع، اصل قضیه در معرفت‌شناسی رخ می‌دهد. یعنی شکاف بین دانش و درک انسان ایجاد شده که آینده همراه را رمز و راز و شگفتی در پی دارد. دکتر کامیاب تشریح کرد: هوش مصنوعی در کشورهای پردرآمد پتانسیل بالایی برای درآمدزایی هست، اما سیاست کشورهای در حال توسعه چیست؟



با این سرعت تفاوت‌ها خیلی زیاد خواهد شد. نیروی کار این کشورها به دلیل فقدان ساختار در کشورهای دارای ساختار جذب خواهند شد. کشورهای عربی در منطقه و رژیم صهیونیستی به‌طور جدی در این بخش کار می‌کنند. متأسفانه ایران در این زمینه جایگاهی ندارد. اگر هفت ستون پایداری یعنی اقتصاد، اجتماع، محیط زیست، فرهنگ، آموزش، فناوری و سیاست را در نظر بگیریم؛ این بخش‌ها در حکمرانی آینده جدای از هم نیستند. چون هوش مصنوعی روابط لایه‌های مختلف را از نظر ساختار، رفتار، زبان و ابزار متحول خواهد کرد.

تحلیل جامع بازی زیتو و اثرات فرهنگی آن بر دوران و هویت کودکی

سخنران دیگر این نشست منیژه اخوان به تحلیل جامع بازی زیتو و اثرات فرهنگی آن بر دوران و هویت کودکی پرداخت گفت: زیتو در سال ۲۰۱۸ ابتدا به عنوان یک شبکه اجتماعی ساخته شد و بعد به بازی سه بعدی و در ۲۰۲۱ به متاورس تبدیل شد که فضای آواتوری با جهان‌های مختلف است و دختران نوجوان کاربران اصلی آن هستند. بازار بزرگ مصرف مد جهانی است و اغلب کره‌ای‌ها از آن بی‌خبرند. اغلب کاربران دختر هستند، ۸۰ درصد کاربران آن نوجوان هستند و اقلام مجازی مُد مربوط به اکثر برندهای دنیا را دارد. جهان‌های بازی زنده (لایو)، ساختنی و ایونت دارد. مثلاً در کنسرت‌ها شرکت می‌کنند. اخوان سپس به ارائه نتایج پژوهش خود پرداخت و شرح داد: در عوامل زمینه‌ای کاربران متوجه شدیم که کودکان با سواد ابتدایی در این متاورس حضور دارند. این گروه را «بینی‌ها» یعنی بین کودکان و نوجوانان (۷ تا ۱۳ ساله) می‌نامند که همچون بازار مصرف به برندها فروخته می‌شوند. یعنی هدف کاملاً تجاری پس آن وجود دارد. در حالی که این گروه باید هنجارها، هم‌نوایی با جامعه و سواد پوشاک را بیاموزند. همچنین توضیح داد که در عوامل زمینه‌ای مربوط به پلتفرم، متوجه شدیم که هوش مصنوعی طبق رفتار کاربر در اتاق‌های مختلف فانتزی واکنش نشان می‌دهد و تجربه را جذاب می‌کند. در اینجا کودک در جهان فانتزی هویت و خود ایده‌آل و رویایی خود را می‌سازد که موقتی است. طبق نظریه هم‌خوانی خود ما در طول زندگی در تلاشیم که خود واقعی و ایده‌آلمان را به هم نزدیک کنیم و در اینجا کودک، خود ایده‌آلی برای خویش می‌سازد در حالی که در جهان واقعی هنوز امکان نمایش چنین خودی را ندارد و این به آسیب‌هایی منجر می‌شود. پس هویت‌یابی با یک هویت دیجیتالی ساختگی صورت می‌گیرد.

جایگاه اجتماعی از طریق مصرف به دست می‌آید

بنا به اظهار خانم اخوان، یکی از مسئولان ارشد زیتو در مصاحبه‌ای توضیح داده که می‌خواهند مصرف‌کننده وفادار تولید کنند. پول درآوردن با بازی و خریدن مدها موجب وفاداری می‌شود. در بازی بچه‌هایی که به مراحل بالاتری می‌رسند، می‌توانند پول بیشتری به دست آورند و اقلام بیشتری داشته باشند، یعنی تجربه کسب کرده و محصولی را می‌خرند که این فرد، خفن یا باحال نامیده می‌شوند. یعنی بلد است مراحل بازی را طی کند و جایگاه کسب می‌کند. این افراد با پوشش لباسی خاص، منبع تقلید مد برای سایرین می‌شوند. اخوان تءکید کرد: طی مصاحبه‌ای که برای پژوهش خود با کودکان داشتم خیلی از کودکان دوست داشتند بتوانند لباسی بخرند و به این جایگاه دست پیدا کنند. یعنی جایگاه اجتماعی از طریق مصرف به دست می‌آید. در اینجا چون می‌تواند کالایی را خرید کند، همین که بتواند پول بدهد، الماس بخرد و بعد محصول مدی را بخرد خود را به جایگاه کسی رسانده که با طی مراحل بازی می‌تواند به آنجا برسد و پیشگام شود. پس دستیابی به جایگاه، خریدنی شده است.

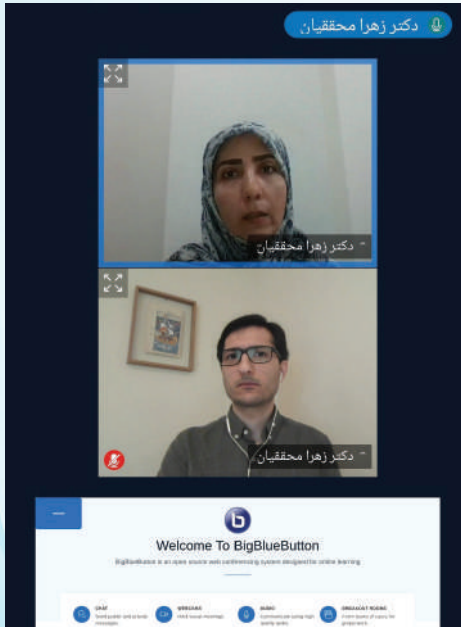
تعریف کودکی را احیاء کنیم

اخوان در بخش پایانی سخنانش در خصوص این‌که با این شرایط چه باید کرد، توضیح داد: با استفاده از منابعی که داریم، تعریف کودکی را احیاء کنیم. کودک در فرایند یادگیری است و توانایی و حق انتخابش باید بر چه اساسی باشد؟ اکنون پلتفرم (سکو) منبع هنجار شده است. منابع هویت‌ساز، عوامل هم‌نوایی و منابع هنجارهای اجتماعی هم باید احیاء شوند. قوانین بازی داریم ولی آیا قوانین، پاسخ‌گو و به‌روز هستند که مثلاً کلاه سرکودکی که کالای مجازی می‌خرد، نرود؟ مسئول حفاظت از اطلاعات کودک کیست؟ اخیراً در فرانسه، قانونی تصویب شد که عضویت کودکان زیر ۱۴ سال در هر شبکه اجتماعی باید با اجازه والدین باشد و پلتفرم‌ها (سکوها یا بن‌سازه‌ها) درباره استانداردهای زیبایی دست نیافتنی رصد می‌شوند و باید پاسخ‌گو باشند. مسئله بعدی هم این‌که کودکان به ارتباط با دیگران نیاز دارند. وی همچنین با بیان خاطره‌ای گفت: یکی از کودکان ۷-۸ ساله به من می‌گفت، پس از رفتن به مدرسه برون‌گرا شده است. این کلمات درون‌گرا و برون‌گرا را از یک آهنگ بی‌تی‌اس یاد گرفته بود که براساس نظریه‌های یونگ یک آزمایش روان‌شناسی در متاورس گذاشته و کودکان احساس می‌کنند که می‌توانند دیگران را بشناسند. خانم اخوان پژوهش درباره سواد پوشاک، جایگاه و نقش طراحان مد مجازی ایرانی-اسلامی را نیز ضروری دانست.

لینک فایل صوتی نشست:

بازنگری معنای واژه «دین» در قرآن با لحاظ بستر تاریخی پیدایش اسلام

در ادامه «سلسله نشست‌های ماهیانه اسلام و باستان متأخر» در تاریخ ۵ تیرماه، نشستی مجازی با عنوان «بازنگری معنای واژه «دین» در قرآن با لحاظ بستر تاریخی پیدایش اسلام»، توسط گروه مطالعات تاریخی-فرهنگی قرآن پژوهشکده مطالعات قرآنی برگزار شد.



در این نشست که با سخنرانی دکتر محسن گودرزی (استادیار مطالعات اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه هاروارد) و دبیری دکتر زهرا محقیان (مدیر گروه مطالعات تاریخی-فرهنگی قرآن) برگزار شد، دکتر گودرزی صحبت‌های خود را با توضیح کلمه «دین» در قرآن آغاز کرد و گفت: در قرآن از کلمه دین بیش از ۹۰ بار استفاده شده است. مفسران و پژوهشگران قرآنی عموماً دو معنای غالب برای کلمه دین مطرح کرده‌اند: اول: «دین» به معنای «داوری» یا «جزا» (مانند «یوم الدین»)، که در کلمات هم‌ریشه «دین» در زبان‌های سامی دیگر نیز وجود دارد. دوم، که موضوع اصلی و مورد بحث در این سخنرانی است، «دین» به معنای آئین، کیش یا مذهب، که به مثابه منظومه‌ای چندوجهی از عقاید، شرایع، آیین‌های پرستش، توصیه‌های اخلاقی و امور مرتبط تلقی می‌شود. در مورد خاستگاه این معنای ادعائی دوم، که معادل یا نزدیک به مفهوم انگلیسی religion است، اتفاق نظری وجود ندارد. برخی آن را منتج از معنای «فرمان برداری» می‌دانند، که یکی از دلالات کلمه دین در زبان عربی در متون خارج از قرآن است، اما برخی دیگر بر این باورند که «دین» در قرآن برگرفته از مفهوم «دین» در فارسی میانه است که ظاهراً دلالتی گسترده و چندوجهی مشابه با کلمه religion در انگلیسی داشته است.

گودرزی بر مبنای بازخوانی برخی آیات قرآن و بازنگری برخی شواهد برجای مانده از باستان متأخر، به طرح سه مدعا پرداخت: اول آنکه در بیشتر (و ای بسا تمام) مواردی که کلمه «دین» در قرآن معمولاً در معنای گسترده و چندوجهی دوم فهمیده شده است، «دین» یا یک اسم مصدر به معنای «پرستش» است یا مفهوم «شیوه پرستش» را منتقل می‌کند که در وهله اول اعمال و مناسک مرتبط با پرستش یعنی عباداتی مانند صلوة، زکوٰه، قربانی، حج، یا آئین عشای ربانی را به ذهن متبادر می‌سازد. برای مثال، عبارت «دین الله» در آیه ۸۳ سوره آل عمران به معنای «پرستش خدا» و نه «آئین خدا» به معنای یک نظام گسترده و چندوجهی متبلور در آموزه‌های الهی به‌کار رفته است. مدعای دوم این است که «دین» به‌مثابه «پرستش» برگرفته از معنای «خدمت» است، و یکی از معانی اصلی کلمه «دین» یا فعل «دان» در زبان عربی است. همان‌طور که هر عیدی وظیفه انجام «خدمت» یا «بندگی» و اعمال مرتبط با آن را نسبت به ارباب خود دارد، در نگاه قرآن نیز همه انسان‌ها بندگان (عباد) خداوند هستند و بنابراین باید نسبت به او خدمت‌گذاری کنند. در این صورت، مفهوم «دین» این خدمت‌گذاری، بندگی، یا پرستش و نحوه انجام آن را منتقل می‌کند.

مدعای سوم این است که مفهوم «اسلام» در قرآن صرفاً به معنای تسلیم امر خدا بودن نیست، بلکه به پرستش انحصاری خداوند (الله) و بنابراین نفی پرستش موجودات دیگر اشاره دارد.

دکتر گودرزی در بخش آخر سخنرانی خود خوانشی نواز دو متن قرآنی که از کلمات دین و اسلام استفاده کرده‌اند مطرح کرد و گفت: متن اول آیات آل عمران: ۸۵-۸۳ و متن دوم مائده: ۳ است که اکمال «دین» را اعلام می‌کند. آیه اکمال دین، به اهمیت ذبح حیوانات در مناسک مذهبی دنیای باستان می‌پردازد.

وی در ادامه توضیح داد: قصد اصلی این آیه از سوره مائده جدا کردن مناسک مؤمنین از اعمال عبادی مشرکین است، مخصوصاً با منع مؤمنین از خوردن حیواناتی که در حین صید کشته شده‌اند و محدود کردن آنان به گوشت حیواناتی که به طریقه صحیح و یکتاپرستانه (یعنی با ذکر نام الله در حین کشتار) ذبح شده‌اند. ارتباط این الزامات غذایی با مناسک عبادی و تأکید بر انجام این مناسک به شیوه یکتاپرستانه، توضیح می‌دهد که چرا این آیه از اکمال شیوه پرستش («دین») مؤمنین و انتخاب یکتاپرستی («اسلام») به عنوان شیوه پرستش آنها سخن می‌گوید. لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۰۵۷>

فهم اقتصادی و فلسفه برای کودکان و نوجوانان

سخنرانی «فهم اقتصادی و فلسفه برای کودکان و نوجوانان» به همت گروه فیک پژوهشکده اخلاق و تربیت با ارائه سخنان دکتر سیدمحمدرضا امیری تهرانی، ۲۴ تیرماه برگزار شد.



دکتر امیری تهرانی در ابتدای سخنانش شرح داد: سه برداشت از آموزش فلسفه وجود دارد؛ ۱. آموزش فلسفه به معنی آموزش اندیشه‌های فلسفی ۲. آموزش فلسفه به معنی آموزش اندیشیدن ۳. تلفیق هر دو برداشت پیش گفته، یعنی هم باید به اندیشه‌های فلسفی توجه کرد و هم به شیوه و روش درست اندیشیدن. ماهیت اقتصاد به عنوان یکی از شئون اجتماعی متأثر از فلسفه سیاسی و اجتماعی است. بنابر این، نوع نگاه فلسفی به انسان، جامعه و جهان در شکل‌گیری مکاتب و اندیشه‌های اقتصادی مؤثر است. تفاوت فرهنگ‌ها هم بر ضرورت اندیشیدن فلسفی و تطبیقی تأکید می‌کند اما، آموزش اندیشه‌های اقتصادی غیرانتقادی است، یکی از دلایل این است که مدرسان اندیشه‌های اقتصادی، پایه دانش اقتصادی دارند نه فلسفی هم چون برخی مدرسان فلسفه سیاسی.

وی گفت: لیپمن معتقد است که تفکر فلسفی، روش اساسی برای یادگیری تفکر درباره همه موضوع‌ها و رشته‌های درسی است که از این طریق می‌توان تفکر را وارد همه رشته‌ها و همه موضوع‌های درسی کرد. اما متأسفانه در آموزش اقتصاد به فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد بهای کمی داده می‌شود و دانشجویان در موضوعات فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد پایان‌نامه نمی‌گذرانند. در فقدان نگاه فلسفی به اقتصاد، نگاه پوزیتیویستی به علم اقتصاد رواج دارد همچون رویکرد اکانوفیزیکز یا کاربرد روش‌های علم فیزیک در اقتصاد هم چون کوانتوم اکانامیکز.

دکتر امیری تهرانی افزود: از آموزه‌های تفکر انتقادی، اهمیت مسئله است، چه آن که اندیشیدن مستلزم داشتن مسئله است، برخلاف روش آموزش صرف موضوعات. علاوه بر این، بقای جوامع بسته به آن است که افراد آن جامعه قادر به اندیشیدن و یادگیری حل مسئله در همه ابعاد اقتصادی و اجتماعی باشند. در این ارتباط، ایجاد موقعیت‌های معنادار برای افراد فرصتی است برای برانگیخته شدن تفکر و آشنایی با راه و رسم اندیشیدن صحیح و مطلوب. طرح موضوع‌هایی که با موقعیت‌های واقعی زندگی ارتباطی تنگاتنگ دارند و تفکر برانگیزند بر میزان تلاش دانش‌آموز برای یادگیری و درک مطالب می‌افزاید. ماهیت مسائل اقتصادی مستلزم ربط اجتماعی و سیاست‌گذاری و ابعاد گفتمانی و اقدام عملی است. آموزش غیرانتقادی موضوعات اقتصادی نامرتبط با فرد و جامعه، و پژوهش درباره موضوعات نامرتبط با مسائل جامعه و کشور از آسیب‌های فهم اقتصاد است.

لیپمن الگویی جدید و مبتنی بر تفکر در تعلیم و تربیت ارائه می‌دهد که بر اهمیت تفکر انتقادی، تفکر خلاقانه و تفکر مراقبتی تأکید دارد. وجود مکاتب و اندیشه‌های اقتصادی و بلکه نظام‌های اقتصادی مختلف، ضرورت تفکر انتقادی و تفکر خلاق را برای داوری کردن و چه بسا طرح اندیشه‌ها و نظریه‌های جدید ضرورت می‌بخشد. در حالی که فقدان تفکر انتقادی، بی‌مسئله‌وارگی آموزش اقتصاد، فضای علمی تک‌صدایی، هژمونی اقتصاد نئوکلاسیک و حتی امپریالیسم اقتصادی، به فهم اقتصاد در کشور آسیب می‌رساند.

وی در خاتمه سخنانش گفت: از ویژگی‌های فیک، خوداصلاحی، داشتن حساسیت معقول نسبت به زمینه، داوری با اتکای بر ملاک‌ها، رشد و پرورش توانایی‌های فردی و میان‌فردی، پرورش فهم اخلاقی، و توانایی یافتن معنا در تجربه است که توجه به آن‌ها می‌تواند به فهم اقتصاد کمک شایانی کند.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۴۰>

معرفت‌شناسی برهان‌های عملی بر خداباوری

نشست «معرفت‌شناسی برهان‌های عملی بر خداباوری»، ۱۸ تیرماه به‌همت گروه فلسفه دین پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به صورت برخط برگزار شد. در این نشست زینب سالاری، دانش‌آموخته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان سخنران و دکتر مهدی اصفهانی به عنوان دبیر جلسه حضور داشتند.

زینب سالاری در آغاز سخنانش گفت: پاره‌ای از مهمترین برهان‌های اقامه شده بر وجود خدا برهان‌هایی هستند که بر نتایج و پیامدهای عملی باورهای دینی تأکید دارند. این سنخ برهان‌ها که به برهان‌های عملی شهرت دارند، باورهای دینی را به دلیل برخوردار بودن از نتایج و تبعات عملی مفید و مطلوب، معقول یا موجه می‌پندارند. شرط‌بندی پاسکال را می‌توان در زمره مهمترین براهین عملی بر خداباوری به‌شمار آورد. بنابر شرط‌بندی در شرایطی که شواهد و قرائن له یا علیه وجود خدا به‌نحوی نباشند که باور وجود یا عدم او را بر ما مبرهن سازد، چاره‌ای نداریم جز آنکه به‌نوعی شرط‌بندی تن دهیم. طبق این شرط‌بندی یا باید بر وجود خدا شرط‌بندی کنیم یا بر عدم او. در صورت شرط‌بندی بر وجود خدا، اگر او وجود داشته باشد، از موهبت حیات ابدی توأم با رستگاری برخوردار می‌شویم؛ در حالی که اگر وجود نداشته باشد، متحمل ضرر و زیان هنگفتی نخواهیم شد. در صورت شرط‌بندی بر عدم خدا، اگر خدا وجود داشته باشد، دچار خسران ابدی می‌شویم در حالی که اگر او وجود نداشته باشد، صرفاً از سود ناچیزی برخوردار خواهیم بود. بنابراین شرط‌بندی بر وجود خدا معقول است چرا که پیامدهای عملی مطلوب باور به وجود خدا در مقایسه با پیامدهای عدم باور به وجود او به نحو قابل ملاحظه‌ای بیشتر است.

برهان‌های عملی بر خداباوری با وجود اهمیتی که دارند، همواره در معرض نقدهای متعدد بوده‌اند. بنابر یکی از رایج‌ترین این نقدها، صادق، موجه یا معقول بودن باورها صرفاً در گروه ابتناء آنها بر شواهد معرفتی کافی است و ربطی به پیامدهای عملی مفید ندارد. در واقع برای نشان دادن صدق باورها همواره باید آنها را بر شواهد و قرائنی مبتنی کرد که احتمال صدق آن باور را افزایش دهند در حالی که تبعات و پیامدهای عملی نسبتی با صدق ندارند و نمی‌توانند در توجیه یا معقولیت باورها تأثیرگذار باشند. از این رو برهان‌های عملی متهم هستند به اینکه صرفاً نشان می‌دهند باور به وجود خدا چه پیامدهای عملی مثبتی دارد و نه اینکه این باور صادق، موجه یا معقول است.

سالاری ادامه داد: چالش فوق، ریشه در تلقی مشهور و جا افتاده‌ای از فرایند توجیه باورها در معرفت‌شناسی دارد. طبق این تلقی، صرفاً عواملی در حصول توجیه نقش دارند که به‌نحوی با افزایش میزان احتمال صدق در ارتباط باشند. بدین ترتیب اگر به‌عنوان مثال دو فاعل معرفتی «الف و ب» در موقعیت معرفتی مشابهی در قبال گزاره «ج» باشند (صرفاً با لحاظ عوامل مودی به صدق) در اینکه «ج» را بدانند یا در باور به آن موجه باشند نیز در موقعیت مشابهی قرار دارند.

دانشگاه علامه طباطبائی
مرکز تحقیقات اسلامی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده فلسفه، گروه فلسفه دین برگزار می‌کند:

معرفت‌شناسی برهان‌های عملی بر خداباوری

دبیر جلسه: مهدی اصفهانی
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سخنران: زینب سالاری
دانش‌آموخته پژوهشگاه علوم انسانی

زمان برگزاری:
یکشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۲ ساعت: ۱۵ تا ۱۷

لینک مجازی نشست: <https://b2n.ir/p11273>



چنین تأکیدی بر عوامل مودی به صدق در فرایند حصول توجیه تا چندی پیش روندی معمول و جاافتاده در معرفت‌شناسی تحلیلی به‌شمار می‌آمد. با این حال با آغاز تحولاتی درباره توجه به نقش و جایگاه امور عملی در معرفت، این تلقی معمول با چالش‌هایی مواجه شد. بنابر نظریه‌ای که به نام تسری عملی [Pragmatic Encroachment] شهرت یافته است، ادعا شده که می‌توان شرایطی را ترسیم کرد که افرادی در شرایط مشابه معرفتی (شامل عوامل مودی به صدق) در باور به یک گزاره واحد به یک میزان موجه نباشند؛ از این‌رو در معرفت داشتن به آن گزاره نیز در موقعیت مشابهی نیستند. به باور نظریه‌پردازان تسری عملی، شرایطی که چنین موازنه‌ای را می‌تواند برهم بزند عمدتاً معطوف به تبعات عملی باورهای فاعلین است، نظیر اینکه بر خطا بودن در باور به یک گزاره برای یک فاعل تبعات به مراتب زیان‌بارتری در قیاس با فاعل دیگر در بر داشته باشد. در چنین موقعیتی فاعل نخست برای موجه بودن در باور خود به شواهد بیشتری در قیاس با فاعل دوم نیاز دارد، حتی اگر هر دو در موقعیت معرفتی مشابهی (از جهت عوامل مودی به صدق) باشند. تأثیر شرایط عملی بر حصول باور موجه حاکی از این است که بر خلاف سنت همیشگی معرفت‌شناسی، این امکان وجود دارد که عوامل غیرمودی به صدق نظیر عوامل عملی نیز در حصول یکی از مؤلفه‌های مهم معرفت یعنی توجیه نقش داشته باشند و از این رهگذر در حصول معرفت نیز مداخلیت یابند.

دانش‌آموخته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یادآور شد: نظریه تسری عملی اخیراً در مباحث مختلف معرفت‌شناسی و حوزه‌هایی چون معرفت‌شناسی دین بسیار مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مسائلی که در معرفت‌شناسی دین با استمداد از نظریه تسری عملی مورد توجه قرار گرفته است، بازسازی براهین عملی بر خداآوری در سایه دستاوردها و نتایج این نظریه در خصوص نقش و جایگاه امور عملی در حصول معرفت است. در این ارتباط برخی به سراغ شرط‌بندی پاسکال رفته و تلاش کرده‌اند تا صورت‌بندی‌های جدیدی از آن ارائه کنند و بر چالش‌های معمول نظیر چالش شکاف معرفتی فائق آیند.

درون‌مایه اصلی بازسازی شرط‌بندی از این شهود برآمده از نظریه تسری عملی سرچشمه می‌گیرد که تبعات عملی بر خطا بودن در باور می‌تواند میزان شواهد مورد نیاز در موجه بودن در آن باور را افزایش دهد. بر همین سیاق از آنجایی که باور نداشتن به گزاره‌های دینی (یعنی باور نداشتن به وجود خدا آن‌طور که در شرط‌بندی ترسیم شده است) در مقایسه با گزاره‌ها و باورهای خلاف آنها (یعنی باور به عدم خدا)، پیامدهای جبران‌ناپذیری دارد، معقول است حتی با شواهدی اندک نیز به گزاره‌های دینی باور داشته باشیم. با استناد به چنین سیر استدلالی در توسل به تبعات و خطرات عدم باور، ادعا شده است که با اتکاء به نظریه تسری عملی و یکی از مهمترین پیش‌فرض‌های شرط‌بندی پاسکال، یعنی مقایسه سود و زیان حاصل از باور به وجود و عدم خدا، می‌توان شرط‌بندی را به‌نحوی بازسازی کرد که بر مبنای آن نشان داده شود؛ نخست، باورهای حاصل از این برهان عملی، واجد سویه و اهمیت معرفتی‌اند. دوم، حتی در قیاس با باورهای خلاف آنها، از موقعیت معرفتی مستحکم‌تری برخوردارند. ادعای نخست با اذعان به تأثیر تبعات عملی باورها بر میزان شواهد مورد نیاز جهت توجیه آنها (یعنی همان ادعای اصلی تسری عملی) دنبال شده است. از آنجایی که توجیه یکی از مؤلفه‌های محوری معرفت است، تأثیر عوامل عملی بر میزان توجیه، تأثیر این عوامل بر معرفت را نیز در پی دارد. ادعای دوم نیز با تأکید بر فزونی تبعات خطیر باور به عدم خدا در قیاس با باور به وجود خدا که از مهمترین پیش‌فرض‌های شرط‌بندی پاسکال است دنبال می‌شود. تبعاتی که با فرض همراه بودن باور به وجود خدا، با حیات و رستگاری ابدی پیوند خورده است.

سالاری در خاتمه سخنانش شرح داد: بی‌شک براهین عملی به‌ویژه در مسئله باورهای دینی جایگاه مهم و کلیدی دارند و بر این مبناء نظریه تسری عملی مباحث گسترده‌ای در حوزه معرفت‌شناسی دین به‌دنبال داشته است که بازسازی شرط‌بندی پاسکال یکی از آنها است. با این حال به‌نظر می‌رسد که با تمرکز بر ابعاد دیگری از این نظریه یا رویکردهای عملی مهم دیگری در حوزه معرفت‌شناسی دین نظیر رویکرد «ویلیام جیمز» در خصوص نقش تعیین‌کننده احساسات و عواطف دینی به‌عنوان مثال، بتوان به نتایج متفاوت و بدیهی در این عرصه رسید و بر غناء این مباحث افزود. از سوی دیگر بحث و تأمل در خصوص اهمیت برهان‌های عملی به خودی خود و نقش و جایگاه محوری آنها در معرفت‌شناسی دین به‌طور خاص و فلسفه دین به‌طور عام، حوزه پژوهشی مهمی است که از ابعاد متعدد می‌توان آن را دنبال کرد.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۲۳>

نشست نقد و بررسی کتاب «افسانه روشنایی»

نشست نقد و بررسی کتاب «افسانه روشنایی» به همت گروه علوم اجتماعی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۴ تیرماه با سخنرانی پروفیسور حسن عشایری، دکتر مهدی نوروزی و محمد مظفرپور در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

سلسله جلسات مطالعات انتقادی و اجتماعی علوم، در بستر جریان انتقادی به بررسی ابعاد مختلف علوم و ارتباط علوم تجربی و علوم انسانی با یکدیگر می پردازد. هدف این است که با اتکا به مرزهای این دو حوزه کلان، بتوان مباحثی چالشی را در جامعه به راه انداخت که هم به وضعیت علوم تجربی در کشور یاری رساند و هم علوم انسانی را از رخوت کنونی برهاند. این نوع اقدام، دو آورده برای کشور دارد: اول، تفاهم نخبگان با همدیگر و همچنین تفاهم بین نخبگان و عموم مردم را تسهیل می کند. دوم، فرصتی برای نظریه پردازی مستقل و بومی فراهم می سازد. برای نمونه به جای ترجمه کتابی در زمینه ارتباط دانش و قدرت از دیدگاه فوکو، باید به سراغ کتابهایی در علوم تجربی مثلاً در حوزه پزشکی رفت که این ارتباط را در عمل نشان داده باشند.

نکته مهم دیگر اینکه هدف از برگزاری این جلسات، ایجاد یک کنش اجتماعی گسترده است که بتواند با پیوند دادن متخصصین با عموم مردم از یک سو و پیوند دادن علوم انسانی و علوم تجربی از سوی دیگر، علم را در کشور نهادینه سازد. این کنش، چیزی فراتر از یک روند صرفاً علمی است؛ ترکیبی از فرآیندهای تحقیقاتی آکادمیک، کار رسانه‌ای، تألیف و ترجمه کتاب و ... باید علم و جامعه را درهم تنیده سازد.

در همین راستا کتاب «افسانه روشنایی» به عنوان کتاب اول از این مجموعه انتخاب شد. این کتاب به قلم یک پزشک آمریکایی در زمینه تاریخچه ناگفته ارتباط الکتریسیته با زیست شناسی نوشته شده است. کتاب به بهترین شکل، اهداف فوق‌الذکر را برآورده می سازد. اول اینکه، کتاب روی نقطه اتصال فلسفه فیزیک و فلسفه زیست شناسی دست گذاشته و اقتضائات فلسفی حوزه الکتریسیته را به خوبی و با ادبیاتی روان نمایش داده است. دوم، تاریخ الکتریسیته و ارتباط آن با پزشکی را به خوبی واکاوی کرده و از این رو اثر خوبی در زمینه تاریخ علم محسوب می شود. نویسنده، کتابی نوشته که هم برای متخصصین و هم برای عموم مردم قابل استفاده است. با وجود اینکه کتاب، به شدت به انتقاد از فناوری پرداخته است، اما برخلاف اغلب کتابهایی که در نقد فناوری نوشته می شوند قابلیت آن را دارد که زمینه ساز شکل گیری زمینه های تحقیقاتی جدید در رشته های مختلف علمی شده و نیز مباحث میان رشته ای را در کشور تقویت کند. کتاب به موضوع کنار رفتن دانش پزشکی قرن هجدهم در زمینه کاربردهای درمانی برق پرداخته و ارتباط آن را با جریان قدرت و ثروت بین المللی نشان داده است.

همچنین هدف از نشست، نقد و بررسی کتاب در دو حوزه کلان عصب شناسی و ویروس شناسی بود. دکتر علیرضا بلیغ دبیر، کارگروه بررسی متون پژوهشگاه به معرفی ایده کلی طرح پرداخت. وی با اشاره به کتاب های کلیفورد کانر مورخ علم آمریکایی به ضرورت مردمی کردن نهاد علم اشاره کرد.



اگر از مدنیت صحبت شد باید از بربریت هم حرف زد

در ادامه دکتر عشایری با اشاره به اینکه گرایش تخصصی ایشان عصب‌روانشناسی است گفت: این گرایش به رابطه ساختار، مغز و عملکرد می‌پردازد. وی افزود: به یاد دارم زمانی که در فرایبورگ تحصیل می‌کردم پای درس‌های مارتین هایدگر می‌نشستم. او همیشه به پرسش‌گری از تکنولوژی یا به قول خودش تخته می‌پرداخت. او به درستی می‌گفت، هرکس بزرگ فکر کند، بزرگ هم اشتباه می‌کند. من زمانی عضو انجمن محیط زیست آلمان بودم و اجازه ندادیم در جنوب آلمان، راکتور اتمی شکل بگیرد. اینکه دوست داشتم درباره این کتاب حرف بزنم این جمله «برتولت برشت» است که می‌گوید: «با ضعیف‌ترین اسلحه هم باید ناحق را کوبید». مکتب علم در ایران عمدتاً آمریکایی است برخلاف مکتب آلمان که انتقادی است. آلمانی‌ها علم را دم می‌کنند. این کتاب هم پیام‌های خوبی دارد باوجود همه نقدهایی که به آن وارد است مثلاً بخشی از آن عوامانه است، بخشی شبه علمی است، بخشی سندیت لازم از نظر روش‌شناسی را ندارد. ابن‌خلدون جمله‌ای دارد که ترجمه نشده است. او می‌گوید اگر از مدنیت صحبت شد باید از بربریت هم حرف زد. من به عنوان یک عصب‌شناس می‌گویم مغز، حرکت مادی را به پتانسیل اقدام یا همان الکتریسیته تبدیل می‌کند. من مدتی روی بینایی در گربه، میمون و سپس در انسان کار کردم. اینشتین گفته بود زمانی خواهد رسید که مشخص شود برق چه بلایی سر انسان می‌آورد. این کتاب گرچه باید به صورت اساسی تغییر کند اما جایش در جامعه ما خالی است. در این کتاب اشاره‌های خوبی به اثر دکل‌های برق روی سلامتی شده است. نقدهایی به کتاب وارد است مثلاً در مورد تاریخ الکتریسیته نمی‌توان یک روند همگانی جهانی دید. در مورد بیماری پورفیری هم گرچه الکتریسیته اثر دارد اما تنها عامل نیست. کتاب در سه بخش پژوهش، آموزش و خدمات جای بررسی دارد. باید در ایران نیز تحقیقاتی میان‌رشته‌ای در این زمینه صورت بگیرد مانند تحقیق در مورد دکل برلین که در کتاب به آن اشاره شده و من خودم دیده بودم. الان دکل را برداشته‌اند. در ایران الکتروشوک استفاده می‌شود در حالی که در بسیاری از موارد ضرورتی ندارد. از این تشخیص‌های غلط نه فقط در ایران بلکه در خود آلمان هم زیاد داریم با این تفاوت که آنجا لاقبل نقد می‌شود. کتاب دیگری نیز هست به نام «می‌دانید اینترنت با مغز شما چه کار می‌کند؟» که ارزش پرداختن دارد. هاروارد فیلسوفی تربیت می‌کند که خردستیز است.

امواج می‌توانند روی رفتار و پیروسی‌ها اثر بگذارند

در ادامه، نوبت به دکتر نوروزی رسید. وی با تشکر از نگرش جمودستیزانه علمی دکتر عشایری از نبود چنین روحیه‌ای در فضای علمی کشور انتقاد کرد و گفت: کرونا به ما نشان داد که ما باید حتماً دچار آسیب بشویم تا به این نتیجه برسیم که یک رویه، غلط بوده است. علم پر از خطاست و کتاب‌های پزشکی مدام به‌روز می‌شوند. استاندارد، حدود یک‌سال است. مزیت این کتاب آن است که چنین بحث‌هایی را در کشور باز می‌کند. دانشگاه تهران تعداد زیادی مرکز تحقیقاتی دارد اما مراکز بین‌رشته‌ای کمی دارد. ضروری است مراکزی تحت نظر حاکمیت به این مسائل بپردازند.



به‌عنوان متخصص قبول دارم که امواج می‌توانند روی رفتار ویروس‌ها اثر بگذارند. گاهی امواج می‌توانند حتی ویروس را نابود کنند. حتی در زمان کرونا عده‌ای از محققین به‌دنبال آن بودند که به‌جای واکسن به سراغ استفاده از امواج بروند. ویروس آن‌قدر هوشمند است که در بیرون از محیط زنده، خود را زنده نشان نمی‌دهد. من مدافع مردمی‌سازی علم هستم البته با رعایت دغدغه‌های جامعه علمی. ما از دوران فرعون، ویروس فلج اطفال داریم که در سنگ‌های برج‌مانده از آن دوران وجود دارد. ویروس بسیار مایل به تکثیر خود است. متأسفانه مطالعات کمی در زمینه امواج و بیماری‌زایی آن‌ها در جهان و ایران انجام شده است. یک نقد به کتاب این است که در همین چند سال پس از انتشار، مطالب بسیاری دوباره منتشر شده است. در حوزه ویروس‌ها، کتاب مطالب خیلی دقیقی ندارد. فقط در حد نسبت‌سنجی حداقلی، روابطی را نشان داده است. سازمان جهانی بهداشت به مسئله اینفودمی (شیوع اطلاعات غلط) در زمان پاندمی حساس شد. ممکن است این کتاب نیز به سمت اینفودمی برود ولی هنوز مطمئن نیستیم. کتاب از نظر ما فقط یک مطالعه مروری است و نویسنده کاملاً در چارچوب‌های علمی رفتار نکرده. بحثی نیز در مورد اعتبار نهادهای مرجع مطرح است که چند سال قبل باعث شد مسئله ISI اسلامی راه بیفتد. در مورد کرونا ما از سال‌ها قبل می‌دانستیم یک بیماری ناشی از حیوانات است.

در ادامه مظفرپور مترجم کتاب گفت: کتاب در موضوعات مختلف به یک اندازه علمی نیست مثلاً در مورد آنفلوانزا فقط توانسته نشان دهد که آنفلوانزا ربطی به برق پیدا می‌کند ولی نتوانسته سازوکاری برای این ارتباط به دست دهد.

دکتر عشایری نیز گفت: فلسفه علم بدون تاریخ علم و تاریخ علم بدون فلسفه علم، مزخرف است. در مورد دیابت هم من در متون انجمن دیابت آمریکا مطلبی پیدا نکردم که الکتریسیته را عامل تعیین‌کننده در دیابت بداند. من جزو انجمن ام‌اس هم هستم. هنوز در مورد این بیماری هم حرف زده نشده است. پارامترهایی را می‌توان بررسی کرد ولی قطعی نیست. بحث ویروس‌های کند در بروز ام‌اس نیز رد نشده ولی هنوز تأیید هم نشده است. در برآیند باید بگویم نمی‌دانم الکتریسیته آیا قطعاً در بروز این بیماری موثر است یا خیر.

دکتر نوروزی نیز گفت: ادعا شد کرونا از ووهان چین ناشی شده و بیوتورویسم بوده ولی حتی گروهی که خود ترامپ به آنجا گسیل کرد هم نتوانست اثبات کند. از من هم وقتی پرسیدند که آیا بیوتورویسم بوده یا نه گفتم، نمی‌دانم! در مورد ام‌اس هم ویروسی که عامل این بیماری است کاری می‌کند که سیستم ایمنی به نوروها حمله کند. در مورد سرطان خون هم امروزه دو نوع از این سرطان داریم: ویروسی و غیر ویروسی و این نشان می‌دهد که ویروس‌ها دارند همه‌جا می‌آیند. من یک کتاب نوشته‌ام به نام «دیابت و ویروس‌ها». این‌ها را می‌گویم تا نشان دهم الکتریسیته و امواج فقط یکی از عوامل می‌تواند باشد. همه موجودات زنده و حتی بی‌جان فرکانس دارند و این باعث می‌شود امواج بتوانند روی همه چیز اثر بگذارند. البته جامعه پزشکی ما هنوز این حرف‌ها را به راحتی قبول نمی‌کند. ما حتی قبول داریم ویروس می‌تواند رزونانس داخلی را در بدن تغییر دهد. روش تشخیصی بیورزونانس می‌تواند یکی از بهترین تشخیص‌ها باشد البته اگر به درستی انجام بگیرد. روس‌ها به خود من گفتند که می‌دانند مثلاً فرکانس مخصوص ویروس آنفلوانزا چیست؟

مظفرپور گفت: به‌صورت تاریخی اثر فضا روی بروز آنفلوانزا و سایر بیماری‌ها از دوران کهن مطرح بوده است. چنین بحث‌هایی اخیراً دارد درون پزشکی مدرن نیز مطرح می‌شود. مثلاً اروپا و آمریکا حوزه جدیدی را با عنوان اقلیم فضایی دارند با جدیت دنبال می‌کنند.



اهلی کردن حیوانات بسیار خطرناک است

دکتر عشایری نیز یادآور شد: پس از جنگ جهانی، پارکینسون در آلمان زیاد شد. مشخص شد ضعفی در سیستم عصبی ایجاد شده که ناشی از ویروس بود. آیا امروزه نیز ممکن است از کشورهای دیگر چنین ویروسی بیاید؟ دکتر نوروزی پاسخ داد: جابه‌جایی ویروس در طول تاریخ وجود داشته است. مثلاً با ذوب شدن یخ‌های قطبی، ویروس‌های باستانی پدیدار می‌شوند و ممکن است پاندمی‌های سخت‌تری به راه بیندازند. زندگی صنعتی نیز همین روند را در پیش گرفته و سبک زندگی، آسیب دیده است. امروزه ارتباط انسان و حیوان در بروز برخی بیماری‌ها خیلی نقش دارد. مثلاً ویروس زیکا مال بدن خود حیوان بوده است. البته ممکن است امواج هم اثر داشته باشند. اهلی کردن حیوانات و ... بسیار خطرناک است. اینکه حیوانات را واکسینه می‌کنند، کفایت نمی‌کند که هیچ نوع بیماری در بدن حیوان وجود نداشته باشد. در مورد چرخه ویروس دیده‌ام، تحقیقاتی انجام شده و اثر امواج را نشان داده‌اند. بسیاری از خواص ویروس‌ها را باکتری و قارچ دارا نیستند. مثلاً آن‌ها پاندمی ندارند. مسئله نژاد هم مؤثر است. گاه باعث می‌شود یک دارو اثر نگذارد. باز هم خواهش می‌کنم، روی سبک زندگی کار کنیم. هرچقدر هم اطلاعات علمی ما درباره ویروس‌ها زیاد شود کار خاصی نمی‌توانیم بکنیم باید سبک زندگی را اصلاح کنیم. من وقتی می‌بینم عده‌ای در خانه مار نگه می‌دارند، وحشت می‌کنم!

یکی از حضار که کارشناس ارشد زیست‌شناسی سلولی و مولکولی بود از دکتر عشایری پرسید، آیا جریان‌ات الکتریکی طبیعی بدن دچار آلودگی الکتریکی می‌شوند؟ دکتر عشایری پاسخ داد: ما سیستمی در بدن داریم به نام سیستم لیمبیک که ۲۵۰ میلیون سال است دارد تکامل پیدا می‌کند. دستگاهی هست به نام سایکولوآنالیک ریاکشن که در ایران هم داریم مقاومت الکتریکی پوست را می‌سنجد. سیستم لیمبیک بزرگترین سانسورچی مغز است. اگر تحریک شود روی عملکرد بدن اثر می‌گذارد از طریق الکتریسیته بدن. اتفاقی که در کرمانشاه افتاد این بود که سرب دستگاه رادیولوژی را دزدیده‌اند و کارمندان مدت‌ها در معرض این پرتوها بوده‌اند. من پیشنهاد کردم این کارمندان تحت آزمایش قرار بگیرند. کسی که قلبش را عمل کرده ممکن است در مترو دچار آریتمی شود. امروزه متأسفانه سرمایه حرف اول را در جهان می‌زند و به‌همین دلیل دستگاه‌های گران‌قیمت را در پزشکی به کار می‌برند بدون آنکه عوارضش را لحاظ کنند. متأسفانه ما

همه چیز را درست از خارج قبول می‌کنیم. دکتر نوروزی نیز گفت: اگر این کتاب از طرف جامعه پزشکی حمایت شود، ممکن است اتفاقات خوبی بیفتد. وقتی از خود من تقاضا شد اجازه دهم روی پشت بام خانه دکل نصب شود، قبول نکردم. دکتر عشایری در پایان یادآور شد: متأسفانه ما در نوروپاتولوژی داریم به قرن ۱۸ برمی‌گردیم و همه چیز را می‌خواهیم با شوک الکتریکی درمان کنیم. وزارت‌خانه باید این مسائل را نقد کند.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۲۲۵>

دکتر محمد مجتهد فدوی
رئیس هیئت‌مدیره انستیتو مطالعات فرهنگی

گروه علوم اجتماعی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی بر گزار می‌کند:

نشست نقد و بررسی کتاب

افسانه روشنایی

سخنرانان:

پروفیسور حسن عشایری

نورولوژیست
رئیس انجمن عصبروان‌شناسی ایران

دکتر مهدی نوروزی

متخصص زنبک
رئیس انجمن ویروس‌شناسی ایران

محمد مظفرپور

مترجم کتاب

مدیر علمی جلسه:

دکتر علیرضا بلخ

دبیر گروه علوم اجتماعی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چهارشنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۲ ساعت ۸ الی ۱۰ صبح
به علت محدودیت ظرفیت، شرکت در نشست با ثبت نام امکان‌پذیر است.

کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و تحولات نوین در نظم بین‌المللی؛ پیامدها و سیاست‌ها

نشست «کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و تحولات نوین در نظم بین‌المللی؛ پیامدها و سیاست‌ها» به همت پژوهشکده مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری دانشگاه جامع امام حسین (ع) برگزار شد. سخنرانان این نشست که پنجم تیرماه برگزار شد، دکتر علی‌اکبر اسدی و دکتر حمیدرضا اکبری و مدیر جلسه، دکتر طیبه محمدی‌کیا بودند.



در ابتدای نشست دکتر اکبری گفت: سیاست خارجی کشورها متأثر از عوامل و متغیرهای ثابت و پویا از جمله ساختار بین‌الملل، نظام‌های فرعی منطقه‌ای، منافع ملی و موقعیت جغرافیایی و تاریخی و مانند آن‌ها شکل می‌گیرد. هم از این روی تحول در نظم بین‌المللی منجر به تغییر در سیاست خارجی خواهد شد. سخنران با بهره‌گیری از نظریه نواقع‌گرایی ساختاری کنت والتز و بررسی سه مفهوم «سیستم منطقه‌ای»، «موازنه قدرت» و شکل‌گیری «خلاء قدرت» به بررسی تأثیر تحول نظم بین‌المللی بر تغییر سیاست خارجی کشور با تمرکز بر دولت‌های عرب حوزه جنوبی خلیج فارس پرداخت و ادامه داد: مطالعه تأثیر تغییر نظم بین‌الملل بر سیاست خارجی این دسته از کشورها بر ما آشکار می‌سازد که نخست، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای نشانه‌های جدی نمایان است که خبر از تغییر سیاست و روش از سوی قدرت‌های بزرگ را در سطح جهانی درک کرده‌اند و در ازای آن به‌سوی تغییر در خط مشی‌ها پیش رفته‌اند. در این میان می‌توان رفتار قدرت‌های بزرگ را مورد رصد قرار داد و برای نمونه می‌توان به سیاست نگاه به شرق آمریکا و خروج از غرب آسیا، تضعیف ائتلاف‌ها و اتحادهای موجود و ... اشاره کرد که به تأثیر بر سیاست خارجی دولت‌های نامبرده منتهی شده است. این رویه به تغییر در موازنه قدرت خواهد انجامید. دوم، تحول در موازنه قدرت و تلاش برای تعدیل آن در کنار نقش قدرت‌هایی مانند چین و روسیه برای پیشگیری از به‌وجود آمدن خلاء قدرت در منطقه به پررنگ شدن نقش قدرت‌های منطقه‌ای انجامیده است.

دکتر اکبری افزود: تغییر در عرصه بین‌الملل را می‌توان در وضعیت اقتصادی و همکاری‌های مالی نیز سراغ گرفت. در واقع با افزایش وزن اقتصادی-تجاری و سرمایه‌گذاری از سوی کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان، قطر و امارات شرایط برای پدیداری نظم منطقه‌ای نوین مهیا شده است. این نظم می‌تواند دارای ویژگی‌هایی مانند؛ تنوع بیشتر قدرت‌های جهانی حاضر در منطقه، تنوع بیشتر موضوعات و انباشت بیشتر ثروت در منطقه باشد. در نتیجه باید گفت، نقش مؤثر خلیج فارس طی دهه آینده در تعیین نظم و شکل‌دهی به ساختار نظام بین‌الملل، نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه محوریت و حساسیت بیشتری پیدا می‌کند. در این راستا سیاست خارجی کشورهای عربی خلیج فارس متأثر از این نظم و تبعات آن تغییر می‌کند.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۰۵۶>

وضعیت پیش روی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس

ادامه نشست دکتر اسدی با تمرکز به تغییرات عرصه بین الملل در دو دهه اخیر به وضعیت پیش روی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس پرداخت.



به باور وی با تمرکز در این برهه زمانی درمی یابیم که نظم بین المللی در دو دهه اخیر با روندها و تغییراتی مهم و کلیدی روبه رو شده است. این تغییرات از یک سو شامل تغییر در موازنه قوای بین قدرت های بزرگ و از سوی دیگر شامل ظهور مسائل و روندهای جدیدی است که معادلات جهانی و رفتار بازیگران را به نحو متفاوتی شکل می دهد. در این میان کشورهای عربی خلیج فارس که برای دهه های متمادی سیاست خارجی خود را در قالب ائتلاف ها و همکاری های راهبردی با قدرت های غربی طراحی و به پیش برده اند در رویارویی با تغییرات و روندهای جدید بین المللی با چالش های مهمی روبه رو شده اند. به شکل ویژه مطالعه سیاست خارجی عربستان سعودی به عنوان بازیگر محوری در حاشیه جنوبی خلیج فارس، در پی تحول در عرصه بین الملل، با واقعیت های نوینی در سطوح بین المللی و منطقه ای روبه رو شده و تغییراتی تدریجی را در سیاست خارجی و داخلی خود آغاز کرده است. دکتر اسدی با تمرکز بر رویکرد عربستان سعودی در قبال تحولات عرصه بین الملل به این مهم پرداخت که این دسته از تغییرات و روندهای جدید بین المللی چه پیامدهایی برای عربستان سعودی خواهد داشت؟ در پاسخ باید گفت: این رخداد پیامدهای گریزناپذیری در سیاست های راهبردی این کشور خواهد داشت. سخنران در ادامه به تغییرات در موازنه قدرت بین المللی و معادلات جهانی اقتصاد و مسائل ژئوپلیتیک پرداخت. به گفته وی ما در رفتار سیاست خارجی عربستان سعودی شاهد متنوع سازی اقتصادی و تکثرگرایی فرهنگی در داخل و همچنین متنوع سازی روابط خارجی خواهیم بود.



میراث جهانی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی

چهارمین جلسه از سلسله نشست‌های موزه‌ها و علوم انسانی به مناسبت روز بزرگداشت شیخ صفی‌الدین اردبیلی و به همت گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ذیل نشست تخصصی مجازی با عنوان «میراث جهانی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی» سوم مردادماه، برگزار شد. سخنرانان این جلسه استاد عمادالدین شیخ‌الحکمایی، کارشناس خطوط، کتیبه‌ها و اسناد دوره اسلامی و دکتر صفورا برومند، مدیرگروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ بودند. دکتر الهام ملکزاده، عضو هیأت علمی گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی نیز مدیریت این نشست را بر عهده داشت.



در ابتدای این نشست مجازی، دکتر ملکزاده در خصوص روند برگزاری سلسله جلسات گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی در حوزه موزه‌ها و علوم انسانی توضیحاتی داد و سپس به اهمیت پژوهشی که توسط سخنران نخست انجام شده و معرفی سوابق پژوهشی شامل تألیفات، تحقیقات و پژوهش‌های اسنادی استاد عمادالدین شیخ‌الحکمایی پرداخت و یادآور شد: پیگیری و تلاش‌های علمی عمادالدین شیخ‌الحکمایی، پژوهشگر مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و عضو کمیته حافظه جهانی یونسکو در ایران، در قالب تهیه مجموعه اسناد مذکور که به ثبت جهانی اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین توسط یونسکو انجامید، بهانه‌ای شد تا به‌عنوان نخستین سخنران، به ارائه دستاوردهای حاصل از تحقیقات خود بر روی اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین بپردازد.



ثبت بین‌المللی اسناد بقعه شیخ صفی و اهمیت تاریخی و فرهنگی آن



شیخ‌الحکمایی با اشاره به اینکه این اسناد کهن‌ترین بایگانی (آرشیو) به دست آمده و در دسترس از تاریخ دوران میانه تا دوره قاجار است، گفت: حتی در سطح منطقه نیز کم‌نظیر است. با این ملاحظه که مجموعه اسناد مشابه در حوزه تاریخی و فرهنگی خاورمیانه قدیم به‌ندرت در دسترس بوده و به‌طور کلی اسناد بسیار محدود و کمی از دوره پیش از صفویه باقی مانده است. این در حالی است که همین اسناد قادر هستند اطلاعات ارزشمندی از تاریخ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران پیش از صفویه را در اختیار قرار دهند.

شیخ‌الحکمایی ادامه داد: تعداد و قدمت اسناد بقعه شیخ صفی نیز قابل توجه است. این مجموعه شامل رونوشت‌های سندی از سده چهارم هجری تا دوران قاجار است که به‌طور قطع ۱۰۰ سند، تعلق به پیش از سال ۷۰۰ هجری قمری دارند. تعدادی نیز مربوط به دوران ایلخانی، تیموری و صفوی هستند. مجموعه اسناد مذکور دارای ۱۰۰ فرمان، حکم و نامه از پادشاهان و حاکمانی چون ارغون، الجایتو، ابوسعید، آل جلایر و آل چوپان است. همچنین مجموعه منحصر به فردی از ۶۰ سند حاکمان ایلخانی را نیز در خود دارد. دو تا سه سند فرمان از اتابکان آذربایجان مربوط به دوره سلجوقی و اسناد شرعی و قضایی قابل توجهی از افراد و خاندان‌های بزرگ آذربایجان نیز در این مجموعه موجود است. با این ویژگی خاص که بیش از ۹۵ درصد این اسناد نسخه اصل و اولیه هستند.

شیخ‌الحکمایی، در فراز دیگری از سخنرانی خود تأکید کرد: مجموعه اسناد بقعه شیخ صفی، به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروه نخست اسنادی هستند که شامل فرامین حاکمان دوره‌های مختلف تاریخ ایران هستند و برای درک تاریخ سیاسی طی قرون چهارم تا دوره قاجار، اهمیت زیادی دارند؛ دسته دیگر، شامل احوال شخصی یا معاملات ملکی و معافیت‌های مالیاتی می‌شوند. این بخش نیز برای درک تاریخ دیوانی و کتابت و فرهنگ دیوانی مهم بوده و چون در این بخش با اسناد شرعی و قضایی که به خرید و فروش و مصالحه‌نامه‌ها مربوط می‌شوند، قابلیت این را دارند که به‌طور مستند بتوان درباره زندگی ایرانیان طی ادوار مربوطه مطالعات دقیق انجام داد و ارزیابی و تحلیل تاریخی به‌عمل آورد. امری که برای روشن‌تر شدن وضعیت تاریخ اجتماعی این قرون دارای اهمیت و ارزش بالایی است. وی همچنین به اهمیت این اسناد از نظر زبان، شیوه خط و نمونه خطوط دوران مختلف اشاره کرد. با این ملاحظه که زبان این اسناد نشان‌دهنده برخورد و تعامل چند فرهنگ با هم است.


شیخ‌الحکمایی در پایان سخنرانی خود تصریح کرد: شناسایی و مطالعه این اسناد از دهه هفتاد آغاز شد که ثمره این تلاش با انتشار فهرست اسناد در سال ۱۳۸۸، ثبت ملی و در سال جاری ثبت بین‌المللی آنها به سرانجام رسید. اسنادی که عمدتاً در موزه ملی نگهداری می‌شوند.

آثار موزه‌ای مجموعه بقعه شیخ صفی به منزله مستندات تاریخ اجتماعی



سخنران بعدی نشست مجازی دکتر صفورا برومند بود که با عنوان «آثار موزه‌ای مجموعه بقعه شیخ صفی به منزله مستندات تاریخ اجتماعی» به ارائه تحقیقات خود در این خصوص پرداخت. وی ابتدا با توجه به اینکه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی از جمله میراث جهانی ثبت شده در یونسکو به‌شمار می‌رود، در تبیین چیستی و چرایی اهمیت میراث جهانی، چنین گفت: یکی از اهداف سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد که با نام اختصاری یونسکو معرفی می‌شود، ترویج و تشویق برای شناسایی، حفاظت و احیای میراث فرهنگی و طبیعی است که در سراسر جهان از اهمیت خاص برخوردارند. در مجمع عمومی یونسکو که ۵۱ سال پیش در سال ۱۹۷۲ م. در پاریس برگزار شد، توافق‌نامه‌ای برای حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان منعقد و مرکز میراث جهانی یونسکو یا World Heritage Center تأسیس شد. مأموریت این مرکز، حفظ آثار تاریخی، طبیعی و فرهنگی بشر است که اهمیت جهانی دارد و این آثار متعلق به تمام انسان‌های زمین، فارغ از نژاد، مذهب و ملیت خاص هستند. یونسکو میراث بازمانده از گذشته را منبعی غیر قابل جایگزین و الهام‌بخش برای زندگی توصیف می‌کند که از ویژگی جهانی‌بودن برخوردار است.


مدیر گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران در ادامه، به معرفی گونه‌ای میراث جهانی پرداخت و گفت: میراث جهانی، دو گروه میراث فرهنگی و میراث طبیعی را شامل می‌شود. میراث فرهنگی به دو میراث فرهنگ مادی (ملموس) شامل آثار مادی ارزشمند بازمانده از تمدن بشر شامل آثار منقول مانند کتاب، صنایع و هنرهای دستی، ... غیر منقول مانند بناها، مجموعه‌های شهری. میراث فرهنگ معنوی (ناملموس) آداب، رسوم، باورهای دینی، زبان، ... و مواردی از این دست را شامل می‌شود. میراث طبیعی جهانی نیز باید پدیده طبیعی منحصر به فرد، نمونه‌ای از تغییر زمین‌شناختی، نمونه خاص از فرایند زیست محیطی در حوزه تکامل زمین، بوم‌سازگان ساحلی، دریایی، مجموعه‌های گیاهی و حیوانی و زیستگاه‌های طبیعی با تنوع زیستی در معرض خطر باشد. برای انتخاب این آثار و پدیده‌ها به‌عنوان میراث جهانی معیارهایی نیز تعیین شده است. دکتر برومند سپس در خصوص جایگاه ایران در ثبت میراث جهانی به این نکته اشاره کرد: نکته حائز اهمیت این که ایران با ثبت جهانی ۲۴ اثر تاریخی و طبیعی در فهرست جهانی یونسکو در رتبه نهم ثبت جهانی در بین ۱۶۱ کشور عضو یونسکو قرار دارد که این امر از ذخایر غنی میراث باستانی، تاریخی و طبیعی سرزمینمان حکایت می‌کند.


گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران
به مناسبت روز برداشت شیخ صفی‌الدین اردبیلی برگزار می‌کند

نشست مجازی

چهارمین جلسه از سلسله نشست‌های موزه‌ها و علوم انسانی:

میراث جهانی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی



سخنرانان
استاد عماد الدین شیخ‌الحکمایی
دکتر صفورا برومند

مدیر جلسه
دکتر الهام ملک‌زاده

سه‌شنبه ۳ مرداد ۱۴۰۲ ساعت ۱۰ تا ۱۲

لینک ورود به نشست: <https://b2n.ir/w68209>



اهمیت مجموعه تاریخی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی

ادامه سخنان این عضو هیأت علمی پژوهشگاه تاریخ ایران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به تبیین اهمیت مجموعه تاریخی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی اختصاص داشت وی گفت: «مجموعه تاریخی بقعه شیخ صفی‌الدین به نام عارف و نیای خاندان صفوی، از جمله آثار است که در سال ۱۳۸۹ به عنوان میراث جهانی شناخته شده است. بنای اولیه این مجموعه در حدود ۷۰۰ سال پیش ایجاد شده و به مرور بناهایی با کاربری‌های مختلف فرهنگی-اجتماعی به مقتضای سپهر زمانه به آن افزوده شده است. ویژگی‌های این مجموعه بر اساس معیارهای یونسکو برای میراث جهانی عبارتند از: نشان دهنده یک شاهکار از نبوغ و خلاقیت انسانی؛ نشان دهنده تبادل ارزش‌های بشری در یک بازه زمانی در یک منطقه فرهنگی از لحاظ پیشرفت در معماری یا فناوری، نشان‌دهنده برنامه‌ریزی شهری یا طراحی چشم‌انداز؛ نمونه‌ای برجسته در معماری یا تکنولوژی. این مجموعه طی قرون متمادی یکی از عرصه‌های فعالیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به‌شمار می‌رفت و آثاری که اینک در این مجموعه در قالب بناها و موزه‌های و آثار موزه‌ای آن در معرض بازدید عموم است، هر یک از منظر مطالعات تاریخ اجتماعی واجد اهمیت بسیارند.

دکتر برومند سپس در تبیین تاریخ اجتماعی به این نکته اشاره کرد: تاریخ اجتماعی شاخه‌ای از مطالعات تاریخی است که به ثبت و بررسی جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی عامه مردم می‌پردازد. روابط مردم با مردم، مناسبات مردم با حکومت، روابط مردم با شیوه زیست جهان مادی و معنوی آنها از مباحثی است که در مطالعه تاریخ اجتماعی به آن پرداخته می‌شود. بدین ترتیب، مقوله‌هایی چون شیوه زیست، خوراک، پوشاک، ابزار و اسباب زندگی، مشاغل و اصناف، اوقات فراغت و سرگرمی‌ها، ورزش‌ها، آداب و سنن اجتماعی، نظام‌های شهرنشینی و شهرسازی، معماری دینی و عرفی،... همگی در مطالعات تاریخ اجتماعی بررسی می‌شوند.

وی سپس درخصوص اهمیت مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در مطالعات تاریخ اجتماعی معماری و هنرهای تزئینی ایرانی، از روند شیوه ساخت و ساز و انواع تزیینات معماری داخلی و خارجی از جمله کاشی‌کاری، مقرنس، کتیبه‌هایی مزین به خط خطاطان بزرگ دوره صفوی چون میرعماد، میر قوام‌الدین و محمد اسماعیل، منبت‌کاری، گره‌چینی، طلاکاری و نقره‌کاری، نقاشی و دیگر هنرهای تزیینی معماری یاد کرد که از آثار استادکاران ماهر دوره‌های مختلف تاریخی به ویژه دوره صفوی محسوب می‌شوند و چگونگی و چرایی طراحی آن، موضوعی برای مطالعه تاریخ اجتماعی معماری ایران به‌شمار می‌رود.

برومند سپس با معرفی بخش‌های مختلف این مجموعه از جمله آرامگاه شیخ صفی، مقبره شاه اسماعیل، مادر شاه، مشایخ و صاحب‌منصبان دوره صفوی و جان‌باختگان نبرد چالدران، چینی‌خانه، مسجد، جنت‌سرا، خانقاه، چله‌خانه، چراغ‌خانه، ویژگی هر یک از این بناها را از منظر تاریخ اجتماعی مد نظر قرار داد. از جمله این که: جنت‌سرا یا مسجد جنت‌سرا که به صورت فضایی هشت‌ضلعی و بدون محراب طراحی شده است و احتمالاً برای انجام مراسم صوفیانه و سماع به کار می‌رفته است. مقبره شیخ صفی علاوه بر اهمیت آن به عنوان آرامگاه، محل بست و پناهگاه بوده است و افرادی که در آنجا متحصن می‌شدند، جانشان در امان بوده است. این مجموعه موقوفاتی را شامل می‌شود که مستندات آنها اطلاعات درخور توجهی از ساز و کار آن به دست می‌دهند. چینی‌خانه از نظر معماری و تزیینات و هم از نظر آثار موزه‌ای که در آن نگهداری می‌شود، یعنی ظروف چینی آن بسیار حائز اهمیت است. در قسمت خاوری قندیل‌خانه یا رواق اصلی قرار گرفته که با دو ورودی باریک با دارالحفاظ ارتباط می‌یابد. ساختمان چینی‌خانه دارای چهار شاه‌نشین و دارای طاق‌نماهای مقرنس‌گچی است که روی آن نقاشی و طلاکاری شده است. این مکان در دوره صفویان محل نگهداری ظروف طلا، نقره و ظروف سفارشی شاه عباس یکم از کشور چین از نوع ظروف مشهور به مینگ و سلادون به سفارش شاه عباس اول به دست صنعتگران چینی ساخته شده و همگی مهر شاهی و عبارت «وقف آستانه شیخ صفی نمود بنده شاه ولایت عباس» را دارند. مدیر گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشگاه تاریخ ایران سپس با اشاره به ویژگی‌های آثار موجود در موزه باستان‌شناسی و همچنین موزه سنگ و کتابخانه تخصصی آن، به تبیین اهمیت این آثار به عنوان مستندات برای ثبت تاریخ اجتماعی و اقتصادی پرداخت.

سخنان پایانی دکتر برومند به برگزاری آیین سنتی طشت‌گذاری که هر سال از ۲۷ ذی‌الحجه به‌مدت سه روز در مساجد و اماکن مقدس اردبیل و از جمله مجموعه جهانی بقعه شیخ صفی برگزار می‌شود، اختصاص یافت. وی همچنین به برگزاری مراسم عزاداری محله عالی قاپو (دروازه) در صحن قیزیل باشلار در این مجموعه و اهمیت آن به عنوان میراثی از تاریخ اجتماعی این شهر اشاره کرد.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۵۸>

جایگاه عریضه‌ها در تحولات اجتماعی ایران طی دوران مشروطه

همزمان با یکصد و هفدهمین سال برپایی مجلس شورا در ایران و انقلاب مشروطه، نشست تخصصی مجازی با عنوان «جایگاه عریضه‌ها در تحولات اجتماعی ایران طی دوران مشروطه» به همت گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چهاردهم مردادماه، با سخنرانی دو تن از استادان تاریخ و پژوهشگران تاریخ معاصر ایران برگزار شد.

عریضه‌ها در گروه اسناد تاریخی قرار دارند و درباره امور زندگی و تحکیم روابط میان مردم و اجتماع، و بیانگر مناسبات حقوقی و قضایی دارای اطلاعات ارزشمندی هستند. این دسته از اسناد ذیل اسنادی چون وصیت‌نامه، گواهی‌نامه‌های فوت و تولد، وکالت و ضمانت‌نامه، استشهدانامه، بارنامه، آزادنامه غلامان و ... به نام «اوراق صریحه» موسوم‌اند. مرکز اسناد مجلس شورای ملی، بیشترین حجم اسناد عریض را در خود جا داده است، چرا که بنیادش با عریضه‌نامه‌ها پی‌ریزی شده و مجموعه متنوع و بی‌نظیری بالغ بر ۱۰ تا ۱۲ میلیون نسخه را شامل می‌شود. با توجه به اهمیت و ارزش ماهوی عریضه‌ها به عنوان منابع و مدارک مستند و دست اول مرتبط با مطالعات و تحقیقات انقلاب مشروطه، می‌تواند راهگشای مباحث و موضوعات مغفول در سلسله پژوهش‌های تاریخ انقلاب مشروطه باشند، موضوع نشست تخصصی مجازی گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، حول محور مذکور قرار گرفت.

معرفی واژه عریضه و کاربرد آن

در ابتدا مدیر نشست، دکتر صفورا برومند، به‌عنوان مقدمه به معرفی واژه عریضه و کاربرد آن پرداخت و چنین گفت: عریضه بر گرفته از واژه عرض در متون ادبی و تاریخی و نیز در فرهنگ‌های لغت به معنای قصه، درخواست، شکایت و دادخواهی است که بیشتر در قالب نامه به فرد بلندمرتبه نگاشته می‌شود. به‌همین علت، عریضه یکی از واژگان و اصطلاحات دیوانی به‌شمار می‌رفته است و در این حوزه، واژگان دیگری نیز از آن مشتق می‌شده است: مانند عریضه‌چی یا فرد شاکي، عریضه‌خان یا ارائه‌کننده عریضه نزد پادشاه، حاکم یا فرد بلندمرتبه و عریضه‌نویس، یا عریضه‌نگار و شغل عریضه‌نگاری. یکی از خاطره‌های دیداری چند دهه پیش، انبوه عریضه‌نگاران بودند که در مجاورت دادگاه‌ها مستقر می‌شدند و شرح دادخواست شاکیان را با دستگاه‌های تایپ ثبت می‌کردند.



گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران
به مناسبت صد و هفدهمین سالگرد صدور فرمان مشروطیت برگزار می‌کند

نشست تخصصی مجازی

جایگاه عریضه‌ها در تاریخ اجتماعی دوران مشروطیت

دبیر نشست
دکتر صفورا برومند
مدیر گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران

سخنرانان
دکتر علی ظفیری
استاد دانشگاه و مدیر دفتر مطالعات تاریخ اقتصادی ایران
(بررسی اسناد عریض: مهم‌ترین میراث مکتوب تاریخ مشروطیت)

دکتر الهام ملک‌زاده
عضو هیئت علمی گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران
(روند عریضه‌نویسی در دوره قاجار و مشروطه
با مروری بر تحقیقات تاریخی معاصر)

شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۲
ساعت ۱۴ تا ۱۶

لینک ورود به نشست: <https://b2n.ir/w68209>

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در خصوص پیشینه عریضه به این نکته اشاره کرد: قدیم‌ترین نشانه‌ها از عریضه و دادخواست در تاریخ ایران را در داستان‌های اساطیری مرتبط با دوران حکمرانی جمشید و بنا نهادن آئین مظالم و برگزاری نوروز جست‌وجو کرد. داستان‌های فولکلور ایرانی نیز حکایت‌هایی از دادخواست‌های عامه مردم را شامل می‌شوند. از منظر پیشینه تاریخی، هرودت مورخ یونانی در توصیف تاریخ مادها به این نکته اشاره می‌کند که روندی برای ثبت درخواست و دادخواهی در این دوران وجود داشته و در دوره هخامنشی نیز روزهایی در قالب بارعام برای رسیدگی به درخواست‌های عامه مردم تعیین شده بود. در شاهنامه فردوسی و متون تاریخی نیز از بارگاه داد، مجلس دادرسی، زنجیر جرسی که ابزاری برای اعلان شکایت بوده و همچنین عرض حال مردم در جشن‌هایی چون نوروز، فروردگان و مهرگان در دوره ساسانی یاد شده است. در قرون نخستین اسلامی نیز دیوان مظالم محلی برای ارائه عرض حال و درخواست مردم نزد حاکم محلی یا حکمران بوده است. گاه نیز اگر فرصتی فراهم می‌شد، مردم به‌طور مستقیم درخواست خود را به حاکم عرض می‌کردند و این امر تا قرن‌ها بعد ادامه داشته است که نمونه‌هایی از آن را در دوران ناصرالدین شاه می‌توان جستجو کرد. از جمله تعیین روز یکشنبه برای رسیدگی به عریضه‌ها افراد (۱۲۷۷ق.) و ایجاد صندوق عدالت در میدان ارگ (۱۲۸۱ق.).

سخنان پایانی دکتر برومند به‌عنوان مدیر گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران به تبیین اهمیت عریضه‌ها در مطالعات تاریخ اجتماعی اختصاص داشت و چنین گفت: چنین روند ارائه شفاهی یا نگارش عریضه از سوی مردم به حاکم، بخشی از مطالعات تاریخ اجتماعی به‌شمار می‌رود. در واقع، بررسی عریضه‌ها، پژوهشگر تاریخ اجتماعی را با بخشی از نیازها، نارضای‌ها، درخواست‌ها و شکایات عامه مردم آشنا می‌کند که در متون تاریخی رسمی کمتر به آنها پرداخته شده است یا اثری از آنها در دست نیست. بیشترین موضوعات عریضه‌ها عبارت بودند از دادخواهی برای تاخت و تاز دشمنان و یاغیان یا ظلم حاکم محلی، ناتوانی از پرداخت خراج، تقاضا برای افزایش مواجب یا بازپس‌گیری اموال و املاک، شکایت از اصناف و گرانی و دیگر مسائلی از این دست که نمونه‌هایی از این عریضه‌ها در آرشیوه آستان قدس رضوی و موزه ملک و دیگر مراکز اسنادی نگهداری می‌شوند. بنابر این، با توجه به اهمیت عریضه‌ها در شناسایی و واکاوی بخشی از تاریخ عامه مردم یا فرودستان که موضوع اصلی پژوهش‌های تاریخ اجتماعی به‌شمار می‌رود و با توجه به بخش درخور توجهی از عریضه‌های موجود در آرشیوهای اسنادی ایران یا مرتبط با کمیسیون عرایض که به دوره مشروطیت تعلق دارد، گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در یکصد و هفدهمین سالروز صدور فرمان مشروطیت، به بررسی جایگاه عریضه‌ها در تاریخ اجتماعی مشروطیت می‌پردازد.

بررسی اسناد عرایض مهم‌ترین میراث مکتوب تاریخ مشروطیت

سخنران نخست، دکتر علی ططری مدرس دانشگاه بود که با عنوان «بررسی اسناد عرایض مهم‌ترین میراث مکتوب تاریخ مشروطیت» به ایراد سخنرانی پرداخت. پژوهش ططری و سخنرانی وی بر این نکته تأکید داشت که اجتماعی‌ترین اسناد ما را اسناد عرایض تشکیل می‌دهد و نکاتی که در این اسناد وجود دارد در کمتر اسناد آرشیوی کشور قابل مشاهده است. ططری اظهار داشت: عرایض قدمتی به طول تاریخ دارد. ضمن این‌که، از وجه معنوی و دینی، عریضه‌نویسی در ادیان دیگر هم وجود دارد و فقط مختص دین اسلام نیست. عریضه شکوائیه‌ای است از فرودست به فرادست، از فرادست به فرادست یا از فرادست به فرودست هم می‌تواند باشد. ططری در ادامه سخنرانی خود به دسته‌بندی عرایض در دوره معاصر اشاره کرد و گفت: حیات عریضه‌نویسی را به چهار دوره می‌توان تقسیم کرد؛ دوره پیش از مشروطه، دوره مشروطه، دوره پهلوی اول و دوره پهلوی دوم. این در حالی است که باید نخستین نشانه‌های توجه به عریضه را از دوره ناصرالدین‌شاه جستجو کرد. ططری در بخشی از سخنرانی خود نیز به بررسی تطبیقی روند عریضه‌نویسی در ایران و ژاپن در بجهت انقلاب مشروطه و تحولات مشابهی که دو کشور با آن روبه‌رو شدند پرداخت و امکان مطالعه و انجام پژوهش‌های بیشتر را برای پژوهشگران به‌عنوان موقعیت پژوهشی ارزشمند برشمرد.



روند عریضه‌نویسی در دوره قاجار و مشروطه با مروری بر تحقیقات تاریخی

دومین سخنران دکتر الهام ملک‌زاده، عضو هیأت علمی گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ بود که ذیل «روند عریضه‌نویسی در دوره قاجار و مشروطه با مروری بر تحقیقات تاریخی» به بررسی فعالیت‌های پژوهشی در حوزه عریضه و عریضه‌نویسی پرداخت و در آغاز سخن خود را به ارائه تعریفی از عریضه و عریضه‌نویسی اختصاص داد. اشاره‌ای نیز به مراکز عمده نگهداری عرایض داشت و نویسندگان عرایض و خاستگاه طبقاتی آنها را خاطر نشان ساخت. تحولات دوره ناصری و تشکیل صندوق‌های عدالت، مبحث بعدی ملک‌زاده بود که در کنار استفاده از سنت بست‌نشینی، محل نوشتن و ارسال عرایض بودند. تنوع موضوعی عرایض که از مسائل ملکی و حقوقی تا مشکلات قومی، دینی، رسوم غیررسمی، تعارضات خانوادگی و مسائل زنان را شامل می‌شد بخش دیگری از صحبت‌های سخنران دوم بود که از همان آغاز تحرکات انقلابیون در بجهت انقلاب مشروطه تا پایان دوران پهلوی، شرح مشکلات، مطالبات و دغدغه‌های نویسندگان عریضه‌هایی بود که اینک مجلس را مخاطب خویش قرار می‌دادند.

دکتر ملک‌زاده در ادامه سخنانش با دسته‌بندی تحقیقات تاریخی در خصوص عریضه و عریضه‌نویسی در دو بخش پیش و پس از انقلاب مشروطه در ایران و ذیل پایان‌نامه‌ها، مقالات و آثار تألیفی؛ به ارائه عناوین پژوهش‌ها و محتوای هریک پرداخت. وی در پایان سخنان خود اشاره‌ای نیز به دگرگونی‌های عریضه‌نویسی و میزان رواج آن طی دو دوره پیش و پس از مشروطه داشت که با توجه به تحولات سیاسی و استفاده از ابزار و رسانه‌های جدید، به اشکال متنوعی تداوم یافت.

بخش پایانی نشست تخصصی به پرسش و پاسخ شرکت‌کنندگان و حضار در فضای مجازی تخصیص یافت که سخنرانان به سئوالات مطروحه مستمعین پاسخ دادند.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۵۹>



روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی

چهارمین نشست از سلسله نشست‌های همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی: رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو» با سخنرانی دکتر مسعود قیومی و دکتر آتوسا رستم‌بیک، ۱۱ تیرماه ۱۴۰۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

جایگاه تحلیل‌های داده محور در علوم انسانی دیجیتال

دکتر مسعود قیومی (دانشیار پژوهشگاه زبان‌شناسی و مدیر همکاری‌های علمی بین‌الملل)، سخنانش را با موضوع «جایگاه تحلیل‌های داده محور در علوم انسانی دیجیتال» آغاز کرد و گفت: باتوجه به موضوع نشست، به‌دنبال تحقق این نظر خواهیم بود که چگونه می‌توان در چارچوب علوم انسانی دیجیتال از داده در تحلیل‌ها استفاده کرد. وی شرح داد: علوم انسانی دیجیتال متشکل از دو بخش علوم انسانی و فناوری اطلاعات است که در کنار هم این مفهوم را شکل می‌دهد. برای یافتن جایگاه تحلیل‌های داده‌محور در چارچوب علوم انسانی دیجیتال نیاز است مفاهیم اولیه‌ای مطرح شده و تعریف شود. ابتدا نیاز است با اصطلاح علوم انسانی دیجیتال و همچنین موضوعاتی چون سطوح کفایت چامسکیایی و همچنین زبان‌شناسی پیکره‌ای یک آشنایی اولیه صورت پذیرد.



علوم انسانی دیجیتال

دکتر قیومی در بخش اول سخنان خود به علوم انسانی دیجیتال پرداخت و گفت: براساس تغییرات جهان، پیرامون بشر امروز، حجم زیادی از اطلاعات انباشته شده است و منابع تولید اطلاعات بسیار متنوعی به وجود آمده است. منابع این اطلاعات از تلفن همراه و رایانه‌های شخصی هر فرد گرفته تا پایگاه‌های داده، مراکز داده و منابع دیگر اطلاعاتی این محیط پیرامون را شکل می‌دهد. زمانی که بحث علوم انسانی دیجیتال مطرح می‌شود، به این صورت می‌توان تعبیر کرد که علوم انسانی دیجیتال محصول مواجه شدن علوم انسانی سنتی (علوم انسانی رایج) و روش‌های رایانشی و الگوریتمی است؛ بنابراین، مشترکات علوم انسانی و فناوری اطلاعات در کنار هم علوم انسانی دیجیتال را شکل می‌دهد به گونه‌ای که یک فضای چندگانه ایجاد و از آن

شرایط برای توصیف استفاده می‌شود تا به هدف غایی که همانا رسیدن به دانش است، دست یافته شود. وقتی راجع به علوم انسانی صحبت می‌شود، وارد یک سری جزئیاتی خواهیم شد که تلاش می‌شود به شیوه مناسب جزئیات توضیح داده شود. بعضی اوقات ممکن است ایده‌ها و مباحثی که مطرح می‌شود، دچار پارادوکس شود؛ درحالی‌که ورود به حوزه رایانه به این معناست که مسائل خیلی دقیق و واضح بدون این‌که هرگونه ابهامی داشته باشد، مطرح شود و اطلاعات باید به صورت نظام‌مند براساس ساختاری که در کامپیوتر وجود دارد برای حل مسائلی که در حوزه علوم انسانی است، استفاده شود (بوردیک و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین عبارات، علوم انسانی دیجیتال را به این صورت می‌توان تعریف کرد که این موضوع انعکاس یافته‌های نظری و روش‌شناسی شناخته شده موجود در حوزه علوم انسانی است که در قالب دنیای دیجیتال امروز به صورت کاربردی یا تهیه ابزاری برای به دست آوردن دانش جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف علوم انسانی دیجیتال صرفاً پردازش داده‌هایی که در حوزه علوم انسانی وجود دارد، نیست؛ در حقیقت هدف از این پردازش، رسیدن به دانش است. برای نشان دادن گستره علوم انسانی دیجیتال در پیشینه مطالعاتی می‌توان به اصطلاحات زیر دست یافت که همگی ذیل چتر علوم انسانی دیجیتال مطرح می‌شود:

- فلسفه رایانشی (Computational Philosophy)،
- زبان‌شناسی رایانشی (Computational Linguistics)،
- میراث دیجیتال (Digital Heritage)،
- باستان‌شناسی دیجیتال (Digital Archaeology)،
- باستان‌شناسی رایانشی (Computational Archaeology)،

- معماری یارانشی (Computational Architecture)،
- تاریخ رایانشی (Computational History/Histoinformatics)،
- سیاست رایانشی (Computational Politics)،
- قانون رایانشی (Computational Law)،
- مطالعات حقوق رایانشی (Computational Legal Studies)،
- اقتصاد رایانشی (Computational Economics)،
- روان‌شناسی رایانشی (Computational Psychology)،
- علوم اجتماعی رایانشی (Computational Sociology)،
- مردم‌شناسی رایانشی (Computational Anthropology)،
- الهیات رایانشی (Computational Theology)،
- کتابخانه دیجیتال (Digital Library) و
- روزنامه‌نگاری فناوری (Technology Journalism).

دکتر قیومی ادامه داد: این نمونه‌ها، حوزه‌هایی از علوم انسانی است که به‌نوعی با بحث فناوری اطلاعات درگیر شده‌است. در این موضوعات، یک بخش علوم انسانی و بخش دیگر فناوری اطلاعات است. شایان ذکر است به‌دلیل ورود به فناوری اطلاعات، مباحث هوش مصنوعی و مانند آن مطرح می‌شود. اگر بخش علوم انسانی از فعالیت‌هایی که امروزه در حوزه مهندسی رایانه با کمک هوش مصنوعی انجام می‌شود جدا شود، قسمت مهندسی رایانه حرف زیادی برای گفتن نخواهد داشت، چون تحولاتی که در حال وقوع است با محوریت علوم انسانی مطرح می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر موضوع چت‌بات و نوع معروف آن که CHATGPT است را در نظر بگیریم، می‌بینیم که این فناوری چیزی نیست جز یک سامانه مکالمه-محور. مکالمه یکی از کاربردهای زبانی است که در حوزه زبان‌شناسی و به‌طور خاص ذیل تحلیل گفتمان مطرح می‌شود. بنابراین، موضوع چت‌بات که رنگ‌وبوی فناوریانه دارد حاصل تعامل علوم انسانی و دانش رایانه است.

سطوح کفایت چامسکیایی

وی در ادامه به سطوح کفایت چامسکیایی اشاره کرد و گفت: نوآم چامسکی، زبان‌شناس، فیلسوف، ریاضی‌دان و منتقد اجتماعی و فعال سیاسی آمریکایی، در سال ۱۹۶۴ بحث دستور زبان را مطرح کرد و برای این‌که دستور زبان به‌عنوان یک مؤلفه علوم انسانی توصیف شود، سه سطح کفایت را معرفی کرد:

الف) کفایت مشاهده‌ای. هدف این کفایت تشخیص جملات دستوری از غیردستوری و دسترسی به دانش ناخودآگاه است. در این سطح به شَمّ زبانی توجه ویژه وجود دارد. برای مثال جمله «حسن به مدرسه می‌روم» کاملاً مشخص است که غیردستوری است؛ چون شناسه فعل با فاعل تطابق ندارد.

ب) کفایت توصیفی: در این سطح از کفایت علت دستوری یا غیردستوری بودن ساخت‌های زبانی را متوجه شویم، به‌عبارتی باید به‌دنبال علت مبتنی‌بر شواهد باشیم.

ج) کفایت توضیحی (تبیینی): در این سطح باید بدون توجه به یک زبان خاص به دانش زبان برسیم و به علت به‌وجودآمدن زبان پردازیم. این دانش یک دانش انتزاعی است. این‌که انسان به چه صورت کار تفکر انجام می‌دهد و زبان را می‌آموزد و چگونه دانش زبانی در ذهن نهادینه می‌شود، مسائلی است که در این سطح به آن پرداخته می‌شود. اگر این سه کفایت در حوزه توصیف زبان را در نظر بگیریم، می‌توانیم از آن برای سایر تحلیل‌های حوزه علوم انسانی از آن استفاده کنیم.

زبان‌شناسی پیکره‌ای

قیومی ضمن بیان اینکه در مطالعات زبان‌شناسی یک تغییر روش‌شناسی اتفاق افتاده که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده‌است، گفت: بعداز سال ۱۹۶۴ که چامسکی سه سطح کفایت را مطرح کرد، در سال ۱۹۶۷ مطالعات زبان‌شناسی مبتنی بر پیکره زبانی که اصطلاحاً زبان‌شناسی پیکره‌ای نامیده می‌شود، مطرح شد. به‌طورکلی، دو رویکرد در زمینه پژوهش‌های زبانی مبتنی‌بر پیکره مطرح است که موجب تسریع این قابلیت به سایر حوزه‌های علوم انسانی می‌شود (توگینی-بونلی، ۲۰۰۱):

الف) مطالعات پیکره-بنیان: در این مدل مطالعه، یک فرضیه وجود دارد و سعی می‌شود با بررسی حجمی از داده‌های زبانی شواهدی از پیکره یافت شود که امکان قبول یا رد این فرضیه را فراهم آورد.

ب) مطالعات پیکره-محور: در این فرآیند هیچ فرضیه اولیه وجود ندارد و کفایت شهودی بررسی و تلاش می‌شود



از کفایت شهودی به توصیفی دست یافته شود تا از توصیف به دانشی که کفایت تبیینی است، برسیم. برای تحقق کفایت تبیینی می‌توان از شیوه‌های رایانشی مبتنی بر علم داده استفاده کرد. رویکردهای پیکره‌بنیان و پیکره‌محور این امکان را دارد که در سایر حوزه‌های علوم انسانی کاربردی شود. در مطالعات پیکره‌محور، موضوعی با عنوان «علم داده» شکل می‌گیرد. در علم داده از فناوری‌های اطلاعات و هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. هدف علم داده به‌دست‌آوردن دانش از داده‌ها و اطلاعات در محیط پیرامون است. علم داده دارای سه رکن است: علم آمار، علم فناوری اطلاعات و حوزه مورد نظر که قرار است بررسی شود. به‌عنوان مثال زبان‌شناسی، مدیریت و غیره. هر حوزه متغیرهایی دارد که تلاش می‌شود با کمک علم آمار و فناوری اطلاعات از آن در حل مسئله کمک گرفته شود. تمرکز بر این سه رکن می‌تواند در حوزه‌های علوم انسانی به اهداف جدیدی دست یابد. هدف علم داده، کسب دانش است و این دانش در حوزه‌های علم، تجاری و صنعتی می‌تواند امکاناتی را برای زندگی بشر فراهم کند. کارکرد دیگر علم داده در سیاست‌گذاری‌های کلان است به این صورت که دانش به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها بتواند در تصمیم‌گیری‌ها یا تدوین برنامه‌های توسعه‌ای استفاده شود. امروزه موضوع حکمرانی داده در محافل مدیریتی کشور مطرح است که بیانگر اهمیت توجه به این موضوع است. برای نمونه، اخیراً پلیس هوشمند مطرح شده‌است که هدف آن استفاده از علم داده برای مسائل امنیتی در جامعه ایران است.

علم داده

وی در ادامه با بیان اینکه علم داده با مطرح‌شدن موضوع کشف اطلاعات و تحلیل محتوایی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفته‌است. گفت: علم داده توسط توکی (۱۹۶۲) با عنوان «تحلیل داده» معرفی شده‌است. در همایش آمار در سال ۱۹۹۲، مفاهیم و اصول و روش‌های آماری در تحلیل داده مشخص شد و مفهوم اولیه علم داده در سال ۱۹۹۸ توسط چیکو هایشی شکل گرفت که شامل طراحی، جمع‌آوری و تحلیل داده است. علم داده مفهومی است که با علوم رایانه و آمار کره خورده‌است. در سال ۱۹۷۴، اصطلاح «علم داده» توسط پیتر نارو جایگزین «علم رایانه» شد، ولی مورد پذیرش جامعه علمی قرار نگرفت. در سال ۱۹۹۷ اصطلاح علم داده توسط جف وو به جای «علم آمار» به‌کار رفت که مجدداً در جامعه علمی آمار نیز مورد پذیرش قرار نگرفت. نهایتاً با توجه به تحولات فناوریانه دیجیتال و نهادینه‌شدن آن در جامعه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، مفهوم امروزی علم داده توسط کلوند (۲۰۰۱) ارائه شد که متشکل از علم آمار و داده کاوی است.

رابطه میان علم داده، تجزیه و تحلیل داده و تحلیل داده

قیومی تحلیل داده را حوزه دیگری دانست که توسط توکی (۱۹۶۲) در علم داده در نظر گرفته شده است و افزود: اما تحلیل داده جای خود را به تجزیه و تحلیل داده سپرد. کائو (۲۰۱۷) مفهوم نوینی از تجزیه و تحلیل داده ارائه کرد که برگرفته از توسعه داده کاوی است و هدف آن کشف دانش و یادگیری ماشین به‌همراه مفهوم اولیه تحلیل داده است و در آن تلاش می‌شود تجزیه و تحلیل توصیفی حاصل از آمار توصیفی به‌دست آید. با این حال، میان علم داده و تجزیه و تحلیل داده تمایز وجود دارد. آشیم و دیگران (۲۰۱۵) و فیاد و هموتچو (۲۰۲۰) تفاوت میان این دو را تا حدودی مشخص کرده‌اند که در زیر خلاصه شده‌است:

الف) میل علم داده بیشتر به سمت تحلیل پیشگویانه و فراهم‌آوردن تصویر کلی است درحالی‌که تجزی و تحلیل داده میل کمتری به تحلیل پیشگویانه داشته و در آن تلاش می‌شود وضعیت حال توصیف شود.

ب) در علم داده بیشتر از یادگیری ماشین استفاده می‌شود درحالی‌که در تجزیه و تحلیل داده استفاده از یادگیری ماشین کمتر است.

پ) در علم داده از هر دو داده ساختاریافته یا ساختاریافته استفاده می‌شود درحالی‌که در تجزیه و تحلیل کلام از یک منبع داده ساختاریافته استفاده می‌شود.

ت) در علم داده از روش‌های پیکره‌محور و بدون وجود فرضیه اولیه استفاده می‌شود. در علم داده پیش‌پردازش داده نیاز است و موضوع کلان‌داده مطرح می‌شود. درحالی‌که در تجزیه و تحلیل داده از روش‌های پیکره‌بنیان مبتنی بر وجود فرضیه استفاده شده و در آن تلاش می‌شود با جست‌وجو در داده الگو از داده‌های ساختارمند یافته تهیه گردد. میان تجزیه و تحلیل داده و تحلیل داده تفاوت‌هایی وجود دارد.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها برای پردازش داده‌ها از انواع فناوری‌ها استفاده می‌شود و در آن تلاش می‌شود با کمک فناوری دانش مخفی کشف شود. در این فرایند از تجزیه و تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی استفاده نمی‌شود. درحالی‌که در تحلیل داده از ابزارهای آماده آماری استفاده شده و به استفاده از تحلیل استنباطی به تحلیل توصیفی پرداخته می‌شود و در آن دانش مخفی کشف نمی‌شود.

رابطه داده، اطلاعات و دانش

قیومی با بیان اینکه ما در علم داده به دنبال کسب دانش هستیم، گفت: نیاز است بدانیم چه رابطه بین داده و دانش وجود دارد. نکته قابل تأمل این است که دانش به‌سادگی و تصادفی حاصل نمی‌شود. دانش وابسته به اطلاعات موجود در داده است. بنابراین بین اطلاعات و داده تفاوت وجود دارد. اگر سلسله‌مراتب دانش را در نظر داشته باشیم سه مفهوم اطلاعات، داده و دانش در یک هرم به این صورت در نظر گرفته شود که پایین هرم داده است و بالای هرم دانش است و میان این دو اطلاعات وجود دارد. به اعتقاد برین (۱۹۹۵)، داده، مواد خام است و هیچ پردازشی بر روی آن صورت نگرفته است و اطلاعات، داده‌های معنادار و کاربردی است تا بتوان دانش را از آن استخراج کرد. روچستر (۱۹۹۶) می‌گوید اطلاعات مجموعه‌ای از داده‌های سازمان‌یافته است. میدو و یووان (۱۹۹۷) معتقدند که داده دارای معنای کم یا بدون معناست و اطلاعات حاوی معنا و برای ماشین دارای اهمیت است و دانش انباشت و ادغام اطلاعاتی است که به واسطه پردازش‌های ماشینی استخراج می‌شود. درتسکه (۲۰۰۰) اذعان می‌دارد که اطلاعات صورتی است که دارای تجلی عینی است و دانش خصیصه صورت است. لئسکی (۲۰۰۴) داده را عناصر ملموس می‌داند. اطلاعات لایه میانی بین عناصر ملموس و سطح انتزاعی است و دانش سطح معنایی انتزاعی است. دالکیر (۲۰۰۵) داده را محتوایی تعریف کرده‌است که قابل دیدن یا قابل تغییر باشد؛ اطلاعات بازنمایی داده تحلیل شده است و دانش اطلاعات نظری و مفید است.

بخش‌های علم داده

در ادامه قیومی ضمن بیان اینکه علم داده از ۷ بخش تشکیل شده‌است، ۷ بخش مذکور را توضیح داد:

درک مسئله

در درک مسئله موضوعی که مدنظر است، بررسی می‌شود و درک عمیقی نسبت به مسئله ایجاد می‌شود. براساس آن سؤالات مطرح و اهداف تعیین شود. متغیرها یافت شده و راه‌کاری برای ارزیابی راه حل آن مسئله مشخص می‌شود. براساس این اطلاعات نقشه راه ترسیم می‌شود. در این فرایند به پیشینه نیز توجه می‌شود تا مشخص چه کسانی درمورد آن مسئله تجربه دارند تا از تجربیات آنان نیز استفاده شود. بنابراین، درک مسئله، به‌عنوان مرحله اول در علم داده بسیار پراهمیت است.

جمع‌آوری داده

در این مرحله به گردآوری داده توجه می‌شود. هر نوع داده‌ای نمی‌تواند برای هر کاری مفید باشد. در علم داده داده‌هایی مفید است که به حل مسئله کمک نماید. بنابراین، درک مسئله اثر بسیار مهمی بر تعیین نوع داده‌هایی که باید گردآوری شود، دارد. انواع داده‌ها عبارت است از صوتی، تصویری، متنی و عددی. منابع که می‌تواند برای جمع‌آوری انواع داده‌ها استفاده شود عبارت است از وب، پایگانی‌ها، کتابخانه‌ها و غیره. اکنون که منابع و نوع داده‌ها مشخص شد باید به شیوه گردآوری داده‌ها پرداخت که عبارت است از خزش از وب، جمع‌سپاری در محیط وب و توزیع پرسش‌نامه.

پس از گردآوری داده‌ها دو موضوع مطرح می‌شود. یکی موضوع ذخیره داده است که بحث پایگاه داده در این زمینه مطرح می‌شود و دیگری موضوع چگونگی استفاده از داده‌ها است. گفتنی است در جمع‌آوری داده، بحث کلان‌داده مطرح می‌شود. کلان‌داده، به مفهوم حجم زیادی از داده است و سرعت در تولید محتوا نیز در کلان‌داده مطرح است. وجود عدم قطعیت در صحت داده‌ها هم ازجمله مباحث دیگری است که حائز اهمیت می‌باشد، به‌عنوان مثال اخبار جعلی که در حوزه‌های متفاوت مطرح می‌شود. باید راه‌کاری را ایجاد کنیم، چون از منابع مختلفی برای کسب داده استفاده می‌شوند. در بحث داده‌ها، پیش پردازش خواهیم داشت،

پیش‌پردازش داده

داده‌های بسیار متنوعی در کلان‌داده از منابع مختلف به‌دست می‌آید، از این جهت نمی‌توان به‌طور مستقیم داده‌هایی که به‌دست می‌آید را استفاده کرد. برای رفع این مشکل باید پیش‌پردازش انجام شود تا یکدستی نسبی در داده‌ها ایجاد شود و داده‌های ناقص برای جلوگیری از نوفه پالایش شود.

داده‌کاوی

برای اینکه بتوانیم از داده‌ها استفاده کنیم می‌توانیم الگوها و رفتارهای موجود در داده‌ها را به‌نوعی بیابیم و جست‌وجو کنیم. این کار به‌صورت الگوریتم پردازشی انجام می‌شود. چنانچه داده‌هایی که قصد پردازش داریم داده‌های متنی باشد به آن متن‌کاوی گفته می‌شود. در داده‌کاوی بحث پایگاه داده را خواهیم داشت و سپس یادگیری ماشین و هوش مصنوعی مطرح می‌شود.

تعیین ویژگی‌ها

گام اول علم داده درک مسئله بود. در گام چهارم تلاش شد از روش‌های داده‌کاوی برای حل مسئله استفاده شود. برای پردازش‌های الگوریتمی نیاز است ویژگی‌هایی از داده استخراج شود تا از کنار هم قرار گرفتن ویژگی‌ها یکسری الگو به‌دست آید و از آن در مدل پردازشی استفاده شود. این ویژگی‌ها نوعی بازنمایی محتوایی از داده‌ها نیز تلقی می‌شود و انتخاب آن از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. اهمیت آن به حدی است که چگونگی انتخاب ویژگی را با اصطلاح مهندسی ویژگی نیز یاد می‌کنند. بهترین ویژگی‌ها در یک مدل تجربی مبتنی بر سعی و خطا به‌دست می‌آید.

مدل‌سازی داده

اساساً مدل‌سازی که در حوزه رایانه وجود دارد مبتنی بر شناخت انسان از محیط اطراف استوار است. مدل‌سازی چگونگی عمل‌کرد مغز در محیط رایانه سبب ورود به بحث یادگیری ماشین می‌شود. در یادگیری ماشین نیاز است از میان داده‌ها ویژگی‌های مفید استخراج شود و در یک فرایند پردازشی مورد استفاده قرار گیرد.

دو روش کلی یادگیری ماشین وجود دارد: الف) یادگیری بانظارت: در این نوع یادگیری، یک مدل با استفاده از داده‌های ورودی برچسب‌خورده اولیه آموزش می‌بیند تا بتواند خروجی را برای داده‌های جدید دیده‌نشده را پیش‌بینی کند. انواع الگوریتم‌های یادگیری با نظارت عبارت است از: نزدیکترین k همسایه، رگرسیون خطی، رگرسیون لاجیستیک، ماشین‌بردار پشتیبان، درخت تصمیم، جنگل تصادفی و شبکه عصبی. برای مثال، می‌توان داده‌هایی که حاوی واژه و مقوله دستوری واژه است را به الگوریتم پردازش داد و مدل زبانی را تهیه کرد و سپس یک جمله جدید دیده‌نشده را به‌عنوان داده آزمون به مدل داد و از آن خواست تا مقوله دستوری واژه‌های جمله ورودی را مشخص کند.

ب) یادگیری بدون نظارت: در این نوع یادگیری، الگوهای مخفی یا ساختارهای ذاتی بدون آموزش با استفاده از داده آموزش، به‌طور خودکار از داده‌های ورودی استخراج می‌شود. در این یادگیری، داده‌ها را بر اساس تشابه یا تفاوت بین داده‌ها خوشه‌بندی می‌شود. خروجی این مدل آموزشی خوشه‌هایی با برچسب‌های نامعین و کلی است که نیاز است برای قابل‌فهم‌شدن توسط ناظر انسانی برچسب‌گذاری شود. در خوشه‌بندی از تشابه و تفاوت بین داده‌ها استفاده می‌شود. الگوریتم‌های خوشه‌بندی به دو دسته تقسیم می‌شوند: خوشه و سلسله‌مراتبی. خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی می‌تواند از بالا به پایین باشد یا برعکس.

تجزیه و تحلیل و بازنمای بصری

بحث تجزیه و تحلیل کیفی و بازنمایی بصری قسمتی از علم داده است که اهمیت به‌سزایی در حل مسئله دارد. این دو یکی از راه‌کارهایی است که به انسان کمک می‌کند تا به درک عمیق برسد. وجود بازنمایی بصری، مثل نمودارها، سبب می‌شود تا به درک عمیق‌تر دست یافته شود.

نمونه عملی تحلیل‌های داده‌محور

در توضیح بخش سوم کار وی گفت: سامانه تحلیل مستندات علمی نمونه سامانه‌ای است که در آن تلاش شده‌است در چارچوب علوم انسانی دیجیتال به تحلیل داده‌محور مقالات علمی نگارش‌شده به زبان فارسی بپردازد. در این پژوهش، حجم زیادی از مقالات از وبگاه‌های مختلف خزش شده و پالایش شده‌است و به شکل یک پایگاه داده ساختارمند شده‌است. بعضی از داده‌ها حاوی برچسب موضوعی بود و برخی نبود. از این‌رو، پس از پالایش داده‌ها و محدودکردن آن به مقالات علوم انسانی، یک مدل پردازشی تهیه شد که بتواند مقالات را به یکی از حوزه‌های ۱۶گانه در علوم انسانی تخصیص دهد. در مرحله بعد، تحلیل موضوعی مقالات با استفاده خوشه‌سازی انجام شد.

این پردازش بر این ایده بنا نهاده شده است که هر مقاله از چندین موضوع تشکیل شده است و هر موضوع نیز با واژه‌های خاصی بیان می‌گردد. بنابراین قرار گرفتن مقالات مشابه در یک خوشه بیانگر وجود تشابه در موضوع بحث شده در مقالات است. با شمارش مقالات در هر خوشه می‌توان به توزیع آماری مقالات دست یافت. این مقالات در زمان‌های مختلفی منتشر شده است که می‌توان مؤلفه زمان را نیز در تحلیل وارد کرد و اطلاعات را براساس بازه زمانی مورد نظر استخراج کرد. می‌توان خوشه‌ها را براساس موضوعات درون هر خوشه برچسب‌گذاری کرد و معنای عمیق‌تری به تحلیل راینشی بخشید. نمایش بصری خوشه‌ها در این سامانه وجود دارد. ویژگی نمایش بصری در این است که می‌توان به‌لحاظ گرافیکی خوشه‌هایی که از نظر موضوعی به یکدیگر نزدیک است یا تداخل موضوعی ممکن است در آنها پدید آید را مشاهده کرد. در این سامانه امکان جست‌وجوی مقالات مشابه براساس عنوان و چکیده وجود دارد که می‌تواند نقش به‌سزایی در کمک به دانشجو برای یافتن مقالات یا عناوین مشابه با محتوا یا عنوان پیشنهادی توسط وی ایفا کرد.

جمع‌بندی

قیومی در جمع‌بندی سخنرانی خود گفت: در مطالعات مرتبط با حوزه علوم انسانی، رویکرد داده‌بنیان و رویکرد داده‌محور بسیار پرکاربرد است. رویکرد داده‌محور، توجه خیلی زیادی را به خود جلب کرده است. علم داده مبتنی بر این نوع رویکرد است. از آنجاکه امروزه در محیط اطرافمان داده‌های متنوعی وجود دارد استفاده از علم داده اجتناب‌ناپذیر است. برای فائق آمدن بر شرایطی که در جهان پیش‌رو برای مطالعات مربوط به علوم انسانی و اجتماعی می‌توان متصور شد این است که با آغوش باز از فناوری اطلاعات در حوزه علوم انسانی دیجیتال برای مطالعات استفاده شود. برای ورود به این حوزه می‌توان با شیوه مطرح‌شده در علم داده به بررسی مسئله علوم انسانی و اجتماعی پرداخت.



دانشگاه بزرجان
فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات انسانی

گروه پژوهشی مدیریت
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

نشست چهارم

سلسله نشست‌های همایش
روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی:
رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو

سخنرانان:
دکتر مسعود قیومی
جایگاه تحلیل‌های داده‌محور در علوم انسانی دیجیتال

دکتر اتوسا رستم بیگ
علوم انسانی رایانشی: معرفی چند ابزار

مدیر جلسه:
دکتر الهام ابراهیمی

یکشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۲ ساعت: ۸ تا ۱۰

مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

مجازی: <https://b2n.ir/x49098>

علوم انسانی رایانشی؛ معرفی چند ابزار

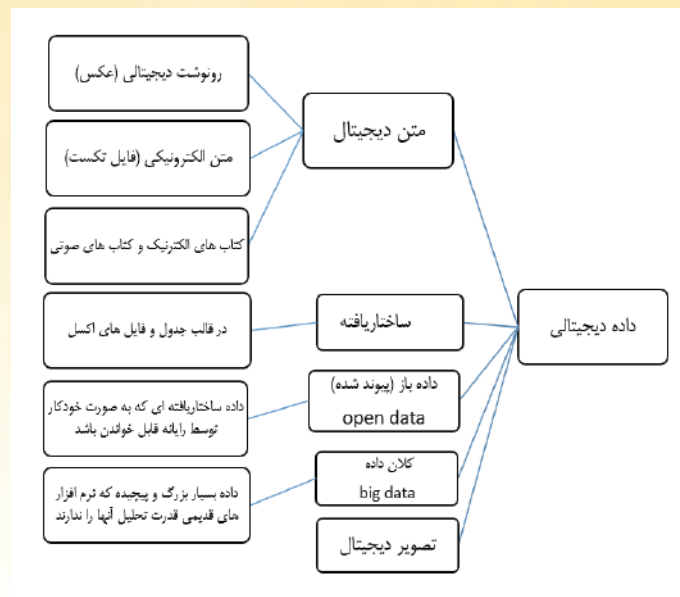


سخنران بعدی نشست، دکتر آتوسا رستم‌بیک (دانشیار پژوهشکده زبان‌شناسی و مدیر گروه زبان‌شناسی عمومی) سخنانش را با موضوع «علوم انسانی رایانشی؛ معرفی چند ابزار» آغاز کرد و گفت: اغلب پژوهشگران حوزه علوم انسانی کاربر نرم‌افزارهایی که در سخنرانی «جایگاه تحلیل‌های داده‌محور در علوم انسانی دیجیتال» (دکتر مسعود قیومی) مطرح شد، هستند. امروزه شاهد این هستیم که تحلیل‌های رایانشی در بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی به کار گرفته می‌شود و نرم‌افزارهای تحلیل کیفی، کمی و محاسبات آماری گوناگونی در دسترس پژوهشگران قرار دارد. در ادامه به برخی از این نرم‌افزارهای کاربردی و برخی از چالش‌های رایانشی شدن علوم به ویژه علوم انسانی پرداخته می‌شود.

وی ادامه داد: امروز از علوم انسانی رایانشی، Techno-

humanities نام برده می‌شود که منظور به‌کارگیری فناوری (تکنولوژی) در علوم انسانی است که مهم‌ترین آن شاید همان فرآیند دیجیتالی شدن داده‌ها، پرسش‌نامه‌ها و فرایند تحلیل باشد که در مقابل علوم انسانی سنتی مبتنی بر مشاهده و استفاده از کاغذ، مصاحبه، پرسش‌نامه کاغذی و ... قرار می‌گیرد. ابتدایی‌ترین پیامد علوم انسانی رایانشی حذف کاغذ و جایگزینی آن با متون دیجیتال است. امروزه دیگر بحث انتخاب و علاقه به علوم انسانی رایانشی مطرح نیست؛ بلکه صحبت از یک ضرورت و نیاز است. هر یک از ما در سطحی با متون الکترونیک دیجیتال سروکار خواهیم داشت؛ متونی که قالب‌های (format) مختلفی دارد، گاهی به‌صورت عکس ذخیره می‌شوند و پژوهشگر با این آرشیوهای دیجیتالی مواجه است و کتاب‌ها و کتابخانه‌های دیجیتالی اصلی‌ترین منابع در دسترس او هستند. در چنین شرایطی، آشنایی با انواع فرمت داده دیجیتالی، چگونگی تبدیل آنها به یکدیگر، هم‌خوانی نداشتن فرمت‌ها با تنظیمات برخی از رایانه‌ها از جمله چالش‌هایی است که پژوهشگر روزانه با آنها مواجه است. در نهایت با نگاهی تخصصی‌تر، پژوهشگران اغلب مجبور هستند با داده‌بازی که در فضای مجازی در اختیار دارند کار کنند، داده معتبر را از غیرمعتبر شناسایی کنند و بر مبنای همان پیکره داده دیجیتالی تحلیل‌هایشان را انجام دهند. تحلیل‌های مبتنی بر پیکره به‌ویژه در علوم انسانی، چه از منظر کیفی و چه کمی این امکان را فراهم می‌آورد، که نتایج قابل اعتمادتری ارائه شوند و پژوهشگر صرفاً بر مبنای برداشت شخصی خود تحلیلی ارائه ندهد، بلکه بر مبنای حجم زیادی از داده صحبت خواهد کرد، امکان دفاع از مطلبی که بیان می‌شود وجود دارد. این حداقل دستاورد استفاده از پیکره‌های بزرگ و به‌کارگیری ابزارهای تحلیل رایانشی کمی و کیفی در علوم انسانی است.

رستم‌بیک با بیان اینکه بی‌شک، این دیجیتالی و رایانشی شدن داده، کل فرایند پژوهش را تحت تأثیر قرار می‌دهد، گفت: از گردآوری داده تا ارائه نتایج. امروزه، ابزارهای مختلفی برای گردآوری داده‌ها به‌صورت صوتی و تصویری وجود دارد و روز به روز به تعداد و تنوع و کیفیت آنها افزوده می‌شود. این تغییر و تحول را نمی‌توان نادیده گرفت و یا بر استفاده از روش‌های سنتی اصرار ورزید. این مسائل بی‌تردید روند پژوهش و عملکرد پژوهشگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. پس آیا ممکن است با علوم انسانی دیجیتال در ارتباط نباشیم؟ پاسخ منفی است، زیرا اگر مستقیماً هم به این حوزه ورود نکنیم، از تغییراتی که رایانشی شدن علوم در پی دارد، متأثر هستیم و در صورت همراه نشدن با فناوری‌ها، در نقطه‌ای از مسیر پژوهش، با مانعی برخورد خواهیم کرد که به‌طور کلی از مسیر باز می‌مانیم. امروزه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای یا میان‌رشته‌ای یکی از موضوعات بسیار مهم و مورد توجه است. پژوهشگران باید این توانایی و ظرفیت را داشته باشند که خود به‌طور مستقیم کاربر نرم‌افزارها و ابزارهای رایانشی نیستند، با پژوهشگران دیگر که از این نرم‌افزارها استفاده می‌کنند، همکاری داشته باشند. بنابراین لازم است که درک کنند چه موضوعی در جریان است، با اصطلاحات حوزه مورد نظر آشنا باشند و در واقع همه پژوهشگران ناگزیر هستند هرچند اندک، اطلاعاتی در این زمینه داشته باشند. نمودارهای ۱ انواع داده دیجیتالی در دسترس برای پژوهشگران را نمایش می‌دهند.



انواع داده دیجیتالی

وی در ادامه به در پاسخ به این سوال که آیا همه این تغییرات و نتایج آن مثبت بوده است یا خیر، گفت: در واقع این طور نیست. دیجیتالی شدن، نقاط مثبت و منفی دارد. برخی از نقاط قوت به کارگیری رایانه و نرم افزارهای رایانشی در علوم انسانی به این شرح است: سرعت و دقت بالا می رود و جابه جایی داده راحت تر صورت می گیرد، حجم زیادی از داده (مثلاً با فلش) قابل انتقال است به جایی این که لازم باشد برگه های متعددی را همراه داشته باشیم. امکان داشتن داده های چندرسانه ای وجود دارد که به ویژه در حوزه علوم انسانی که هدف آن به طور کلی شناخت انسان است، اهمیت بسیاری می یابد. مطالعه رفتار انسان در موقعیت های مختلف یا ارتباطات انسانی، اکنون با وجود ابزارهای مختلف ضبط صوت و تصویر و ویدئو بیش از پیش ممکن شده است. به عنوان نمونه، در حوزه مدیریت، آنچه بر اساس ارتباطات شخصی یا مطالعه شیوه مدیریت فردی به دست داده می شود و یا حوزه زبان شناسی تحلیل ها و بحث های زبانی فقط مبتنی بر یک یا چند متن محدود هستند، به ارائه تحلیلی کامل و قابل تعمیم از یک پدیده نمی انجامند. برای حل این مسائل است که شیوه ها و ابزارهای نوین پیشنهاد شده اند؛ از جمله استفاده پژوهشگر از ابزارها و تحلیل های چند رسانه Multimodal analysis. به عنوان نمونه در حوزه تحلیل گفتمان، با استفاده از شیوه تحلیل گفتمان چندرسانه ای یا چندوجهی تحلیل نه تنها مبتنی بر متن نوشتاری یا گفتاری است بلکه شیوه حرکت حتی پلک زدن های فرد نیز در تحلیل وارد می شود. مطابقت محتوا، با صوت و شیوه بیان و نیز زبان بدن سخن گو ارائه تحلیلی جامع را میسر می کند. بدون وجود این ابزارها و تحلیل ها، کاستی های پژوهش ها بیشتر خواهد بود. تحلیل های کمی دقیق تر و گسترده تر بدون نیاز به داشتن دانش آماری تخصصی، تحلیل های کیفی مبتنی بر پیکره و دسترسی به حجم زیاد داده، از جمله نقاط مثبت علوم انسانی دیجیتال است.

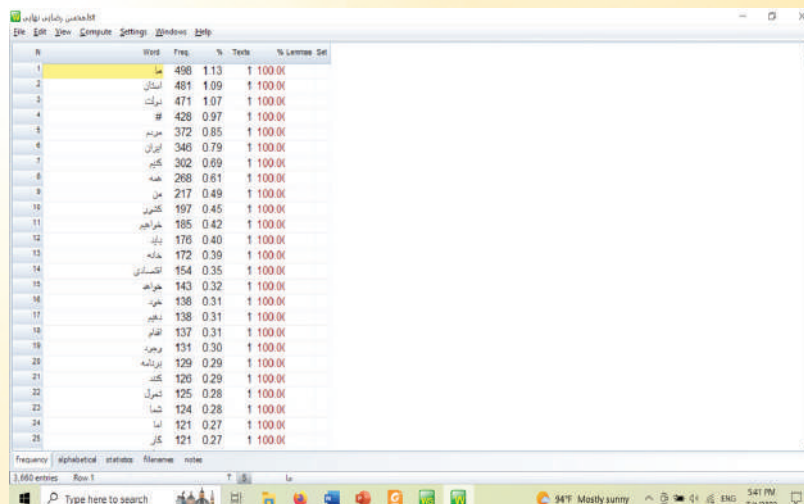
چالش های پیش رو در دیجیتالی و رایانشی شدن علوم انسانی

رستم بیک در ادامه به این سوال پرداخت که چالش های پیش رو در دیجیتالی و رایانشی شدن علوم انسانی چیست و گفت: در پاسخ از میان نقاط ضعف علوم انسانی دیجیتال به چند مورد ملموس توجه کنید: آیا در دانشگاه ها و پژوهشگاه های سطح کشور به دانشجویان و پژوهشگران آموزش کافی و کاربردی داده می شود؟ این امکان در سطح کشور به صورت بسیار محدود صورت می گیرد. یک موضوع مهم دیگر، تغییر مداوم و ارتقاء ابزارها هستند، که این موضوع نیازمند آموزش به کاربران است. روزآمد بودن در استفاده از نرم افزارها موضوع بسیار مهمی است که چندان مورد توجه مدیران سازمان های فعال در علوم انسانی قرار نمی گیرد. غیرقابل استفاده شدن تکنولوژی های قدیمی، که شامل تجهیزات نرم افزاری و سخت افزاری کامپیوترها می شود، نیاز به روزآیند کردن آنها را به همراه دارد یعنی باید بودجه ای برای این موضوع در نظر گرفته شود. از چالش های دیگر، دسترسی به ابزارها و داده های دیجیتالی است که گاهی با موانع پیش بینی نشده مواجه می شویم.

به‌عنوان نمونه، یکی از ابزارهای کاربردی جدید، نمایش دیداری تحلیل‌ها یا انجام فرآیند تحلیل با استفاده از نقشه است. یکی از نرم‌افزارهای که در حوزه گویش‌شناسی پرکاربرد است، نرم‌افزار گیب مپ Gabmap نام دارد. در این نرم‌افزار، مکانی (جایگاهی) پژوهشگر قصد دارد گویش آن منطقه را بررسی کند بر روی نقشه دیجیتالی مشخص می‌شود. نقشه که وارد نرم‌افزار می‌شود از طریق گوگل ارث Google Earth به‌دست داده می‌شود. حدود یک سال و نیم گذشته که در حال آموزش این نرم‌افزار به دانشجویان دوره دکترا بودم، تارنمای گوگل ارث فیلتر شد. به این ترتیب، علاوه بر محدودیت‌هایی که ذاتی کاربست ابزارهای رایانشی و دیجیتالی هستند، فیلترینگ نیز از دیگر محدودیت‌های پیش روی پژوهشگران است. امکان آشنایی با نرم‌افزارها در YouTube موجود است که دسترسی به یوتیوب در ایران فیلتر است. مسئله دیگر تحریم‌ها است، برای استفاده از بسیاری از نرم‌افزارها باید هزینه پرداخت شود که به‌دلیل تحریم‌ها برای پژوهشگر ایرانی امکان پرداخت وجود ندارد. بسیاری از سایت‌ها فیلتر شده‌اند و از طرفی به‌دلیل تحریم‌ها حتی دسترسی به سایت‌های دانشگاهی محدود شده است. هنگامی که از علوم انسانی دیجیتال و تشویق پژوهشگر به استفاده از ابزارها صحبت می‌شود، باید دسترسی به ابزار برای پژوهشگر فراهم شود، این موارد از مسائلی است که باید سیاست‌گذاران پژوهش کشور به آن توجه داشته باشند. این موضوع با عنوان چالش‌های بومی مطرح می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، دیجیتالی شدن تمام سطوح پژوهش را متأثر کرده است. نه تنها با نوع داده جدیدی روبه‌رو هستیم، گردآوری داده نیز به شیوه جدید صورت می‌گیرد و به عبارتی داده، گردآوری و روش‌های تحلیل آن تغییر کرده است. چالش پیش‌روی پژوهشگر ایرانی در گردآوری داده چیست؟ استفاده از آرشیوهای دیجیتال مؤسسات، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها موضوعی است که «تحریم» بسیار خودنمایی می‌کند زیرا در بسیاری از موارد پژوهشگران دسترسی به آرشیوهای مذکور را نخواهند داشت. در استفاده از داده دیجیتال، توصیه می‌شود که از گوگل و از موتورهای جست‌وجوی عمومی در مورد موضوع مورد نظر استفاده نشود، بلکه از داده گردآوری شده توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات استفاده شود. زیرا مؤسسات به آن داده به‌گونه‌ای شکل داده‌اند که پژوهشگر می‌تواند به داده مرتب شده و مقوله‌بندی شده دسترسی داشته باشد. از پژوهش‌های پیکره‌بنیاد نیز، به پژوهشگران توصیه می‌شود که از پیکره‌های از پیش تهیه شده و آماده استفاده کنند، حال آنکه در ایران هنوز در حوزه تهیه پیکره به‌صورت نظام‌مند و هدفمند کارهای بسیاری باید صورت گیرد و کاستی‌های بسیاری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری موارد پژوهشگر مجبور می‌شود با استفاده از موتورهای جست‌وجوی عمومی به گردآوری داده و تهیه پیکره بپردازد که قطعاً کاستی‌های بسیاری خواهد داشت.

برخی از برجسته‌ترین امتیازها و چالش‌های دیجیتالی شدن علوم انسانی

شیوه دیگر گردآوری داده در علوم انسانی دیجیتال، استفاده از پرسش‌نامه‌های دیجیتالی است که چه توسط تارنماهای خارج از ایرانی و چه ایرانی در دسترس پژوهشگران قرار دارند. پرسش‌نامه برخط (آنلاین) این امکان را فراهم می‌کند که با ارسال پیوند (لینک) به افراد پرسش‌نامه تکمیل می‌شود. نسخه‌های پیشرفته این نرم‌افزارها هرکدام قیمتی دارد و هر چقدر پیشرفته‌تر باشد، قیمت بیشتر می‌شود و در برخی موارد نرم‌افزار قابلیت انجام تحلیل و نمایش نتایج را نیز دارد.



R	Word	Freq	% Texts	% Lemmas Set
1	ما	496	1.13	1 100.0%
2	انسان	481	1.09	1 100.0%
3	نویک	471	1.07	1 100.0%
4	#	428	0.97	1 100.0%
5	مردم	372	0.85	1 100.0%
6	ایران	348	0.79	1 100.0%
7	کثیر	302	0.69	1 100.0%
8	هه	268	0.61	1 100.0%
9	من	217	0.49	1 100.0%
10	کثیر	197	0.45	1 100.0%
11	خرامیر	185	0.42	1 100.0%
12	داده	176	0.40	1 100.0%
13	فاده	172	0.39	1 100.0%
14	تفصیلی	154	0.35	1 100.0%
15	خواه	143	0.32	1 100.0%
16	غری	138	0.31	1 100.0%
17	نخیر	138	0.31	1 100.0%
18	فنام	137	0.31	1 100.0%
19	روبره	134	0.30	1 100.0%
20	برنده	129	0.29	1 100.0%
21	کنند	126	0.29	1 100.0%
22	نمرد	125	0.28	1 100.0%
23	شما	124	0.28	1 100.0%
24	ما	121	0.27	1 100.0%
25	کار	121	0.27	1 100.0%

به این ترتیب، شاید تنها کاری که پژوهشگر باید انجام دهد، تهیه پرسش‌های صحیح می‌باشد، ادامه کار را نرم‌افزار انجام می‌دهد. اگر کار با نرم‌افزارها بین پژوهشگران رایج شود، انجام بسیاری از پژوهش‌ها حتی در سطح بین‌المللی تسهیل می‌شود. مصاحبه‌ها دیگر مثل قدیم صورت نمی‌گیرد، زیرا در گذشته صرفاً از یک ضبط صوت (رکورد) استفاده می‌شد در صورتی که اکنون صوت و تصویر باهم ضبط می‌شود. جهت پیاده‌سازی فایل صوتی ابزارهای مختلفی وجود دارد؛ از جمله نرم‌افزارهایی که صوت را به متن تبدیل می‌کنند.

تحول در علوم انسانی با رایانشی و دیجیتالی شدن فرایند پژوهش

رستم بیک در ادامه ضمن اشاره به اینکه تحول در علوم انسانی با رایانشی و دیجیتالی شدن فرایند پژوهش در بخش تحلیل نیز مشهود است، گفت: برای نمونه به انجام تحلیل آماری اشاره می‌شود. پیشتر تحلیل‌های آماری به صورت دستی انجام می‌شد و بدون دانش دانش آماری ممکن نبود. امروز ابزارهای تحلیل کمی گوناگونی در دسترس است که یکی از آنها نرم‌افزار اس پی اس اس Spss است که بسیاری از تحلیل‌ها در حوزه علوم اجتماعی و زبان‌شناسی اجتماعی با استفاده از این نرم‌افزار صورت می‌گیرد بدون آنکه پژوهشگر نیاز به داشتن دانش ریاضی و آماری تخصصی داشته باشد. سرعت و دقت در این نوع تحلیل قابل قیاس با تحلیل‌های غیررایانشی نیست. حجم زیاد داده در چندثانیه به شیوه‌های گوناگون تحلیل می‌شود و نتایج نیز به شیوه‌های تصویری گوناگون نمایش داده می‌شود.

وی در ادامه برخی از ابزارهای رایج در پژوهش‌های حوزه علوم انسانی به اختصار معرفی کرد: از متداول‌ترین متن‌های دیجیتالی کتاب‌های صوتی audiobook و کتاب‌های الکترونیک Ebook هستند. امروزه، نسخه‌های چاپی کاربرد چندانی ندارند. تصویرهای دیجیتالی از منابع داده بسیار حائز اهمیت به ویژه در علوم انسانی هستند؛ به عبارتی متن به تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای پژوهشی در حوزه علوم انسانی باشد. «داده باز» اغلب ساختار یافته هستند و رایانه نیز می‌تواند آن‌ها را خوانش کند، بر روی داده ساختار یافته پردازش صورت می‌گیرد مانند خروجی‌های آماری Excel. کلان‌داده، که داده‌های بسیار بزرگی هستند که کامپیوتر معمولی (کامپیوتر پی‌سی) نمی‌تواند تحلیل‌های آن را انجام دهد و نیاز به سرورهای پیشرفته و بزرگ است و عموماً برای سازمان‌های بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. جهت جلوگیری از تمرکز بر روی متن اغلب سعی می‌شود در پژوهش‌ها از داده‌های چند رسانه استفاده شود.

تحلیل داده‌های دیجیتالی مبتنی بر نوع داده صورت می‌گیرد. هر کدام از داده‌ها ابزارهای تحلیل خاص خود را دارند، داده متنی که به کمک رایانه می‌تواند تحلیل شود؛ ساده‌ترین نمونه آن در نرم‌افزار ورد، شمارش تعداد واژه (Wordcount) است، مثال برای ارسال چکیده مقالات، محدودیت وجود دارد، با استفاده از Wordcount تعداد کلمات مشخص می‌شود و در این اقدام از قابلیت دیجیتالی شدن استفاده می‌شود. ورداسمیت WordSmith و آنت کانک Antconc از ابزارهای تحلیل متن (پیکره) تخصصی به شمار می‌روند. نرم‌افزار آرک جی آی اس (ArcGIS) ابزاری برای تحلیل نقشه است و در تمامی حوزه‌ها کاربرد دارد. از نرم‌افزار اطلس تی آی Atlas.ti برای تحلیل داده‌های دیداری (کیفی) می‌توان استفاده کرد. در داده‌های ساختار یافته، معمولاً از تحلیل‌های آماری استفاده می‌شود. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، ممکن است گردآوری از طریق مصاحبه یا ضبط ویدیویی صورت گیرد، در چنین شرایطی نیاز به پیاده‌سازی داده است که برای این کار نیز نرم‌افزارهای مختلفی در دسترس است، مانند اسپچ نونس speechnotes و آی او تایپ aiotype. میکروسافت اکسس Microsoft Access نرم‌افزاری برای مدیریت پایگاه داده است؛ اکسل Excel که اغلب پژوهشگران با آن آشنا هستند، برای تحلیل‌های آماری، تهیه جدول و نمودار استفاده می‌شود. پرات praat نرم‌افزاری که تحلیل‌های آکوستیک از صوت و گفتار را ممکن می‌سازد. تول باکس Toolbox بیشتر در حوزه مدیریت و تحلیل داده به کار می‌رود و از ابزارهای کارمیدانی است. ترانسانا transana برای تحلیل داده صوتی و تصویری به کار می‌رود. همه این ابزارها به‌عنوان ابزارهای کاربردی در حوزه علوم انسانی شناخته می‌شوند؛ تمامی این نرم‌افزارها و ابزارها برنامه‌های آموزشی آن‌ها در یوتیوب Youtube موجود است و می‌توان شیوه کار با نرم‌افزارها را آموخت. در ادامه دو ابزار و روش کاربردی در حوزه تحلیل گفتمان به اختصار معرفی می‌شوند.

ورداسمیت ابزاری برای تحلیل پیکره، متن و مبتنی بر واژه است که در تحلیل‌های زبانی کاربرد فراوان دارد. درون‌داد آن پلین تکست plain text است. در استفاده از این ابزار تحلیل گفتمان پیکره-بنیاد تهیه پیکره مناسب از اهمیت بسیاری برخوردار است. نرم‌افزار قادر است، پیکره ای را که شما به آن می‌دهید، از منظرهای گوناگون و با توجه به رخداد واژه‌ها و روابط واژگانی تحلیل کند. به‌عنوان نمونه، این قابلیت را دارد که به پژوهشگر اطلاع دهد هر واژه چه تعداد و درصدی رخداد داشته است و با مقایسه پیکره با یک پیکره مبنا کلیدواژه‌های پیکره مورد بررسی و درصد کلیدواژگی را مشخص می‌کند.

همچنین، بافت رخداد واژه و واژه‌های هم‌آیند با آن را، با ارائه آمار در اختیار تان قرار می‌دهد. البته لازم به تأکید است که در تحلیل نتایج به‌دست آمده از نرم‌افزار، پژوهشگر باید از توانایی‌های تحلیلی خود استفاده کند و صرف تحلیل آماری ارائه شده توسط نرم‌افزار برای انجام تحلیل گفتمان نمی‌تواند کافی باشد. به‌منظور تحلیل گفتمان سخنرانی‌های نامزدهای ریاست جمهوری ۱۴۰۰ ایران، ابتدا مجموع سخنرانی‌ها و مناظره‌های هر یک از نامزدها در پیکره‌های مجزا گردآوری شد. هر پیکره به‌طور مجزا در نرم‌افزار تحلیل و سپس با سایر پیکره‌ها مقایسه شد تا کلیدواژه‌های سخنان هر یک از نامزدها به‌دست داده شود. اولین خروجی که نرم‌افزار در اختیار قرار می‌دهد، فهرست بسامدی است و بر اساس آن می‌توان دریافت که کدام واژه‌ها یا به عبارتی موضوع‌ها در سخنان هر یک رخداد بیشتر داشته‌اند و بیشتر مورد توجه بوده‌اند. نرم‌افزار این قابلیت را دارد که هر واژه را در درون متن نشان دهد و پژوهشگر می‌تواند به‌صورت عمیق‌تر رخداد واژه در جمله را ببیند. با مقایسه بر مبنای باهم‌آیی‌ها collocations می‌توان تحلیلی دقیق‌تر مبتنی بر پیکره و نه نظر شخصی از متن ارائه داد. به‌عنوان نمونه در سخنان آقای محسن رضایی پس از حذف واژه‌های دستوری مثل «و»، «که» و ... که بسامد بالایی دارند، پرسامدترین کلمات «استان»، «دولت»، «مردم» و «ایران» بوده‌است. مثلاً، در Wordlist پیکره آقای همتی کلمات «من»، «مردم» و «باید» پرسامدترین بوده‌اند.

مقایسه سخنان آقای رئیسی با سایر کاندیدها، کلیدواژه‌های سخنان او را به‌دست می‌دهد. اولین کلید واژه «عدالت»، «قوه قضائیه»، «مردم»، «خوزستان»، «استان قدس» هستند.

تصویر کلیدواژه‌های سخنان آقای رئیسی

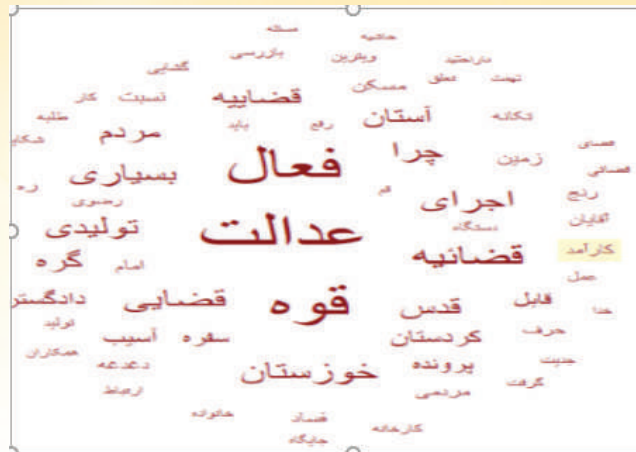
از دیگر امکانات ورداسمیت به‌دست دادن ابر کلمات word cloud است که تصویری از کلیدواژه‌ها ارائه می‌دهد. تصویر ابر کلمات سخنان آقای رئیسی را نشان می‌دهد.

N	Key word	Freq.	%	Tests	RC	RC %	Keywords	P	Lemma	Set
1	عدالت	100	0.23	1	81	0.03	182.01	0.0000		
2	سال	100	0.23	1	88	0.03	173.11	0.0000		
3	فره	79	0.18	1	45	0.02	172.71	0.0000		
4	فصلنامه	34	0.08	1	8		100.11	0.0000		
5	فصلنامه	37	0.08	1	14		95.06	0.0000		
6	خوزستان	80	0.18	1	119	0.04	91.66	0.0000		
7	سخنرانی	97	0.22	1	183	0.06	85.76	0.0000		
8	نماینده	51	0.12	1	47	0.02	85.67	0.0000		
9	فصل	26	0.06	1	4		83.73	0.0000		
10	فرهنگی	46	0.10	1	39	0.01	81.46	0.0000		
11	چرا	127	0.29	1	304	0.10	80.65	0.0000		
12	استان	25	0.06	1	4		79.94	0.0000		
13	فصلنامه	37	0.08	1	22		79.29	0.0000		
14	فره	30	0.07	1	11		77.69	0.0000		
15	مردم	592	1.34	1	2,614	0.88	77.73	0.0000		
16	نگین	32	0.07	1	23		62.31	0.0000		
17	تقدیر	53	0.12	1	79	0.03	60.59	0.0000		
18	دانشگاهی	14	0.03	1	0		57.17	0.0000		
19	مفرد	39	0.09	1	46	0.02	54.81	0.0000		
20	دوره‌ها	35	0.08	1	37	0.01	53.47	0.0000		
21	تأمل	59	0.13	1	111	0.04	52.32	0.0000		
22	سخن	113	0.25	1	330	0.11	50.16	0.0000		
23	زبان	48	0.11	1	79	0.03	49.58	0.0000		

روش دیگری که در تحلیل گفتمان در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است، تحلیل گفتمان چندوجهی است. از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ به این موضوع که معنا صرفاً از طریق زبان منتقل نمی‌شود، توجه بیشتری شد. به‌عبارتی بیان مقصود تنها از طریق کلمات صورت نمی‌گیرد بلکه ویژگی‌های زبرنجیری کلام چون آهنگ کلام، شدت و بلندی و ...، حالات چهره، حالت و حرکات بدن و دست و ... در انتقال معنا نقش دارند. موقعیت نشستن، جابه‌جا شدن روی صندلی، بالا بردن شانه‌ها و کلیه حرکات در حال انجام در تحلیل‌های چندوجهی تأثیرگذار خواهند بود و به همه این موارد در یک فضا گفتمانی باید توجه شود و خیلی وقت‌ها کلامی ادا نمی‌شود ولی با حرکات یا زبان بدن یک پیامی منتقل می‌شود، با توجه به این که معنا فقط از طریق زبان منتقل نمی‌شود و صوت و تصویر و سایر موارد نیز باید در نظر گرفته شود، تن و لرزش صدا می‌تواند معنا دار باشد. از این شیوه تحلیل به ویژه برای مطالعه رفتار یک جامعه (زبانی) می‌تواند استفاده شود.

گردآوری داده در تحلیل گفتمان چندوجهی با استفاده از ابزارهای ضبط صوت و تصویر یا استفاده از داده‌های ویدیویی از پیش ضبط شده امکان پذیر است.

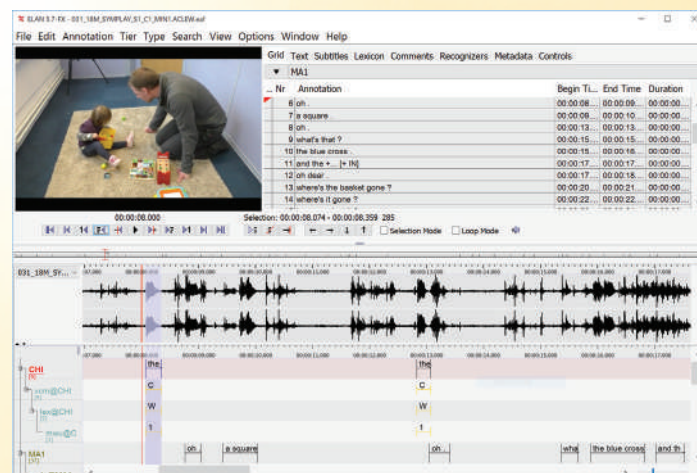
تصویر ابر کلمات سخنرانی‌های انتخاباتی مبتنی بر کلیدواژه‌ها در نرم‌افزار ورداسمیت



ابزار کاربردی دیگری که به ویژه برای ثبت و یا تحلیل داده در مستندسازی زبان و مطالعات حوزه انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و قوم‌شناسی کاربرد دارد، ایلن ELAN نام دارد. در گذشته مستندسازی زبان با استفاده از ثبت واژه‌ها و جملات بر روی کاغذ و در نهایت تهیه واژه‌نامه و کتاب‌های دستور زبان از گونه زبانی مورد بررسی انجام می‌شد. با پیشرفت تکنولوژی و رایانشی شدن علوم انسانی، ثبت داده صوتی و ویدیویی در کنار پیاده‌سازی واژه‌ها و جملات اهمیت بسیاری یافته است. تحلیل رفتارهای زبانی یک جامعه زبانی بدون ثبت ویدیویی امکان‌پذیر نخواهد بود. یکی از این ابزارها، ایلن ELAN نام دارد که از ابزارهای پرکاربرد برای حاشیه‌نویسی تصویر است. تصویر در یک قسمت ایجاد شده است و صوت را می‌توان در زمان مشخص متوقف کرد و این امکان وجود دارد که هر کلمه که ادا می‌شود، نوشته شود و در فضای نرم‌افزار توضیحی برای آن ارائه و به آن داده اضافه شود. تصویر آخر نمونه‌ای از فضای ELAN برای حاشیه‌نویسی فایل‌های ویدیویی است. به این ترتیب، به صورت مختصر بیان شد که یک پژوهشگر یا کاربر در حوزه علوم انسانی که از نرم‌افزارهای مذکور استفاده می‌کند، چه انتخاب‌های گسترده پیش‌رو خواهد داشت به شرط این‌که آگاهی و امکانات لازم برای او موجود باشد..

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihs.ac.ir/fa/news/۲۴۰۹۶>



معرفی مقیاس‌های ارزیابی وضعیت سلامت یک زبان و اهمیت آن در میراث زبانی آسیا

سخنرانی «معرفی مقیاس‌های ارزیابی وضعیت سلامت یک زبان و اهمیت آن در میراث زبانی آسیا» با سخنرانی مریم‌سادات فیاضی، چهارم تیرماه به همت مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد.



دکتر فیاضی در ابتدای سخنانش گفت: در چند دهه اخیر، در معرض خطر بودن زبان‌ها تبدیل به یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان زبان شده است. در این فرایند، به دلایلی چند، گویشوران جوامع زبانی کوچک‌تر و یا فرودست، کاربرد میراث زبانی اجدادشان را کنار گذاشته و شروع به استفاده از زبانی دیگر می‌کنند. این مسئله زمانی پدیدار می‌شود که والدین در گفت‌وگوهای خود با فرزندان‌شان تنها از زبان دوم استفاده می‌کنند و به تدریج انتقال میان‌نسلی کاهش یافته و در نهایت متوقف می‌شود. در نتیجه، دیگر گویشوری نخواهد بود تا به این زبان به‌عنوان زبان مادری یا زبان اول خود سخن بگوید و به این ترتیب مرگ آن زبان رقم می‌خورد و خاموش می‌شود. در این صورت، ردپای آن زبان را تنها در صدهای ضبط شده یا متون مکتوب آن باید جست! و اگر زبانی فاقد هرگونه مستندات باشد به‌طور کامل از میان خواهد رفت. از این‌رو، مستندسازی زبان‌ها برای حفظ میراث زبانی، فرهنگی و دانش گویشوران‌شان واجد اهمیت بسیار است.

وی توضیح داد: هدف نشست حاضر معرفی مقیاس‌های ارزیابی وضعیت سلامت یک زبان است. مقیاس‌هایی که در ادامه به معرفی آنها خواهیم پرداخت از منابع مکتوب و به روش اسنادی گردآوری شده‌اند و ارائه پژوهشگر توصیفی از هر یک از آنها و اشاره‌ای به ویژگی‌های شاخص هر یک از آنهاست. در این پژوهش به دو پرسش پاسخ داده شد؛ نخست، مقیاس‌های ارزیابی وضعیت سلامت یک زبان کدامند؟ دوم، چرا کاربست این مقیاس‌ها برای مطالعه زبان‌هایی که در قاره آسیا به آن سخن می‌گویند واجد اهمیت هستند؟ در ارتباط با مقیاس‌های ارزیابی وضعیت سلامت زبان‌ها، تاکنون مقیاس‌های چندی ارائه شده‌اند که از آن جمله می‌توان به مقیاس گسست بینانسی فیشرمن، چارچوب در معرض خطر بودن زبان یونسکو، مقولات حیات زبان اتنولوگ و مقیاس گسست بینانسی اصلاح‌شده فیشرمن اشاره کرد.

دکتر فیاضی در توضیح چرایی اهمیت کاربست این مقیاس‌ها برای مطالعه زبان‌هایی که در قاره آسیا به آن سخن می‌گویند، شرح داد: در درجه نخست می‌توان به نقش تمدن‌ساز زبان‌ها اشاره کرد که با خاموشی هر زبان، صدمه جبران‌ناپذیری به گنجینه‌ی زبانی، ادبیات، تاریخ، فلسفه و هنر وارد می‌شود. از سوی دیگر بخشی از اطلاعات خاص فرهنگی هر زبان که می‌تواند کلید پاسخ‌گویی به پرسش‌های بنیادینی در آینده باشد از دست می‌رود. از آنجا که هر زبان بیان منحصره‌فردی از تجربه جهان است. در نتیجه، با مرگ آن زبان، شواهد کمتری برای درک الگوهای موجود در ساختار و نقش زبان، انسان ماقبل تاریخ و همچنین تنوعات زیست‌محیطی در اختیار خواهیم داشت و بیش از هر چیز گویشوران این زبان‌ها از دست دادن زبان‌شان را به منزله از دست دادن هویت اصلی فرهنگی و قومی خود تجربه خواهند کرد. در نتیجه، احساس نابرابری در آنها رشد خواهد کرد که می‌تواند زمینه‌ساز تعارض‌های اجتماعی شود. حفظ زبان‌های بومی برای امنیت و پایداری صلح در مناطق مختلف واجد اهمیت است و در نهایت مطالعه خود زبان به‌عنوان سوژه پژوهش‌های زبانی را نیز نباید از نظر دور داشت.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۰۵۴>

بزرگداشت استاد فقید شادروان دکتر احمد صفارمقدم

مراسم بزرگداشت استاد فقید شادروان «دکتر احمد صفارمقدم»، عضو هیأت علمی بازنشسته پژوهشکده زبان‌شناسی، ۲۵ تیرماه در سالن تمدن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اعضای خانواده، همکاران، و استادان مدعو به پاس خدمات بزرگ و ارزنده این استاد تازه درگذشته به زبان فارسی، برگزار شد. مراسم با پخش کلیپی از استاد مرحوم احمد صفارمقدم و نمایش آثار و دستاوردهای ایشان و قرائت قرآن آغاز شد و در ادامه دکتر سیروس نصراله‌زاده، رئیس پژوهشکده زبان‌شناسی پس از عرض تسلیت، سخنرانی خود را آغاز کرد. سپس استادان و همکاران ایشان در پژوهشکده زبان‌شناسی سخنرانی‌های خود را ارائه دادند.



در این مراسم دکتر مدرّسی تهرانی، استاد بازنشسته پژوهشکده زبان‌شناسی، دکتر طیب‌زاده و دکتر دالوند، اعضای هیأت علمی پژوهشکده زبان‌شناسی، تیمسار سعید ملک‌زاده، دکتر نعمت‌زاده، دکتر آزیتا افراشی، رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری و دکتر فاطمه راکعی، استاد بازنشسته پژوهشکده زبان‌شناسی سخنرانی کردند. همچنین دکتر مصطفی عاصی، استاد بازنشسته پژوهشکده زبان‌شناسی و دکتر سلیمانی، مدیر مرکز تحقیقات فارسی دهلی‌نو، سخنرانی خود را به صورت مجازی ارائه کردند.

دکتر نصراله‌زاده، در بخشی از سخنانش گفت: خاموش شدن این شمع نورانی، استاد فرهیخته و اندیشمند فرزانه شادروان دکتر احمد صفارمقدم که سال‌های سال با علو همت زیستند، بدون تردید واقعه اسفناک و جبران‌ناپذیری برای جامعه علمی کشور به‌شمار می‌رود. و در ادامه متن پیام تسلیت خود را این‌گونه قرائت کردند:

وز شمار خرد هزاران بیش

از شمار دو چشم یک تن کم

دکتر احمد صفاریمقدم (۱۳۲۱ نیشابور - ۱۴۰۲ نیشابور)

خبر درگذشت استاد و پیشکسوت پژوهشکده زبان‌شناسی و پژوهشگاه علوم انسانی سبب اندوه و غم بسیار همکاران، دوستداران و دانشجویان ایشان شد. از ویژگی‌های شخصی استاد باصفابودن، راست‌کاری و خدمت صادقانه بود. حضور استاد در پژوهشکده با خنده همیشگی و خوش‌محضری و شوخ‌طبعی، همیشه مشوق همه همکاران بود. دکتر صفاریمقدم از نخستین دانشجویان زبان‌شناسی همگانی (۱۳۴۷) در دانشگاه تهران بودند. در سال ۱۳۵۲ به استخدام فرهنگستان زبان درآمدند؛ پس از انقلاب در مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی / پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به خدمت خود ادامه دادند و در سال ۱۳۹۷ بازنشسته شدند. از خدمات مهم و بنیادی ایشان تهیه کتاب‌هایی مهم در زمینه آموزش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی به غیرفارسی‌زبانان «آزופا» بود. نیاز به تدوین چنین کتاب‌هایی در دو مأموریت آموزشی ایشان به بوسنی و کره جنوبی حس شد و زانپس اهم وقت خود را در تدوین و توسعه این نیاز قرار دادند.

به‌واقع، یادگار مهم استاد در خدمت به زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان پیشبرد این دانش است و سال‌ها در مراکزهای زبان آموزش زبان فارسی در خارج از ایران تدریس می‌شد.

پژوهشکده زبان‌شناسی با عرض تسلیت دوباره به حضور همه بزرگواران پژوهشگاه و خادمان زبان و فرهنگ زبان فارسی و جهان ایرانی، برای این استاد درگذشته مراسم بزرگداشتی برگزار می‌شود. خداوند بزرگ، ایشان را بیامرزد و روانشان در بهشت جاودان به شادی و رامشی باد.



مراسم جشن عید سعید غدیر خم برگزار شد

به مناسبت عید سعید غدیر خم، مراسم جشن عید سعید غدیر خم (عید عظمای ولایت و امامت) به همت معاونت کاربردی سازی علوم انسانی و فرهنگی و با همکاری بسیج اساتید پژوهشگاه، در تالار تمدن برگزار شد.

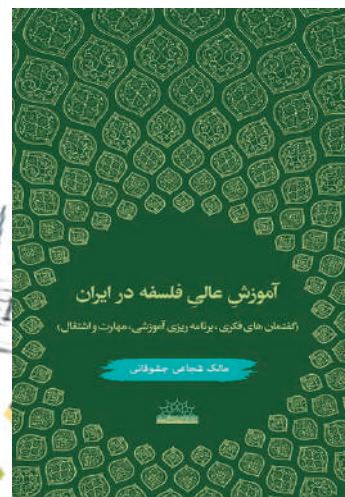
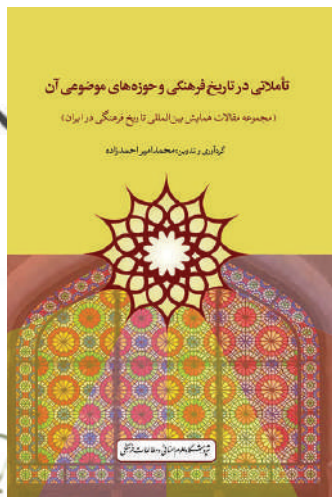
در این مراسم که سیزدهم تیرماه ۱۴۰۲ و با حضور همکاران، پژوهشگران، استادان و مدیران بخش‌های مختلف پژوهشگاه برگزار شد، علاوه بر برگزاری مراسم مولودی‌خوانی و پخش نماهنگ‌های مختلف مذهبی، جوایزی به قاریان قرآن این مرکز علمی-پژوهشی و همچنین جوایزی نیز به اعضای پژوهشگاه با نام مبارک علی (براساس قرعه‌کشی) اهداء شد و از برندگان مسابقه مدیریت فرهنگی در زمینه نهج‌البلاغه، تجلیل به عمل آمد.

در ادامه گزارش تصویری این مراسم از نظرتان می‌گذرد:

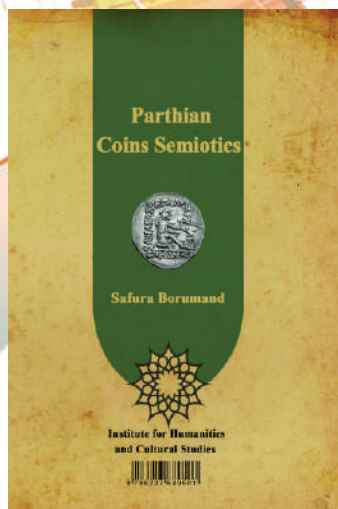




آثار جدید انتشارات پژوهشگاه



آثار جدید انتشارات پژوهشگاه



لینک فایل صوتی سایر نشست‌های برگزار شده در تیرماه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی
با همکاری پژوهشگاه مطالعات قرآنی پژوهشگاه و شورای فرهنگ عمومی کشور برگزار می‌کند:

کار بست روایات مدارج ایمان در سیاست‌گذاری و حکمرانی فرهنگی

سخنرانان:
دکتر احمد پاکتچی
دکتر حمید پارسانیا
دکتر سید مجید امامی
دکتر سید محمدهادی گرامی
دبیر نشست: محمد نصرای

زمان: دوشنبه ۲۶ تیرماه - ساعت ۱۳:۳۰
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - سالن حکمت

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۴۹>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
گروه مطالعات علم و فناوری شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

نشست نقد و بررسی کتاب «مکانیزاسیون تصویر جهان» اهمیت «استعاره و مکانیزاسیون» و مطالعات تاریخی این اثر

یکشنبه ۲۵ تیر، ساعت ۱۷ الی ۱۹
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - سالن ادب

سخنرانان:
دکتر علیرضا شافعی
دکتر علیرضا شافعی
دکتر علیرضا شافعی
دکتر علیرضا شافعی
دکتر علیرضا شافعی

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۵۰>

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق برگزار می‌کند:

جنبش‌های اسلام‌گرا و نظم بین‌الملل جدید

سخنرانان:
دکتر محمدعلی فتح‌الهی
دکتر یحیی فوزی
دکتر طیب‌محمدی کیا

زمان برگزاری:
دوشنبه ۲۶ تیر ۱۴۰۲ ساعت: ۱۳ تا ۱۵
مکان برگزاری:
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - سالن ادب

لینک مجازی نشست: <https://b2n.ir/h90057>

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۴۸>

گروه الهیات و ادیان شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

واکاوی جایگاه کتاب انسان موجودی ناشناخته اثر الکسیس کارل در گفتمان الهیات معاصر ایران

سخنرانان:
دکتر هادی وکیلی
استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دکتر فرهنگ مهروش
دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی
دبیر نشست:
دکتر مرتضی سلمان نژاد
دبیر گروه الهیات و ادیان شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

شنبه ۱۰ تیرماه ۱۴۰۲ ساعت ۹ تا ۱۱
مکان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - سالن حکمت
لینک مجازی نشست:
<https://b2n.ir/t56126>

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۰۷۴>

لینک فایل صوتی سایر نشست‌های برگزار شده در تیرماه

مرکز تحقیقات امام علی (ع) به مناسبت عید غدیر برگزار می‌کند:

از « هست تاریخی » تا « شناخت تاریخی »

(درنگی از منظر فلسفه تاریخ در نامه های امیرالمومنین)

سخنرانان:



حجت الاسلام دکتر الوری
(استاد دانشگاه باقر العلوم ج)



دکتر مالک شجاعی
(رئیس مرکز تحقیقات امام علی(ع))

چهارشنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۲ ساعت: ۸ تا ۱۰

سالن ادب

لینک مجازی نشست: <https://b2n.ir/d94731>

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۰۹۷>

گروه پژوهشی مدیریت
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

نشست پنجم

سلسله نشست‌های همایش روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی: رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو

سخنرانان:

دکتر عبدالمجید مبلغی
گونه‌پژوهی روش‌شناسی‌های مطرح در علوم انسانی

دکتر سید محمد تقی موجد ابطحی
تبارشناسی روش‌های نقش‌آفرینی دین در علم‌پژوهی

مدیر جلسه:
دکتر فرزانه میرشاه ولایتی

یکشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۲ ساعت: ۸ تا ۱۰

مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

مجازی: <https://b2n.ir/y42424>

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۴۷>

مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
با همکاری خانه خلاق و نوآوری علوم انسانی و فرهنگ برگزار می‌کند:

دومین نشست از سلسله نشست‌های نوآوری و فناوری در علوم انسانی و هنر

هوش مصنوعی و کاربرد آن در علوم انسانی

سخنرانان:



دکتر عبدالمجید مبلغی
سرپرست گروه پژوهشی تمدن‌شناسی تطبیقی



دکتر محمد نجاری
معاون مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زمان: شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۲ ساعت: ۱۰ تا ۱۲

مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - سالن حکمت

لینک مجازی نشست: <https://b2n.ir/g32613>

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۰۹۸>

مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
با همکاری خانه خلاق و نوآوری علوم انسانی و فرهنگ برگزار می‌کند:

سلسله نشست‌های نوآوری و فناوری در علوم انسانی و هنر

نشست نخست هوش مصنوعی و کاربرد آن در علوم انسانی

سخنرانان:



دکتر عبدالمجید مبلغی
سرپرست پژوهشگاه تمدن اسلامی



دکتر محمد نجاری
معاون مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زمان: شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۲ ساعت: ۱۰ تا ۱۲

مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - سالن ادب

لینک مجازی نشست: <https://b2n.ir/g32613>

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۲۲۰>

لینک فایل صوتی سایر نشست‌های برگزار شده در تیرماه

سلسله نشست‌های چستی و جرایبی فلسفه تاریخ، بررسی کتاب
«آغاز و انجام تاریخ»
 اثر کارل یاسپرس

سخنرانان:
 دکتر عبدالرحمن حسینی فر
 دکتر سید حسین حسینی
 مدیر جلسه:
 دکتر علی سالاری شادی

دوشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۲ ساعت: ۹ تا ۱۲
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - سالن ادب

لینک مجازی نشست: <https://b2n.ir/r21175>

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۴۴>

انتصاب

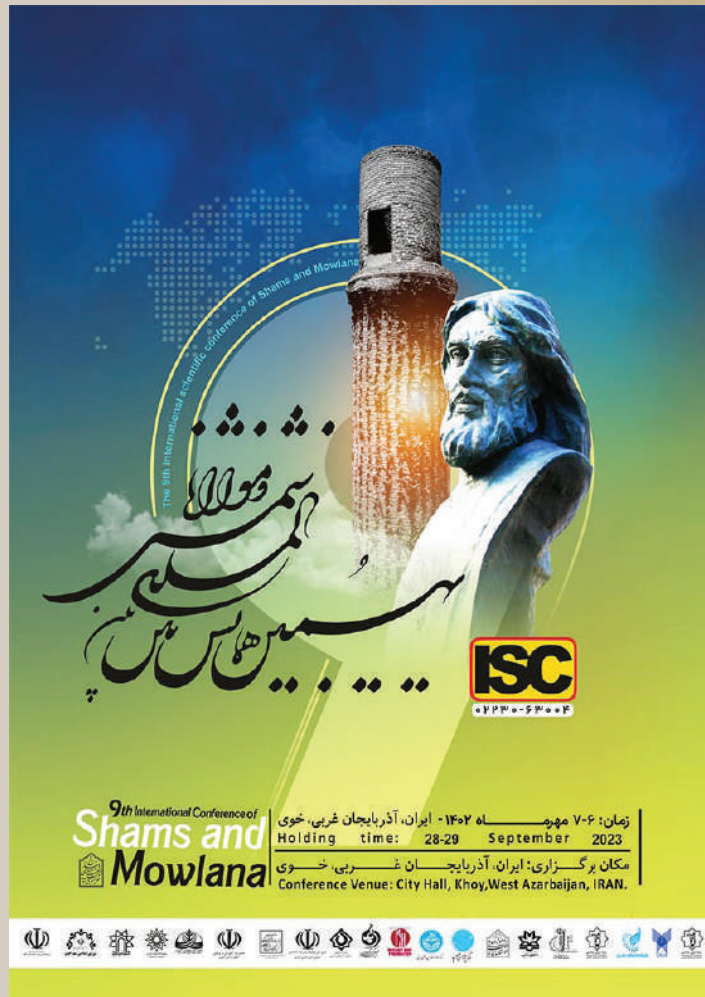
دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی احکامی جداگانه دکتر یحیی فوزی؛ دکتر عبدالله قنبرلو؛ دکتر سید رضا حسینی؛ دکتر زهرا حیاتی؛ دکتر الهام ابراهیمی؛ دکتر محمدعلی معتضدیان؛ دکتر مهدی معین‌زاده؛ آقای قاسم شکری؛ دکتر محمد نجاری؛ آقای ناصر زعفرانچی‌زاده مقدم؛ دکتر فرزاد زیویار؛ دکتر محمود جنیدی جعفری و مهندس جواد صالحی را به مدت دو سال به‌عنوان عضو شورای رشد، نوآوری و فناوری پژوهشگاه و دکتر نیره دلیر را به عضویت شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منصوب کرد.



ثرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



آرشیو خبرنامه در وبگاه پژوهشگاه



سردبیر: خوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام رسان ها: @ihcss, @pajoheshgah